ژوندون

اطلاعات وکلتور



شماره ـ ۳۱
سال ـ ۲۷

پنجشنبه اول عقرب ۱۳۵٤ ـ ۱۸
شوال ۱۳۹۵ ـ ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۵
قیمت یك شماره ۱۳ ـ افغانی

روی جلد :
دختر ترکمنی در لباس محلی

اختصار وقایع مهم هفته



درداخل

با قرائت پیام بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تجلیل از هزارو صد مین سال تولد حکیـــم ابونصر محمد فارابی که یکی ازچهره های تابنده علم وفرهنگ کشورعزیز می‌باشد روز سی‌میزان‌طی محفل‌علمی افتتاح گردید .

محفل ساعت ده صبح باقرائت‌چند آیت ازکلام الله مجید در تالاربزرگ رادیو افغانستان آغاز گردیده وپس از آنکه سرود ملی نواخته شد پیام مؤسس جمهوریت بناغلی محمد داؤد بمناسبت افتتاح این مجلس علمـــی توسط پوهاند دکتور نوین وزیـــر اطلاعات و کلتور قرائت گردید .

* * *

در جلسات قبل از ظهر وبعدازظهـــر ۲۲ میزان سیمینار فرهنگی افغان وهند در طول قرون بیانیه هاومقالاتی پیرامون ادب پشتــو نقش افغانستان درورود وانتشار زبان دری در هندوستان ویك سلسله موضوعات دیگرمربوط به دوکشور توسط دانشمندان افغانی وهندی ایراد گردید .

* * *

بامصرف یك ملیون ودو صد وپنجاه هزار افغانی برای اهالی قریه های پاچا صاحـــب وشینهٔ ولایت کابل آب مشروب صحی تهیه گردیده است .

* * *

جمعیت افغانی سره میاشت درسال گذشته ۳ملیون و۸۰۰ هزار افغانی درداخل وهژده‌هزار دالر در خارج کشور طی یکسال اخیر بـــه آسیب رسیدگان نقدا وجنسا مساعدت کـرده است .

* * *

پروتوکول تمویل یکعـده پروژه هــا ی افغانی درتهران امضاء شد .

در خارج

والری ژیسکار دستن رئیس جمهور فرانسه روز ۲۶میزان پس‌ازیك‌اقامت‌رسمی پنج‌روزه دراتحادشوروی ازمسکوعازم‌پاریس شدودریك اعلامیه سیاسی‌مشترك‌که توسط ژیسکاردستن ولیونیدبریژنف سر منشی حزب کمونیســـت اتحاد شوروی امضا شده هردو طرف خواهان یك‌کنفرانس بین المللی برای خلع .وسـلاح توسط تمام قدرت های ذروی وتوسعه دیتانت شرق وغرب تاساحات نظامی شدند .

در شهـــر پانامه مرکز کشور امریکا یی پانامه یکی از مهم ترین گام هـــا بسوی تاسیس بازار مشترك امریکای لاتین برداشته شد .

یعنی نمایندگان (۲۳) کشور امریکای لاتین اساسنامه یك سیستم اقتصادی جدیدراامضا کردند .

* * *

انور السادات رئیس جمهور مصربار‌دیگر برعلیه خطرات ناشی از سرازیر شدن سلاح های مدرن امریکایی باسرائیـل هشدار داده است .

* * *

ایگال الون وزیر خارجه اسرائیل نسبت به تعهداتی امریکا برای تقویه نیرو هـــای آنکشور داده اظهار رضائیت کرد.

دکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا روز ۲۸میزان مذاکرات خودرا درباره‌مسایل مورد علاقه بامقامات حکومتی‌جمهوریت مردم چین در پیکنگ آغاز کرد.

* * *

کنفرانس (قوانین جهـا نی) در واشنگتن پایان یافت.

درین کنفرانس نظر خاصی به وضع قوانین برای زنان وجود داشت .

کنفرانس (قوانین جهانی) همه سالـــه در همین‌موقع دایرمیشود.ولی برای‌اولین‌بارامسال درین کنفرانس این موضوع جای عمده داشت که چگونه می توان قانون رادر خدمت‌تحصیل حقوق زن مورد استفاده قرار داد .



بناغلی رئیس دولـت وصدر اعظم هنگامیکه اعتماد نـامـهٔ سفیر کبـیر جمهوریت مردم بلغاریـا را در قصر ریاست جمهوری می پذیرند.





پوهانو دکتور غلام صدیق محجبـی‌رئیس پوهنتون کابل هنگام ایـــراد بیانیه به مناسبت هزاروصدمین سال تولد ابو نصر فارابی در جلسه افتتاح مجلس علمی روز ۳۰میزان

پیک ژوندون

دولت جمهوری افغا نستان مساعی جمعیت های صلیب احمر بین المللی، هلال احمرها وشیر خورشید سرخ را در گذشته وآینده میستاید و متوجه آنست که موسسه افغانی سره میاشت بیشتر تقویه یابد . تابتواند فعالیت خویش را بیش ازپیش بافعالیت این سازمانها توحید بخشد.

ازبیانات رئیس دولت و صدراعظم

پنجشنبه اول عقرب ۱۳۵٤ ـ ۱۸شوال ۱۳۹۵ ـ ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۵

هفته سره میاشت

انسان باهمه توانایی ونیرو یی که دراختیار دارد وتوانسته است به قدرت علم وتکنالو جی از بسیا ری حوادث پیشگری نموده وقوای سرکش ولجام گسته ای طبیعت رامهار زند وبرای استفاده بشر یت قرار دهد .ولی باوجود این دربرابر بسیاری حوادث ووقایع ناتوان وبیچاره است. همین بیچاره گی انسان دربرابر بسی وقایع طبیعی و غیر طبیعی است که باعث بروز حوادث دلخراش وماجرا های شگفت انگیز درتاریخ زندگی انسان میشود.

بروز بلا های طبیعی بر همگان واضع است که باوجود تلا ش فراوان بشر هنوز هم بطور غیر متر قبه حادث میشود وافراد یك منطقه رادچار بیچارگی و بدبختی های اندو نا ك میسازد. بهمینترتیب وقایع غیر طبیعی یعنی حوادث که ساخته ویرداخته همین انسان قرن بیست ومتمدن است نیز علل مشهود و پر واضح دارد. زیرا سجا یای انسانی همانطور یکه ثمره محیط است. بدی وزشتی ها نیز ثمره محیط همین انسان است که در اثر خود خواهایی ها ، کینه توزی وحر س وحسدبو جود می آید وبا عث ایجاد جنگ های مد حش وخانمان سوز، آدم کشی ودشمنی ونفاق میگردد که حاصل آن جز ویرانی وبد بختی بشر چیز دیگری نیست. مادر طول تاریخ شا هد بروز حوادث بسیار طبیعی چون زلزله های مد حش آتش سو زی هاسیلاب های خانه برانداز وویرانگر ،مریضی های بی درمان، جنگ هاو غیره بوده ایم .بخاطر حدوث همین واقعات درد ناك است که انسا نهای نوع دوست وخیر خواه برای جلو گیری ازین حوادث وکمك به نوع بشر دربی آن شدند تااگراز حوادث پیشگری ووقا یه تاحد که خواست بشر یت است صورت گرفته نمی تواند درصدد معا لجه این حوادث برآیند. بدینتر تیب برای معالجه وکمك برای کسانیکه حوادث وناگواری های طبیعی بیچاره شان میسازد ،جوامع بین المللی چون هلال احمر ،صلیب احمر وشیرخور شید سرخ تاسیس یافت تابه آسیب رسیده گان کمك ومعاونتی صورت بگیرد.

اگر چه اکنون مادر پایان هفته سره میاشت، که هفته خیراندیشی، کمك ونیکو کاری به بینوانان است، قرار داریم، بازهم لازم است متذ کر شوی م که خیر خواهی وکمك به همنوع وهمکاری با موسسا ت خیریه از وظایف عمده یك انسان است.

این تعاون وهمکاری نباید درمحدوده زمانی هفته سره میاشت با قی بماند بلکه همکاری برای مصیبت رسید گان ومستحقا ن از جمله رسالت های است که باید توانگران همیشه درمدنظر داشته با شند.

باید متذکر شد که عنوز درمرحله ازتاریخ قرار داریم که انسا نهادر جوامع غیر متجا نس زند گی میکنند وهنوز در پیشر فته ترین اجتماعات بسیازی از مردم نا دار و ناتوان اند. وبهمین ترتیب در برابر این ها مردمان توانگر قرار دارند. این مو ضو عی است که بر همه چو ن روز روشن است . بهمین سبب است که باید بخاطر حسن انسا نیت وبشر دوستی انسانهای توانگر به اشخاص بیچاره ومستحق کمك کنند. منظورما دراین چند سطر اینست که همانطوریکه مو سسا ت خیر یه وظیفه دارند تابه اشخا ص آسیب دیده ومصیبت رسیده کمك نمایند این وظیفه ومسؤ لیت بدوش هرانسان با عاطفه هم است. چنانچه، ښاغلی محمدداودرئیس دولت وصدراعظم در پیام شان به مناسبت هفته مخصو ص سره میاشت میفر مایند« هفته مخصوص سره میاشت نه تنها کار کنان ومر بو طین جمعیت افغا نی سره میاشت رابیش ازپیش متوجه وجایب انسانی شان میگرداند، بلکه فرصت آنرا میدهد تامردمان نوع دوست وباعاطفه مادرین ایام غر خنده وخیریه سهیم شوند وروحیه تعاون شانرا بیش از پیش که ازسجایایی عالی اسلا می ولازمه حیا ت اجتماعی است، دریك سطح عالی تری تقویه نمایند.»

خبر هفته

سیمینار مدیران معارف ولایات کشوردیروز درتالار ښوونځی تخنیك ثانوی افتتاح گردید.

در مجلس افتتاحیه سیمینار پس از آنکه چند آیت ازقرآن عظیم الشان قرائت گردید وسرود ملی نواخته شد پوهاند عبدالقیوم وزیر معارف طی بیانیه گفت: باساس رهنمایی های ښاغلی محمدداود رئیس دولت وصدراعظم اخیرا تغیراتی درسیستم معارف بوجود آمده ودر نظراست درروشنی این تحولات پروگرام های صحیح ودرست تربیتی وضع شود که دارای جنبه های عملی بوده وطور متداوم موازی بانکشاف درسکتور های مختلف دیگر جریان داشته باشد .

وزیر معارف ضمن شرح مبسوطی پیرامون هدف تعلیم وتربیه درکشور در پرتو ریفورم بنیادی معارف توضیحات داده گفت: بهبود امور معارف به تماسهاو مشوره های نزدیك وپیهم درزمینه ضرورت دارد وایجاب می کند تاهمچو سیمینار ها، کنفرانسها ورکشاپها بمقصد تفاهم بیشتر تدویر گردیده و زمینه تطبیق ریفورم معارف به حسن صورت انجام پذیرد .

وزیر معارف درختم بیانیه اش از همکاری اداره یونیسف درتدویر سیمینار اظهار تشکر نموده وابراز امیدواری کرد تانتایج سیمینار مفید وموثر واقع گردد .

در مراسم افتتاح معین های معارف ، رئیس پوهنتون، روسای بعضی ازپوهنځی هاودوایر مختلف وزارت معارف، مدیران لیسه ها و مکاتب شهر اشتراك ورزیده بودند .

خبرنگار باختر علاوه میکند که سیمینار مدیران معارف ولایات کشور تااول عقرب دوام میکند وطی جلسات آن روی موضوعات مربوط به ریفورم معارف وتطبیق آن مطالعه طرق بهتر ساختن سویه تعلیمی شاگردان باوسایل دست داشته ویك سلسله مسایل مورد علاقه بحث ومذاکره صورت خواهد گرفت .

کمیته های مربوط به جلسه سالانه مدیران معارف ولایات روی موضوعات اختصاصی در تخنیك ثانوی به بحث ومذاکره ادامه دادند .

در کمیته تعلیمات ابتدایی مسوده لایحه جدید امتحانات مکاتب، درکمیته تعلیمات ثانوی مسایل امتحانات وطرز بهتر ساختن روش آن، درکمیته تعلیمات مسلکی مسوده مقررات ، اهداف لایحه وپروگرام های کورسهای حرفوی درکمیته تربیه معلم، تربیه معلمان مکاتب ابتدایی، ثانوی مطابق سهمیه معینه وارتقای سویه تعلیمی معلمان که از صنوف ۱۲ و۱۳ فارغ شده اند مطرح شده وتصامیمی اتخاذ شد .

همچنان در کمیته اداری روی موضوعات مربوط بحث بعمل آمد .

پوهنوال ولی الله سمیعی معین دوم وزارت معارف درمباحث کمیته هااشتراك داشت .

پیام بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدر اعظم

بمناسبت یادبود ابو نصر محمد فارابی

تشکیل مجلس و قدردانی ازابونصر فارابی مایه خوشی همه‌کسانی است که به‌دانش واندیشه های انسانی بنظر احترام وقدر دانی می‌نگرند ، بدون تردید ابونصر فارابی‌یکی از چهره‌های تابنده علم و فرهنگ این سر زمین باستانی است که به‌بلند ترین مقام اندیشه انسانی راه یافته است .

دانشمندانی چون ابو سلیمان منطقی سیستانی وابو علی ابن سینای بلخی کسانی بودند که‌از مکتب فکری‌ابونصر فارابی استفاده کرده و مشکلات علمی خودرا ازطریق مطالعه آثار و تالیفات وی‌حل نموده اند .

نظرات وآراء ابو نصر فارابی در اخلاق وسیاست‌که حسن اخلاق‌راحاصل دانش وسر آغاز سعادت انسانی می‌دانست وهمکاری و تعاون ارادی افراد جامعه را برای تنظیم حیات و حفظ جامعه ضروری می شمرد هنوزهم بعد از گذشت بیش از هزار سال مایه تحسین صاحب نظران است واو رادر صف اول بنیاد گذاران تمدن بشری قرار میدهند ،وبر همین قیاس سایر اندیشه های فلسفی و ابتکارات علمی وی‌که خود او آنهارا درضمن بیشتراز یکصد جلدکتاب ورساله گنجانیده‌است نمایانگر سهم زیاد وی در پیشرفت علم ودانش بشری است .

تجلیل ویاد بود چنین شخصیت گرانمایه ازطرف وزارت اطلاعات‌وکلتور که‌به‌قول مورخ معاصرش ابن الندیم‌از فاریاب خراسان بوده وبه گفته امام غزالی در میان فلاسفه اسلام هیچکس به‌پایه او وابن سینا نرسیده است

درحقیقت تجلیل‌وقدردانی علم‌ومعرفت می‌باشدکه این خود یکی‌از اهداف پالیسی کلتور ی دولت جمهوری افغانستان واز جمله موثر ترین عوامل رشد فرهنگی است .

امید وارم تحققا ت و مباحثات علمی این مجلس در باره زندگی وآثار وافکار معلم ثانی سهم بزرگ اورادر نشر فر هنگ و معار ف بشری بیش ازپیش روشن کند.حق آن‌دانشمند بزرگ به‌خو بی ادا شود.

توفیق دانشمندانی را که در این‌کار پرارزش علمی اشترا ك دارند آرزو مینمایم.

۳۰ میزان ۱۳۵۴

متن بیانیه پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور

درمجلس علمی تجلیل ازابو نصرمحمد فارابی

جای مسرت است که پس‌از تجلیل سه تن از سر آمدان جهان علم وادب، مولا نا جلال‌الدین بلخی، بایزیدروشان وامیر خسرو بلخی ، که‌درسال گذشته به پیروی از پا لیسی کلتوری دولت جمهوری‌صورت گر فت.

اینك مجلس علمی تجلیل از یك فرزند دیگر افغانستان یعنی معلم‌ثانی‌ابو نصر محمد فارابی که از بزرگترین فلاسفه اسلام و تربیت یافتگان مکتب فکر ی خراسان است ، با اشترا ك عده‌ای از دانشمندان ومحققان برگزار می شود .

ابو نصر فارابی که هزار و یکصد سال شمسی ازولاد تش وهزار و بیست و پنج سا ل شمسی از وفاتش می گذرد، ازجمله‌دانشمندان عالیقدریست که‌در گسترش‌علم وفضیلت‌در جهان سهم بزرگی‌داشته‌است تاآنجا که‌وی را معلم ثانی لقب داده‌اند . وبطوریکه حضار محترم می دانند لقب معلم،لقبی است که تا زمان فارابی تنها به ارسطو فیلسوف بزرگ یونان‌اختصاص داشت وپس از آنکه‌فارابی رانیز شایستهٔ این لقب تشخیص دادند،ارسطو را معلم اول و او را معلم ثانی خواندند

زندگانی فارابی ، در دوران طالب العلمی او برای همه دوستداران فر هنگ و دانش، نمونه وسر مشقی عالی‌از همت وکوشش وعلاقه به درك وفهم موضوعات علمی می تواندباشد زیرا به طوریکه نوشته اند او کتاب سماع طبیعی ارسطو را بیش از چهل بار خواند تا منظور مصنف را به خو بی دریافت و هم گویند ، در نسخه‌ای از کتاب النفس‌ارسطو یاد داشتی به خط او دیده‌شد که حاکی از صد بار مطالعه آن کتاب بوده‌است . و اوبایك چنین شوق وعلاقه به دانش توانست بر تمام علومی که‌در آن عصر مرسوم و مروج بود احاطه پیدا کند وبه تألیف و تصنیف شروع نماید، چنا نکه تعداد تصنیفاتش در اخلاق در سیاست ، در ریاضیات ، در موسیقی ، درادب ، درطب در منطق و حکمت ودر همه دانشهای مرسوم آن زمان ، به یکصدو سه کتاب بالغ میشودکه‌اگرچه‌امروزبسیاری‌از آن کتابها مو جود نیست ،ولی آنجه باقی مانده است برکمال فهم ووسعت دامنهٔ اطلا عات او ونبو غش در تحقیق وابتکار دلالت می نماید .

فارابی اولین کسی است‌که به تالیف یك دایرة المعار ف علمی‌بنام(احصاء العلوم)اقد ام نمود و دانش های زمان خودرا یکایك تقسیم، توضیح وتعریف کرد وهمین‌کتاب که‌خوشبختانه موجود است ،دو بار در قرن هفدهم میلادی به لاتینی ترجمه شد ودر اروپا بسیار مورد توجه واقع گردید و سبب شد که دانشمندان آن سر زمین در جستجوی سایر آثار وی برآیند وبه ترجمه ونشر آنهابپردازند.

معلم ثانی در نشر فلسفه و علوم عقلی و آشنا ساختن دانشمندان اسلام به افکار فلاسفه یونان بیشتر ازهر کس شایستگی به خرچ داد و با نوشتن‌کتابهای متعدددرتوضیح وتفسیر اندیشه های ارسطو ودیگر فلاسفه توانست راهی رادر جهان فکر بشر باز کندکه پس از او نخست ابو سلیمان منطقی سیستانی و سپس ابن سینای بلخی آن راه را ادامه دادند .

تجلیل و قدر دانی و نیز تحقیق و جستجو در احوال و آثار دانشمندی چون ابو نصر فارابی که سهم بزرگ ومهمی در استحکام بنیاد فلسفه وعلوم عقلی در تمدن اسلامی دارد گذشته از اینکه در حکم ادای حقی است که دانشمندا نی ماتند او به گردن همه علاقه مندان علم و فر هنگ دارند ، ازین بابت هم در خور تو جه وسودمند است که نسل جوان رابه ارزش علم واهمیت عالم در جامعهٔ متوجه می سازد و علاوه برآن سبب میشود تا همان طور که‌به آینده‌تا بناك خود ووطن و جامعه خویش علاقه دارد ، گذشتهٔ پر افتخاررا نیز فراموش نکند و حلقه اتصال گذشته و آینده باشد .

خو شبختانه میدان تحقیق در احوال و آثار فارابی وسیع است‌وشك‌نیست که‌دانشمندان شرکت کنندهٔدرین‌مجلس‌علمی از نتایج تحقیقات و مطالعا ت خویش مطالب سودمند و ارزنده‌ای به‌علاقه مندان‌فرهنگ ومعرفت هدیه خواهند کرد .

به آرزوی سعادت دایمی هموطنان عزیز و آبادی روز افزون کشور در پرتو نظا م مردمی جمهوریت ، مجلس تجلیل وقدردانی از معلم ثانی را افتتاح میکنم

پیام بخوانندگان

بامراجعه به گذشته می بینیم دراجتماع مازنان همیشه در پهلوی تربیه سلیم فرزندان شان ووارسی از امور خانواده همیشه همدوش مردان مشغول خدمت به اجتماع بوده و کرامت انسانی شان بحیث بامراجعه به گذشته می بینیم در اجتما ع عضو فعال اجتماع در حدودمقتضیات وخواسته های جامعه محفوظ بوده است.

باخوشی باید یاد کردکه پانزده سا ل پیش ازامروزنهضت نسوان بنابر ضرورت عصرو وزمان برای سهم گیریفعالانهخواهران افغانی در انکشاف کشور اساس گذاشته شد آرزی یگانه ازین اقدام آن‌بود تا همه خواهران افغانی همدوش برادران شان در خدمات اجتماعی سهم بگیرند و در حدود عدالت انسانی وقوانین اجتماعی از حقو ق مدنی خویش بر خوردار باشند.

خوشبختانه اکنون می بینم این نهضت‌به همکاری زنان منور به موفقیت دنبال میشود ود رحدود امکان ،زنان افغان‌همدوش‌برادران شان درساحات مختلف انکشافات ملی مشغول کارو خدمت اند.

خواهران ودختران عزیز!

نباید ناگفته گذاشت که افراط درهرچه باشد نتیجه‌خوب ندارد تقلید ظاهری وبیجا و تجمل پسندی بحد مبالغه که متناسب‌به سویه‌اقتصاد وروحیه انقلابی ملی‌ما‌نمی باشد نور نه‌کنم بسیار معقول و پسندیده باشد لذا غور وتعمق داوطلبانه شما خواهران و دختران با احساس ووطن پرست رادر این موضوع که‌نباید بسیار کوچك وبی‌اهمیت‌تلقی شود جلب میکنم وامیدوارم راه معقولی برای اصلاح‌آن جستجو نمائید.

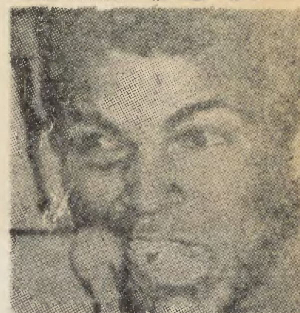
یقین دارم ساحة این همکاری روزبروز وسعت می یابد وزنان افغان با نجابت و مقام خاص شان درگردانیدن چرخ‌اجتماع با مردان سهم فعالانه میگیرند.

درجامعه ماچون‌سایر جوامع رو بانکشاف در پهلوی سایر موانع موضوع‌بیسوادی و وجود یک سلسله رسم و رواجهای بیجا هنوز در برابر تثبیت حقوق زنان و سهم گیری واقعی شان درخدمات اجتماعی‌قرا ر دارد.

امامحققا طرح‌پلانهای جامع و تنویرپیهم ووسیع اجتماع ،مشکل ما وجوامع مشابه را دردین زمینه حل خواهد کرد.

درین شماره









آثار چوبی افغانی در غرفه برلین‌سخت مورد توجه قرار گرفته بود

صنایع افغانستان در مارکیت‌های جهانی

امتعه افغانستا ن در غر فـــه‌اختصا صی نمایشگاه بر لین غربی چشمگیر بود..

* * *

عده یی از تجار بین المللی‌برای‌خرید صنایع افغانی آفر داده اند.

سیز د همین نمایشگاه بر لیـــن غربی، از۳ تا ۷ میزان در آن‌شهر دایر گردید ودر آن پنجاه و پنـــج

کشور آسیایی ، افریقا یی و امریکایی حصه گر فته بودند .

نما یشگاه وارداتـــــی ماوراء بحار برلین غربی امسال درساحه نمایشگاه معرو ف (آ. ام ،کا) در شهر بر لین دایرشده بود ، که‌به صورت عمو می سا حه ۲۳٤٤٥متر مربع ز مین رادر بر می گرفت .

افغانستا ن ازسا ل ۱۹٦٥ به اینسو، درین نما یشگاه اشترا ك می ورزد وامسا ل نیز، صنا یـــع افغانستان در غر فه اختصا صی نمایشگاه بر لین سخت مورد توجه تجار بین المللی و مو سسا ت — تجار تی قرار گرفت.

يك‌منبع وزار ت تجار ت‌پیرامون نمایشگاه جهانی بر لین ،گفت:

—این نمایشگاه ، ازسا ل۱۹٦۲ به اینسو همه ساله به جز سا ل



١٩٦٧ دایر میگردد .

منبع افزود:

ـنمایشگاه امسا ل تحت نا م (اشتراك کنند گان ارتقاء) برگزار شده‌بود ودر آن ٢١ کشور اسیایی ١٨کشور افریقا یی و١٥ کشور امریکایی لاتین، بشمو ل بعضی شر کت های اضلاع متحده امریکا اشتراك ورزیده بودند .

بناغلی امان الله نظر زی، مدیر عمو می مار کتنگ وزار ت تجار ت که‌برای تدویر غر فه افغانی دریـن نمایشگاه . به‌بر لین غربی ر فتـه بود. گفت :

ـبشمول افغا نستا ن ، بیش‌از نهصد و پنجاه مو سسه تجار تی پنجاه و پنج کشور در نمایشگاه امسال حصه داشتند که در میان آنها امتعه افغانستا ن نیز مور د دلچسپی بازدید کنند گان قــرار گرفت.

می‌پرسم:

ـهدف از تدویر این نمایشگاه چیست ؟

مدیر عمو می مار کتنگ وزارت تجار ت میگوید :

ـنمایشگاه وار دا تی برلیـــن غربی ، محلی است برای بو جـود آوردن تماس ها بین واردکنند گان این‌نمایشگاه و کشور هـــای ارو پایی ، با موسسا ت صـــادر کننده کشور های ماورا بحار .به عبار ت دیگر این نمایشگاه سبب بازار یابی بیشتر و تقاضا ی وارد کنندگان ارو پایی برای مال‌التجاره کشور های ما ورا بحار می شود.

وی می افزاید :

ـاین نمایشگاه مختص به‌نمایش امتعه تجار تی بخصو ص نیست بلکه همه کشور های مذکور ، تمام متاع صادرا تی خود رابه نما یش گزارده بودند . ازسا حه آسیا، ـ کشور های تر کیه ، بنگله د بش مصر ، هانگا نگك ، هند وستا ن، اندونیز یا، جاپان ، ارد ن ، کوریا لبنان، مالتا، نیپال ، پاکستان ، ـ فیلیپاین، سنگا پور ، سیر یلنکا، سوریه، تایلند، تایوان وقبـر س، غرفه هایی در نمایشگاه ١٩٧٥ ـ برلین غربی دایر کرده بودند ..

وی‌علاوه میکند :

ـافغانستا ن یك غر فه ر سمی وچند غرفه ازتجار و مو سسا ت تجارتی، درین نمایشگاه داشت ، که‌بصور ت عمو م در آنها، قا لین، میوه خشك ،لاجورد، اشیا ی ساخته شده ازسنگ رخام ، اشیای‌ساخته شده ازچوب،البسه، خامك دوزی، بوت آهو و چرم های مختلف ، ـ پوستینچه ،بالا پوش های پوستی، تکه های‌نسا جی ، کمپل های‌پشمی نبا تات طبی ، زیورا ت و عسل‌به نمایش گذاشته شده بود .

بناغلی امان الله افزود :

ـامتعه که در غر فه های‌مربوط کشورما به معر ض نمایش قرار گرفته بودمورد تو جه خریدارا ن عمده‌و تماشاچیا ن واقع شد ودر حدود شصت وپنج فیصد آ نها به فروش رسید.

علاوه بر آن یکتعداد از تجــا ر عمده توزیع کنندگا ن‌وواردکنندگان آلمان وسایر کشور ها، با دیدن امتعه افغانی آن را پسندیده وبرای تهیه مقادیری از آنها، آفر دادند.

وی راجع به آفر های تجــــار خارجی میگوید :

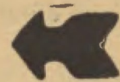
ـمابه آثار حکاکی شده‌وساخته شده چوبی، میوه خشك ، عسل، صنایع دستی ، لاجورد، پوستینها، زیورات فلز ی، گلیم ،کمپل و ـ پوستینچه آفر هایی گرفته ایم .که البته علاقمندی مو سسا ت تجارتی خارجی، به آثار چوبی ،لا جورده قالین افغانی بسیار قابل توجه‌بود.

دراخیر این گفت وشنود مد یر عمو می مار کتنگ وزا رت تجارت گفت:

ـغرفه‌افغانی درین نمایشگاه، امسال چه ازلحاظ دیکور و تز یین وچه ازنگاه امتعه وصنایع مر غوب محلیـــ، سخـت تما شا یی بـودو علاقمندی بازدید کنندگا ن با عـث امیدواری ماگردیده است .

وی افزود :

ـتاحال امتعه و صنایع افغانی در مار کیت های جهانی‌طرفداران فراوانی پیداکرده است .



شرح عکس ها ازبالا به پائین

بــرا ی پو ستینچــــه هــا وپو ستین های افغانی مو سسا ت تجا رتی مختلفی آفرداده انـــــد

گوشه ایی ازیك غر فه افغانستان درنما یشگاه بر لین غربی

گزارش از : گل احمد زهاب نوری

حوادث دلخراش ترافیکی



جسدجوانی که درشاخ‌مقابل سرویس‌گیرمانده

• دو جوان درزیر عراده هـــای سرویس هلاك شدند.

• روزانه چهل هزار وسیله نقلیه‌درشهر، کابل حر کت می کند.

صبح زود است ، عقربه‌های ساعت ٤و٣٠ رانشان میدهد، جادهٔ چمن‌حضوری خلوت‌است کمتر عابری به چشم میخورد، مردی به پشت فرمان موتر نشسته است، ذوق زده مینماید، پایش رابراکسیلتر موتر می فشارد ولحظـه به لحظه سرویس باجسهٔ عظیمش، سرعت می گیرد ...

ناگاه ، دریك لحظهٔ کوتاه، چشمان دریور برقی می زند، سیاهی یی دربرابرش دیـده میشود وبعد ...

درآن صبح زود، صدای درهم ریختن شیشه هاوشکستن آهن پاره ها، بلند میشود،ناله‌یی شنیده نمیشود، به جزء غرش موترو فریاد وحشت یکی دورهرو، دیگر صدای بلنـــد نمیگردد... دریور تازه بخود می آید، بـــه سرعت گیربدل می‌کند، موتررا به سوی عقب میراند وبررقت انگیزی این حادثه ، برگـــی دیگر می افزاید ... چشمان وحشت زده اش می بیند،که جوانی ماندماهی درحلقهٔ‌پیشروی سرویس گیرمانده وبروی جاده‌کشیده میشود، ولی اوبه آن توجه یی ندارد، همچنان بسوی عقب میرود، تاراهی فراری بجوید... کم‌کم مردم می‌شتابند، صدای اشیلاق پولیس‌ترافیك بگوش میرسد وراه را، براومی بندد ...

این واقعه صبح زود رخداد، هنوز چنـــد هفته‌یی ازآن نگذشته است. محمد عیسی‌کلینر درآن صبح، سرویس نمبر ۱٦۳ رااز سرای پل محمود خان‌خارج میکند، اوهنوز مهارتی به راندن موترندارد، سرویس خیلی از اراده‌اش خارج میشود، وقتی به جهار راهی مقابـــل ستودیوم میرسد، به شدت، باریکشایی‌تصادم میکند، ریکشا، درزیر سینه غول‌پیکرسرویس درهم میریزد، مردی درمیانش اسیر میمانـد وهمراه باآهن هادرهم فشرده میشود ومـرد دیگری، جوان دیگری به شاخ پیشـــــر وی سرویس گیرمی افتد وازمیان آهن های لــه شده، بیرون کشیده میشود ....

آنها، خیلی زود هلاك میشوند ودریـــور بدست پولیس ترافیك می افتد ...

مادرین شماره گزارشی داریم از حـوادث دلخراش ترافیکی درشهر، از طـــرز بررسی حادثات ، ازسرعت وسایط نقلیه وگراف های حادثات ، تعداد عرادجات و....

یك منبع مدیریت عمومی ترافیك کـــابل می‌گوید :

-بیش از (۱۵۹۷۱) موترشخصی تیررفتار (٥٦۱٦) تکسی، (۳۲٦٤) موتر حکـــومتی ، (٦٧٦) موتر موسسات ملل متحد، (۱۸۱۹) موترخارجی ها، (٦٥۳۹) موتر لاری، (٦٨۲) ریگشا، (۳۸۸٥) موتر سرویس و(٦٨۹) موتر دیپلومات ها، روزانه درشهر کابل حرکـت می کنند ....

منبع می افزاید :

-البته عرادجات ولایات دیگرکه به کابـل می آید، موتر های جهانگردان ، وسایـــط ترانسپورت های بین المللی نیز، بر ایـــن ارقام باید افزوده شود ...

بناغلی میرمحمد سعید واعظی آمر عمومی بررسی حادثات ترافیك کابل، ضمن تذکـــر حادثه تصادم سرویس وریکشا، میگوید:

- نصب علایم ولوایح ترافیکی به ستندرد بین المللی ازیکطرف وایجـــاد تاسیســـات ترافیکی وتلاش های پیگیر موظفان ترافیـــك ازسوی دیگر، باعث کاهش گراف حـــوادث، درماه های اخیر گردیده است .

وی می‌افزاید :

- درحال حاضر باوجود ازدیـــاد دوازده



واقعه‌ای دلخراشی که زادهٔ بی احتیاطـی دریوران است.

عزار عراده وسایط نقلیهٔ دیگر در جریـــان ترافیك وضیقی جاده ها، بازهم گراف حادثات نشان میدهد، که‌کاهش قابل ملاحظه یـــی برحادثه های ترافیکی درشهر ، به تناسـب سال های گذشته رخداده است .

آمر بررسی حادثات ترافیك میگوید :

- بطور نسبی، نظربه سال های ۵۱-۱۳۵۲ درسال ۱۳۵۳ ونیمهٔ اول ســال ۱۳۵٤، در حادثاتیکه منجربه قتل میشود چهل فیصد ، مجروحیت، سی وپنج فیصد وخسارات مالی هفده فیصد کسر وتقلیل رونما شده است.

بناغلی میرمحمد سعید واعظی ، در برابر پرسشی راجع به طرز بررسی حادثات ترافیکی میگوید :

- موقعیکه آمریت بررسی حادثات ازواقعهٔ ترافیکی اطلاع میبابد هیات‌به‌سرعت‌باوسایط نقلیهٔ ترافیك وامبولانس ها، خودرابه محـل حادثه میرسانند، البته برای پولیس ترافیك فرقی نمیکند ، که این حادثه در داخل شهر رخداده، یابیرون ازشهرو نقطهٔ دوردستی ....

نخستین وظیفهٔ موظفین بررسی حادثـات، انتقال مجروحین به نزدیکترین شفاخانه هـا است، سپس محل‌حادثه ووسایط نقلیه را ، ازلحاظ کمیت وکیفیت بررسی می نماینـد ، اخذ کروکی محل واقعه، وضـــع ساختمان و موقعیت سرك به ترتیب اساسی یادداشـت می‌گردد، در صورت لازم عکس هایی ازحادثه تهیه می‌گردد، جمع آوری مدارك ودلایل الزام ونظرات شهود حادثه نیزاز فعالیت هـــا ی موظفان این آمریت است .

ترافیك انتقال مجرو حین رابـــوسیلـه امبولانس های خود، به عهده دارد، علاوتـــا کسانیکه درجریان حادثه هلاك می شونـد ، بوسیلهٔ وسایط ترافیك به طب عدلی وسپس تامنزل خود، یااقارب آن نقل داده میشود .

وی علاوه میکند :

- موتر های که درجریان حادثه صدمـــه می بینند، توسط موتر (کرین) ترافیك، بــه شهر انتقال داده میشود .

تکمیل دوسیهٔ موضوع وارجاع آن ازطریق خارنوالی جرایم ترافیك به محکمهٔ اختصاصی ترافیك جـزء فعالیت های‌ایـن آمریت‌بشمار میرود.



عدم مراعات حق اولیت سبب این حادثه شده است

می پرسم :

-به نظرشما عوامل عمدهٔ حادثات ترافیکی چیست ؟

آمر بررسی حادثات ترافیك در پاســخ میگوید :

- عده یی ازدریوران درگذشته، بـــدون سپری کرد نکورس ترافیك لایسنس گـرفته اند، عده یی هنوز آشنایی کافی به عـلایم واشارات ندارند، دسته یی به تیز رانـــی می پردازند وگروهی هم به مقررات ترافیـك توجه یی نمی کنند، که درنتیجه سبب حادثه های دلخراش می گردد .

وی ادامه میدهد :

- البته نواقص تخنیکی عرادجات کهنـه ، عدم مراعات چراغ های دیم وفول درشب ، دورخوردن بدون اشاره در چهارراهی هـا ، سبقت جستن وحتی ضیقی خود جاده هـــا ازعوامل مهم حادثه های ترافیکی به شمـار میروند .

وی میگوید:

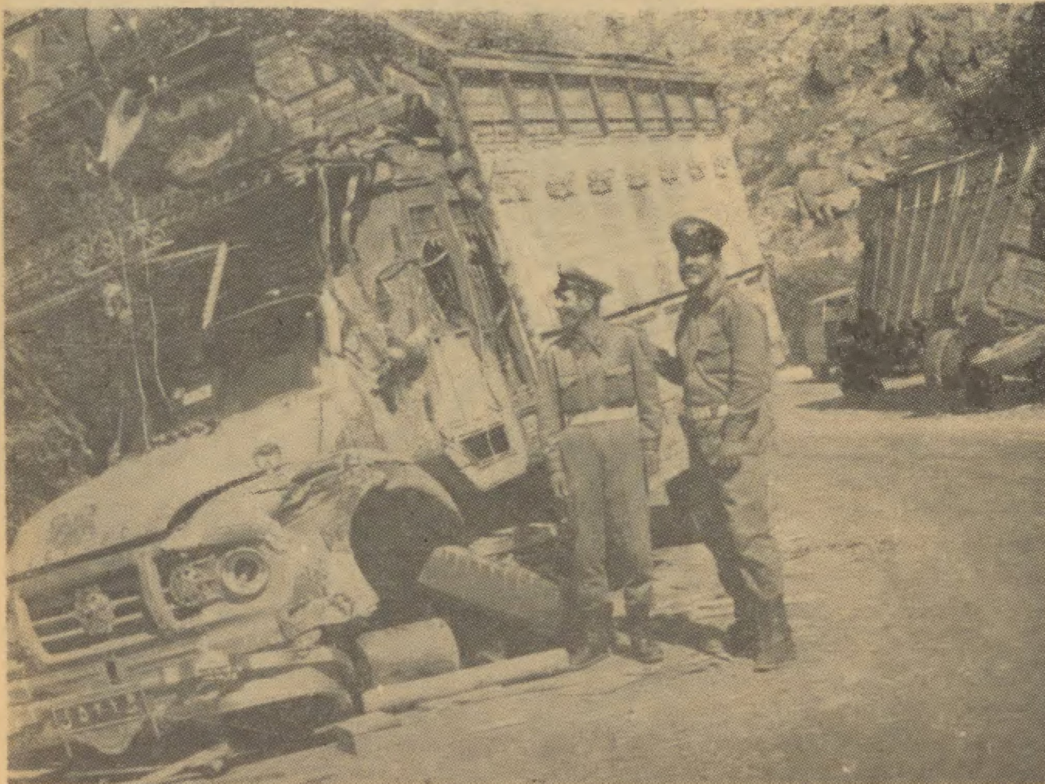
- ترافیك ازتمام رانندگان توقع دارد ، تا برای حفظ جان خود ودیگران، به مقـــررات ترافیکی ولوایح آن، توجه کنند تابه اینترتیب هم خود وهم شهریان خودرا، از گزند حادثه های ترافیکی درامان داشته باشند .

بناغلی واعظی علاوه میکند :

- همکاری مردم بامراعات راه های پیاده‌رو واستفاده ازدهلیزهای ترافیکی وتوجه‌رانندگان به علایم واشارات تحدید سرعت وسبقت ، یگانه علاج موثر جلوگیری ازحادثه هاست .

وی دراخیر می افزاید :

- فصل زمستان هرسال گراف حوادث را بلند می برد، البته علت آن هم عدم استفاده موترها ازچنین‌لوازم زمستانی‌است. امیدواریم موتر داران امسال با ادراك وجایب اجتماعی شان وحفظ سلامتی خود ، بکوشند تامانـــع حادثات دلخراش ترافیکی گردند .



سقوط موتر درماهی پر

این کمیدی نقش های چسپیده‌بدیوار بیرو کراسی را نمایان می سازد .نما یشنا مه که خودسخنگوی‌وخود سخن ساز است حمید جلیا مثل یك تابلو میدرخشد .استادبیسدو کامران دو همبازی که از یکطر ف نقش های خودرا لمس‌می کنند وازجانب دیگر احساسات بیننـد گان رانوازش مید هند.

میرزاقلم‌ها

بقلم : م . فلونیا



خورشید دریکی از صحنه های درام مرزا قلم‌ها

درست درلحظه مصروف تما شای فوتوهای ویترین کابل ننداره بودم ناگهانی پوستری نظرم رابخود جلب کرد که درفضای نیمـه تاریك بمشکل میشد خطوط کج ومعوج‌پوستر راخواند سرانجام موفق شدم بخوانم (کمیدی مرزا قلم ها) . دراین پوستر که گویی همه بازیگران آن ازیك قماش اند پنج عکس ویا تصویر همه عینك داران ویك تیپ به نظـر میخوردند .

وقتی واردسالون شدم یکسره فضا احترام انگیز احساس میشدهریك ازتماشاچی برویت تکت های دست داشته خودبه جا هایی معینه اخذ موقع نموده بودند که این خود نشانـهٔ ازیك نظم بود اخص تراینکه نمایش پوره به ساعتیکه روی پوستر ها وپامفلیت ها نقش بود آغاز گردید .

آغاز نمایشنامه باحرف ها وژست هایـی بودکه بصورت‌مستقیم بیماری‌های روشنفکرانهٔ یکی ازادارات رامعرفی مینمود. این معرفـی کوتاه وموقت وبظاهر ساده بیننده هارا تـا حدود متنابهی بسوی یك جریان پـراضداد معطوف ومتوجه مینمود دیکوریشن این اتاق فقر ظاهری نداشت ولی بعضی کمبود ها ی که آنهم از ملحوظات مایه میگیرد در اتاق کار آمربه نظر میخورد .

برخورد خانه سامان بایکنفر از ماموریـن روشنفکر که بقول خودش شامل‌گروه چاپلوس ها‌ومرزاقلم ها نیست تقریبا اکمال کننـدهٔ همان رابطه وتکرار همان سلسله حرف های خانه سامان‌است وبصورت یك‌کل آمیزه‌ایست ازبرخورد های فکری وعقیدوی واحساسی که دردو جانب هم قرار دارند وبعضی ازعلمـای تیاتر شناس آنرا بعنوان اجتماع ضدین قبول کرده اند . مامور روشنفکر که تلقی واحساس وبیان متفاوت بادیگر مامورین دارد واززندگی دیگرشخصیت های بازی‌که همانا(دلاوروبهادر) میباشند جدااست باتفاوت عمل وبیان ابعـاد وپهلوهای دیگر نمایش رابه تماشاچی‌انتقال میدهد که این عمل درنقش خود آیینه هایی‌را جلو قرار میدهد که هرکس می تواندبسهولت خودرا در آن منعکس ببیندواین خودبزرگترین برداشت ومایهٔ نمایشنامه است که نویسنده کمال مطلوب خودرا درآن خلاصه نموده است در این تصویر دوجانبه قیافه ایسـت از بیروکرات ها و چهره ایست از روشنفـکران صادق ووظیفه شناس که بصورت تدریجـی پرورش موضوع درچهار چوبهٔ کلام سرانجام شخصیت ها وموقعیت های بازیگران رایکی درپی دیگر روشن می سازد . دایر کتر درام که بدون تردید تیاتر راخوب می شناسد و بینندگان تیاتر راخوبتر وزیباتر لهذا وبهمین دلیل خصوصیات نمایشنامه وشخصیت هـای بازی نمایشنامه رابخوبی درروی سن تصویر می‌کند. فرم نمایش نامه اگـر چه ازنگاه نمایشنامه نگاری بدون حر کـت و دریـك کشمکش ساکن قراردارد ولی بازهم اوبمهارت تمام نمایشنامه را درهمین سکوت بطوری‌عیار نموده که بسهولت شیوه بیان واحساس‌بودن کیفیت نمایشنامه رامانند یك ناقـل قوی در بینندگان انتقال میدهد .

درنمایشنامه میرزاقلم ها از کلیه عوامل نمایشی بصورت منظم بجا ومناسب وبادقـت کارگرفته شده‌که موفقیت آن مرهون بازیگران خوب ودایر کشن خوب آن میباشد.

این نمایشنامه که سو مین محصول هنری امسال افغان ننداری است درنفس خود بافتی دارد صریح وقوی ومحتوایی‌است ارزنده‌کـه فریادگر است نه فریاد رس ـ این فریادها تماس دارد آنهم بطور مستقیم با پـروژهٔ اصلاحات اداری که منبع الهام آن محیط کار وزندگی ومخصوصا محیط اداری و بعضی از چهره های بیروکرات ادارات ماست ونباید اینموضوع را مربوط به پروگرام مرزاقلم های رادیو افغانستان خواند، زیرا اگرچنین باشد آمیزه ایست از اشتباهات عاجل خـود ما . چه‌موضوع بیروکراسی وحکایت ازبیروکراسی افسانه ایست قدیمی که‌گونه وچهرهٔ آن در نفس خود چیزی نیست که دریك حرکـت ابتکاری قالب ریزی شود بلکه این گـونـه ایست دوزخ که درمحیط زاییده می شود در محیط نموورشد میکند ونمونه های آن هرروز دربرخورد بامحیط ، درمحیط ادارات ما و در پهلوی حیات ماوکلیه ممالك روبه توسعه و حتی ممالك پیشرفته باابعادوتفاوت هابوضوح ملاحظه میشودازاینرو اگر مرزاقلم ها دررادیو افغانستان ویا در نمایشنامهٔ افغان ننـداری ارزیابی وبررسی شود باین نتیجه خواهیـم رسیدکه این سوژه درونمایه ناب ودسـت ناخورده ندارد بلکه سلسله ومراتبی اسـت ازرویداد ها وکج خلقی هاوکج رفتاری های عدهٔ ازماموران بیروکرات وکارشکن سود جـو ونفع پرست که همه‌گونه تلاش هارا بـرای وصول بمرام های شخصی ونفع پرستی های شخصی بخرچ میدهند .

درنمایشنامه مرزاقلم ها گونه ونمونهٔ ازهم جواشخاصی مشاهده میشود مردی تملق پذیر وکرنش دوست وتمکین خواه بحیث آمرموسسه معرفی میشود . اواز دلبری ودلربائی وسلیقه سکرترش شادمان است ازدارایی موسسه که درواقع دارایی عامه است به نفع شخصی خود وامور شخصی خود بشکل افراطی استفـاده می‌کند. بچیزهای‌که علاقمند است بکمال‌نخوت وبی تفاوتی منهمك میشود. خدمت بوطـن و خدمت بمردم ـ وظیفه شناسی وانجام وجانب ملی واجتماعی برایش کلمات بدون قاموس است . زورگویی وخود خواهی وخود رای و







غروراز جمله اوصاف اوست ولی درنمایشنامه این موضوع هم واضح شده که آنچیزهائیکه عامل حقیقی این همه نخوت وخود خواهی وانحراف وعدول او ازدایره وظایف روزانـه شده همانا خوش‌گویی وتملق گویی وانکسار بی حد وحصر دونفر ازمدیران اوست کـه بمنزلهٔ شدت وافراط درگفتار- کردار- حرکات وسکنات اوشان مطالعه میشود .

درنمایشنامه مرزا قلم هاسیمبول ونمونه ازاین قماش افراد خیلی خوب ترسیم شده است این دوکرکتر خاص‌که ارزیابی ومطالعه آن استادانه صورت گرفته بروایت نمایشنامه اشخاصی استند بنام های دلاور وبهادر کـه هریك آن درواقع تیپ ونمونهٔ مشخصی ایست ازردیف مرزاقلم هاکه بازیگران نقش هـای عمدهٔ نمایشنامه محسوب میشوند . زیرااگر این دوبازیگردرنمایشنامه موجودیت نمیداشت درنمایشنامه‌کشمکش‌خلق نمیشدوکشمکش‌هابسوی نقطه اوج پیش نمیرفت وسر انجام حاصـل ونتیجه ازنمایشنامه بوجود نمی آمد .

فلهذابایك بررسی کامل میتوان گفت ایـن دوبازیگر عاملین پیشبرد بازی در نمایشنامه استند که اسباب ووسایل‌کشمکش هارافراهم می‌کند واین شیوه درست تازمانی ادامه دارد که آمراسبق ازکاربرکنار ساخته میشود وبه عوض اوآمر جدید مقرر ومعرفی میگرد د.

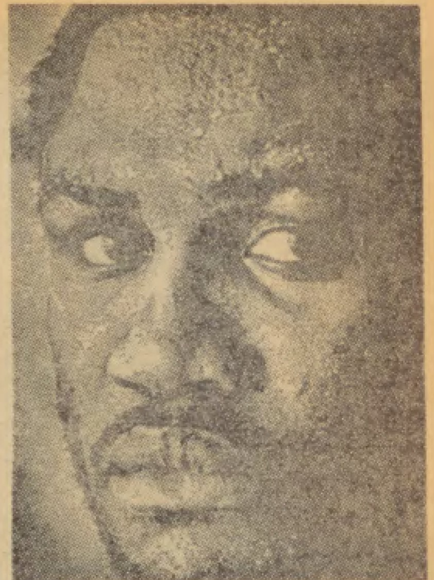
آمدن یاتقرر آمرجدید کشمکش های ساکن واجباری رامبدل به کشمکش های باجهش و تصاعدی می کند وباین طریق درتم ونهـج حرکت نمایشنامه دگرگونی ایجاد مینماید و تحولی پدید می آوردکه این تحول ودگرگونی رابصورت مشخص ترتحول دراماتیکی میتوان گفت .

آمدن آمرنو یاتحول دراماتیکی درنمایشنامه مرزاقلم هابه بازیگران قماش منفی مجـال بازیابی هایی رامیدهد که این بازیابی هـا عامل ومسبب تلاش های مذبوحانه می شود که برای نمایشنامه باثمروتصاعدی ولی برای بازیگران بی ثمرو منفی میباشد . زیراتلاش هاوتپش های این دوبازیگر نمونه یی که در محیط ادارات مابیگانه‌ونادرنیست بجایی‌میرسد وبه نقطه متمرکز میشود که میتوان نقطهٔاوج وبانتیجه کلی نمایشنامه آنرا خواند .

بقیه درصفحه ٥٦

ازبالا به پائین:

حبیبه عسکر وکامران جلیا درنقش خود خوب‌درخشید.
بیسد وکامران تملق وچاپلوسی‌رابه اوج رسانیده بودند.



جو فرایزر

محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن بو
فرایزر ... ند

محمدعلی کلی قهرمان سنگین وزن بوکس جهان هفته‌گذشته بازباهمان غرور پیروزمندانه که پیوسته حین مسافرت های اخیر به زایر مالیزیا وجاهای دیگر از خود نشا ن میداد واردفلیپین گردید . هزاران نفر ورود وی را باهلهله وشادمانی در مانیلا جهة مقابله باجوفرایزر استقبال کردند .

مردم بعدا رفتند تا دستکش های بوکس علی رابه بینند ازاین هم گذشته حتی درکنار جاده هادرتاریکی صف بستند تا کلی راز نزدیك حین عبور ازجاده هابه بینند .

علی مانند همیش جمعیت های بزرگ مردم رادوست میداشت واز ایشا ن کسب قدرت وانرژی میکرد. وقتیکه انبوه بزرگی ازمردم رادر اطراف خوددیدکه بسوی چشم دوخته‌اند با یك بی نفسی پرسید: (جمعیتی باین بزرگی) (ولی بربزرگی آن نظر نکنید . چهره هارا به بینید .)

چهره های که برعلی نگران می شود . پیوسته متغیر ومتحول است وشاید انعکاسی ازتغییر کردار هانقش هاوپیش آمدهائیست که‌کلی در برابر مردم ازخود نشان میدهند .

محافظین مسلمان وپر دبدبه علی به اشخاصی معقول و شتابزده جاده تبد یل شده اند . لبرال هائیکه علی رابحیث سمبول طرفدار سیاهپوستان ومخالف روش های‌جنگی می پروردند به اشخاص بصیر وخبیر عوض شده اند که میخواهند چهرهٔ واقعی کلی را تبارز دهند .

حتی خانم های علی که رویهمرفته قشنگ وسیاهپوست بوده اند اکنون از عقب اتاقها بیرون برآورده شده اند وجلوه‌نمائی میکنند. اطفال ونوبالغان خودنما بحیث یك قوت دایمی درجمعیت ها پیوسته ازعلی بگرمی استقبال میکنند، انتظارش رامی کشند وبا عقیدهٔ عمیق وراسخ تاکید میکنند که وی مشهور ترین شخص جهان است .

کشش وجاذبه که درعلی مو جود است حاجت به تقویه زیاد ندارد . وی درین‌آوانیکه ۳۳ سال ازعمرش سپری میشود بحیث یك ورزشکار، یك مجاهد، ویك مبلغ ویك‌هنرمند ظریفی شناخته شده‌که ازده سال بدینطرف تماشاگران زیاد درهمه جهان داشته است .

عناصر ونقش هایی که در شخصیت علی بالتدریج تراکم نموده وی را یك موجود پیچیده ومقناطیسی ساخته است .

وی بحیث مقیاس ومعیاری گشته است‌که ستارگان وهنرمندان دربرابر آن مقا یسه میشوند . یك جیمی کولورز ویایك ایول نیول وقتی بخوبی شناخته میشود که افتخار نامیده شدن (علی تینس) یا (علی خیززدن) راکمایی نماید . حتی خود علی هم شخصی بهترازخود را تصور نمی کند مخصوصا وقتی که‌در روبروی آئینه بایستد .



محمدعلی کلی آماده نبرد

طرز تفکر وروش نویسندگان هم در برابر علی تغییر نموده است . کهنسالان زمانی بروی پوزخند می زدند. بعدا پسران بدور وی جمع شدند ولی علی توجه بیشتر دیگران رانسبت بخود مطالبه میکرد: تادرین اواخر ورزشکاران سنگین وزن بروی رو آوردند . نورمان میلر مانند جوفرایزر برکلی تاخت . ولفرید شید سعی ورزید تاآز دور وی رابزانو درآورد ولی علی بشکلی از چنگ هر دو حادثه نجات یافت .

رابرت لبسایت، ستون نو یس سابق نیویارك تایمز در کتابیکه در آینده بنام (جهان سپورت) بچاپ میرساند درمورد کلی حرف های زیادی زده وعلاوه کرده است که برعلاوه سمبولیزم جهانی که درعلی دیده میشود، وی واجد خصوصیاتیست‌که درديگران کمتر سراغ می گردد .

معهذادر علی‌رمز هاوتضاد هایی بمشاهده میرسد. اینها باوی همراه بوده وادامه دارند. علی‌گاهی روف ومهربان وزمانی طفلانه منش میشود ولی ناگهان ظالم وخشن میگردد .

باتمام کارهای شگفت انگیز ونبوغ آسای که ازخود درحلقه مسابقات چندین ملیونی نشان میدهد علی بازهم گاه‌گاهی ساده لوح میگردد. وی به سختی میتواند بخواند . علی درمکالمات وصحبت ها وحرکات خود شوخی هایی دارد. هنگامیکه دریك مجلس ر قص جیمز برون ستارهٔ سینمایی ازعلی تقاضاکرد تاحرکات قدم های خودرادرست سازد دریافت که این ورزشکار قوی الهیکل وملیح نمیتواند رقص کند .

هنگامیکه علی برای مسافرت به فلیپین جهة مسابقه باجوفرایزر ترتیبات می گرفت پیتربون و نتر نمایندهٔ نیوزویك با دسته همراهان علی پیوست وتمام حرکات این قهرمان بزرگ رادر طول این مسافرت‌مشاهده کرد .

کلی برای روز هابا سخنان مخصوص خود وقت این نویسنده راخوش نگهداشت . شبی بساعت ۳ هنگامیکه علی نمیتوانست بخوابد براتاق بون ونتر دق الباب کرد واصرار نمود تاتمام شب رابه صحبت سپر ی کنند .

هنگامیکه داخل اتاق شدیك ورق کاغذ راازروی ماشین تایپ گرفت ودرحالیکه انگشت خودرا اززیر هرکلمه حرکت میداد گفت :

(من ازخواندن خسته میشوم . وهم یك خوانندهٔ خراب هستم !) بعدبه بالا نظرانداخت وگفت : (من این چیزهارا خوش دارم .) او به سخنانی اشاره میکردکه ازوی نقل قو ل شده بود. سپس گفت: (آرزو دارم خوبتر میتوانستم بخوانم. علم زیادی وجود داردکه آموخته شود. ازهمین جهته من سعی میورزم تابه اطفال خود تعلیم وتربیه خوبی بدهم . آنها همین اکنون لسانهایی مانند عربی و فرانسوی رامی آموزند . این دیگر خجالت است که من درسراسر جهان مسافرت نموده‌ام ولی نمیتوانم باملیون هامردمی که مرادوست دارند سخن گویم .)

معهذاعلی حتی بدون لسان بابیگانگان حرف می زند ، اطفال رامی بوسد، مردم را آزاد میدهد وحتی بااطفال هم صحبت میشود. وی درکشور افریقایی زایر بعدازاینکه بزرگترین پیروزی نصیبش شد ساعت هارابا اطفال افریقایی سپری کرد. درین ساعات ولحظات



چی گفتید؟ مشت های راست جوفرایزر؟ امید وارم دستکم یکی ازآنها را نوش‌جان‌کنم



نوکر خودت باش من‌نوکر قدرت‌خودهستم

بوکس جهان دیگر حریفی چون ندارد

جاذبه وکشش وی باندازه افزایش می یابد که مشکل است غیر از رافت ومهربانی چهره های دیگری دروی تصور کرد .

بصورت عموم باید گفت‌که علی به مشت زنی مدرن حیات ، شکل ووسعت داده است.

کلی میگوید من معمولا بپدر خود میگفتم: (پدر روزی من چها ر هـــزار دالر از درك سپورت درمیدیسن‌گاردن بدست خواهم‌آورد.) (امروز من برای آشپزهای خود چهار هـزار دالررابخشش میدهم .)

دون کتنگ یکی ازسپورتمین های سفید پوست امریکا درماه گذشته دعوتی بافتخـار کلی ومینیجر او هربت محمدترتیب داد ودر آن سه صدنفر رادعوت کرد.

درین دعوت کنگ پرده ازصحنه موجـودهٔ حیات کلی برداشت . دعوت در شیکاگو در حویلی برگزار شدکه ازطرف پدر فقیدهربرت یعنی عالیجاه محمد بانی دستهٔ مسلمانان سیاه بنایافته بود .

درین دعوت سفید پوستان حاضر بودنـد وزنان لباس های کوتاه ببر داشتند . سازو رقص مجلس رابه شعف وشادمانی آورده بود.

تاهمین اواخر علی درباره تمایلش بزنان حتی شوخی هم نمیکرده است . درنظر مردم وی بحیث یك مسلمان سرسخت شناخته‌شده وهمه خواهش هاوتمایلات خودرا وقف خانم دومی خود بیلندا کرده است .

هنگامیکه بچه بودعلی رانسبت بـذوقش بزن آزار میدادند . شوخی که درمـــورد وی میکردند این بودکه علی زنانی راکـه دارای پاهای پرموی وبروت هاباشد ترجیح میدهد .

باری یکی ازمربیون وی ر نجیلو دنـدی خنده کرده وگفت : آنچه که واقعا علی در صدد آنست دختریست که ازحیث جسامت وبزرگی مانند سونی ستون باشد. ولی علی درصدد شد تابرخلاف آنچه که گفته میشـد خانم لاغر اندامی رانگیرد .

اولین کسی که علی برای همسری خودوی راانتخاب نمود(سونجی روی) یادخترزیبارویی بودکه قبلا دریك میخانه خدمت می کـرد. سپس باثر فشار مسلمانان علی خانم اولی‌را بخاموشی رد کرد وخانم دومی یعنی بیلندا را درقیدازدواج درآورد .

ولی اکنون چنین به‌نظرمیرسدکه علی دیگر به عنعنه ازدواج پابند نیست . هفتهٔ گذشته بیلندا درخانه خوددر شیکاگو بسر می برد که ویرونیکا پورچ که بعضا بنام (خانم‌دیگر) علی نامیده میشود باعلی به مانیلا مسافرت کرد. هنگامیکه بیلندا درکشور زایرمواصلت کرد وخانم ویرونیکاراحاضر دید وی برآشفت وروی زیبای محمدعلی کلی راپرت کرد وبرای چندروز دروی نشان پرت کندن باقی ماند. معهذا ازآن وقت به بعد ویرونیکا بحیـث نگهبان ومراقب چهارطفل علی قبول وپذیرفته شده است . میرمن اودیسه کلی، مادر محمد علی کلی هنوزهم برویرونیکا غالمغال میکند ونگاه های تندمی اندازد .

ولی اکنون ویرونیکا دربعضی از حلقه های بالا تماما قبول شده است وقتیکه هفته‌گذشته محمدعلی‌کلی بافردیناند مارکوس رئیس‌جمهور فلیپین ملاقات نمود مارکوس بوی گفـت : (من خانم شمارا دیدم) مقصدش ویرونیکابود که قبلا اورا دیده بود .

دربسا مواقع درمانیلاعلی بالاترازهرچیزیکه دراطرافش قرار داشت به نظر میـرسید . این قهرمان سنگین وزن ورفیق زعمای جهان بزودی موردتوجه مردم قرار گرفت .

درهوتل هلتون، یکی از ستایش گـران مالیزیایی به‌علی پیوسته اورا درهرجادنبـال میکرد وسرانجام گفت: (وی چنان مطیـع و فروتن است که همیشه علی صاحب، علـی صاحب میگوید. او هر چیزی راکه خواسته باشید انجام میدهند . حتی بوتهای تانراهم ازپای شما بیرون خواهند کرد. وی متمدن ومهذب است .)

علی یك سلسله خصلت هاو تمایـلات پول طلبی خودرا غالبا ازپدر خود کـاشس مارسیلوس کلی کسب کرده است . پدرکلی مردزیرك هنرمند وناامیدی بودکه خواب تولیو آثار گرانبهای هنری رامی زدولی درعین حال زندگی راازطریق رنگ آمیزی لوایح تامیـن میکرد .

کاشس کلی به پسرخود حس شجاعت و سلیقه راآموخت وبوی تلقین کردکه هیچگاه روزی رادر خارج حلقهٔ انعام وجایزه بکـار سپری نکند. نتیجه این شدکه علی موردتوجه طبقات متمول ومقتدر قرار گرفت .

محمدعلی بایك گروپ از همراهان سی و هشت نفری به مانیلا وارد شد. دراین گروپ عناصر مختلف ومتنوع گرد علی جمع شده‌اند. یکی ازهمراهان ملای دورهٔ طفلی علی است. وی دروقتیکه طیاره حامل علی بر فـــراز پاسیفیك پرواز داشت ازوقت استفاده کرده ویکهزار دالر برای کلیسای مربوط اعانـــه حاصل کرد .

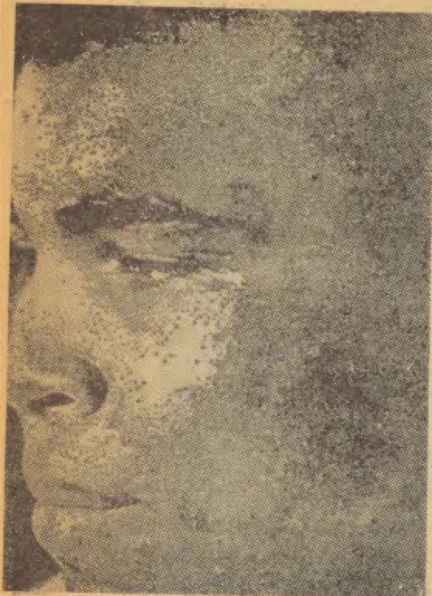
سایر همراهان علی آنقدر خوش قسمـت نیستند. علی نفرهای خود را علیه یکدیگـر تقریبا باسلوب نکسونین بمبارزهٔ می اندازد وخودبا نشاط وشادمانی سیل آنرا میکند . باری وی حتی دونفر ازپیروان خودرا مجبور ساخت تابداخل حلقه مسابقه درآیند وبرای خوشی وی باهم بجنگ درآیند .

مشکل است زمانی را فراموش کرد که در کشور افریقایی زایر علی بیراهنی راریشخند ومسخره کردکه یکـــی ازموظفین د ستهٔ همراهانش بااشتیاق زیاد برایش ساخته بود. وبعدااو رادر حضور دیگران به سیلی زد و قطرات اشك را ازچشمان وی سرازیرساخت.

حتی انجیلودندی مربی سفید پوستی کـه علی راکمك کرد تادر ذروهٔ شهرت برسـد. ازاین نوع آزار های علی نیزدر امان نمانده. علی باری بااین ادعای خودکه وی خودش را تربیه میکند زیرا مربیون آقایون غلام انـد نیشی برمعلم خودیعنی انجیلو دندی حواله کرد .

ولی دندی احترام علی رانگه داشته وگفت:

بقیه درصفحه ۴۸





محمد علی کلی بعداز مسابقه بافرایزر



من فهمیدم که‌چطور همچنان جوان وچالاك بمانم راز جوانی را یافته‌ام



باورکنید من‌قلب مهربانی دارم نمی خواهم کسی رازیاد بزنم، حتی جوفرایزر را

نوشتهٔ (ویلیم بایر) ترجمه وتلخیص از: (رز)

آیا هولیوود هنوز زنده‌هست ؟



«مارلون براندو» درصحنه‌یی از«پدرخوانده» که‌به‌دست «فرانسیز فورد کوپولا» کارگردانی شده است .

(ویلیم بایر) مقالات بسیاری در بـارهٔ سینما نوشته وکتابی دارد بسیار پر آوازه به نام (فلمهای بزرگ) .

برخلاف شایعات، هولیوود ، کـاملا زنده است . درواقع، بسیاری ازمردم‌بدین‌باوراند. که هالیوود درآستانه داخل شدن به یـک (عصر طلایی) نوین آفرینندگی، حیاتیت و قدرت است .

باوینهم آوازهٔ نا خوشایند مـرگ هالیوود بی پایه نبود، اصلا بهتر است بگوییم چند سال پیش هالیوود به سختی بیمار بودواین بیماری، بیماری بدی تشخیص داده شده بود. مزد ابرستارگان کاهش یافته بود، بازیگران، کارگردانان وفلمنامه نویسان بر جسته درکنار دفتر های کاریابی قطار شده بودند وکارمندان اتحادیه های تولید فلم ازمزدهای خیلی کم سخن میگفتند .

نشانهٔ اصلی این بیماری ، کاهش شمارهٔ تماشاگران بود. د یگـر مردم تکت سینما نمیخریدند وفلمها درسینما های خالی‌نمایش داده میشد. درنتیجهٔ درسراسر اضلاع متحده دروازه های سینما هارا میبستند . استدیو های‌هفت سازمان بزرگ‌سینمایی (متروگولدن میر، برادران وارنر، فو کس قـرن بیستم، کولمبیا، یونایت آرتیستس، یونیـورسل و پارامونت) باکسر بودجهٔ عظیم روبه رو بودند وشبح ورشکستگی رامیدیدند . این سازمان هافلمهای زیاد نمایش داده نشده در اختیار داشتند که پولهای هنگفتی روی آنها خـرج کرده بودند . ولی این فلمها رابه نـما یش نمیگذاشتند، زیرا میترسیدند که مبادا بـا ناکامی روبه رو گردند .

فلم (هلو، دالی) به روی خورده بـود . به همینگونه فلمهای (استار) ، (کـچ -۲۲) (گیلی گیلی) که بامصرف ملیونها دالرساخته شده بودند ، باناکامی روبه روشده بودند. فلمهای کم خرج نیز روی پیروزی را ندیده بودند. فلمهای مخصوص جوانان که بازارها رایر کرده بود ، تماشاگر نداشت . کسانی‌که کمتر از بیست وپنج سال داشتند ، به‌سینما علاقه‌یی نشان نمیدادند . فلمهایی هم کـه که به تقلید از فلم (ایزی رایدر) ساختـه شدند ، نه تماشاگر یافتند ونه پذیرفته‌شدند. این فلم هابه دست پخته سالانی طرح ریزی شده‌بودند که تماشاگران شان را درسـت نمیشناختند .

مردم از فلمهای موزیکال خسته گـشتن ، کاسیکهای مومیایی شده و فلمهای‌نامناسب برای‌خانواده ها شکایت میکردند . در مقابل استدیو های فلمبرداری از تماشاگران سطحی تبلیغات غیر موثروذوق غیر قابل پیش بینی مردم شکوه سر میدادند. درنتیجه، پیشگویان ناله وندبه راآغاز کردند .

به نظر میرسید کـه بساط شرکتهـای (پارمونت) و (برادران وارنر) وشاید هـم (فوکس قرن بیستم) برچیده شده اسـت.

جنگهای توانفرسا (متروگولدن میر) را تقریبا ازپای انداخت، وحتی هنگامی که موسسـات دیگری به کمک آمدند وسرمایه های شان را درشرکتهای تولید فلم ریختند، این کار شان چیزی نبود مگر کوبیدن میخهای بـزرگتری برتابوت هالیوود .

سخن از انحلال وفروش استدیو ها بمیان آمد. زیرافکر میشد که این استدیو هابهتر است بمیرند تازنده بمانند . نا قوس مـرگ واقعا زمانی شنیده شدکه شرکت (متروگولدن میر) لباسها وافزار های قدیمی خودش را به لیلام گذاشت . درین هنگام مردم میگفتند که اگر(متروگولدن میر) چپلیها یی راکه (جودی گارلند) در فلم (جادوگر اوز) پوشیده بـود، بفروشد، دیگرکار هالیوود ساخته است .

ارزش دارایی های هالیوود درقیمتی‌ترین نواحی لوس انجلس پایین آمد. نویسندگـان راه لندن راپیش گرفتند . کارگردانان شانـه هان شان‌رابالاانداختند وروبه سوی تلویزیون نهادند.

بدینصورت، صنعت فلم درسال ۱۹۷۰ و۱۹۷۱ به‌غول زمینگیری میما ند که پیکـر عظیمش تلوتلو میخورد زیرا عاید غرفه های فـروش تکت نمیتوانست این غول بزرگ راتغذیه‌کند.

این روز هاروز های سرشار از نومیدی‌بود وتپیدنهایی راباخود داشت . درین دوره پدیده های شگفتی انگیزی درهالیوود نمودار گشت. یکی ازین پدیده ها، وشایدهم خنده دارترین



لحظهٔ حماسی ازفلم «جن‌گیر» . این فلم‌سرگذشت دختر خرد سالیست که‌روحش‌را ارواح خبیثه تسخیر کرده است. «جن‌گیر» را «ویلیم‌فریدکن» کارگـردانی کرده است. این فلم نیز ازمحصولات سال ۱۹۷۴است.

شان، پدیدار شدن یك مدیر مالیخولیا بود. این پیرمرد مالیخولیا بابینی درازش همـــان رئیس استدیو بودکه در داستانهای امریکایی خیلی مسخره شده‌است . ولی این باراولباس دراز میپوشید، ریش‌کوچك داشت، ماری‌جوانا استعمال میکرد وبه زبان ضد فرهنگی جوانان سخن میگفت . وقتی فلمهای این آدم‌نتوانست پول لازم رابه دست آرد ،به زودی ازاذهان ناپدید شد .

پدیدهٔ دیگری که شاید بیشتر رقت انگیز معلوم میشد، بزرگ جلوه دادن تشنجات دههٔ شصت بود. این‌کار باساختن فلمهـــای به اصطلاح (مبارز) انجام میشد وغالبا عصیانهای دانشجویان رانشان میداد. در ین سلسلـــه میتوان ازفلمهای (آر. پی. ام)، (باریك شدن) (بیانیهٔ توت زمینی) ومانند اینها نام بـــرد . اشکال اصلی درآن بودکه این فلمها چندین سال ازجریان عقب مانده بودند ووقتی روی پرده می آمدند، مردم علاقهٔ شان را بـــه موضوعات آنها ازدست داده میبودند. درنتیجه این تلاش ها وتلاشهای مانند آنهاکه‌میخواست غول درحالت نزع سینما رااز مردن نگهدارد، چیزی نبود مگر تعدیلهای کوچك و ضعیـت حاضر. حالانکه سینمابه یك انقلاب واقعـی نیاز داشت . سرانجام، درپایان سال ۱۹۷۱ هالیوود نوینی نمودار شد .

برای نخستین باردر طول چند ین دهـــه پرسشهای مهمی به میان آمدو و به شکـــل قناعت بخشی پاسخ داده شد. پیش ازهمـــه این نکته روشن گشت‌که برای وادار ساختن شخص به اینکه خانه اش راترك گوید وبـــه سینما برود، باید چیزی بخصوصی ارائه‌کرد. این چیزبخصوص لازم نیست فلمهایی باشد دربارهٔ اعتیاد به مواد مخدر، سقط جنیـــن ، افسردگی وعذاب کشیدن . این شخص کـــه میتوانست درخانه اش به صورت رایگـــا ن تلویزیون تماشا کند، برای رفتن به سینما ناگزیر بود تکت بخرد، پول پارکنگ موتر بدهد ومصارف متفرقه دیگری رابه کمر بندد. مردم همانگونه که حاضر نبودند برای‌تماشای لباسهای پرمصرف پول بدهند، برای دیـــدن







پالنیومن درنقش های مختلف

چنین فلمهایی نیز نمیخواستند سه دالرشان راتسلیم کنند.

مساله نه افسرده ساختن مردم با(ریالیزم) بود ونی گریز دادن آنها بود باسرگـــرمی . سرانجام این اندیشه درهالیوود زاده شد که آنچه مردم رابه سینما میکشاند، تجربه ایست که مردم باآن بتوانند به جنبش در آیند . مردم فلمهایی میخواستند که از کسانی سخن گویدکه مردم به آنان عـــلاقمند هستند .

فلمهایی که درآنها کیفیت داستان ، بـــازی وکارگردانی مهمتر از مصرف هنگفت ومحیـط پرخاشگر باشد .

به صورت فشرده ، سرانجام زمان دریافت این نکته رسیده بودکه اگر لازم است مـــردم دوباره به سینما کشانیده شوند، باید فلمهای (خوبی) روی پردهٔ سینما بیفتد .

این نکته‌که چندان انقلابی به نظرنه‌رسید سالها بامخالفت این فرضیهٔ هالیوود روبه رو بودکه فلم یك نمایش کار نیوالیست وباکمك اعلان وتبلیغات میتوان مردم رابه دیدن آ ن طمع کرد .

مشکل اصلی هالیوود ـ گذشته ازساختمان فیودالی استدیوها و روشهای کهنهٔ تولیـد وجود این اندیشه بودکه فروش فلم مهمتر است از ارزش خود فلم. بالاخر مردم‌ازدیدن فلم بدخسته شده بودند . بدینصورت، صنعت سینمای امریکا که فلم پشت فلم باکاهش درآمد روبه بود، سرانجام برای نجات خودش به یك نتیجه رسید: باید نیرویش را بـــر ساختن فلمهای بهتری متمرکز سازد وبگذارد که خودجنس خودش رامعرفی کند تاتبلیغات.

آنچه گفته شد،کلیات حوادث است . ازآن به بعد، فلمها بهتر شده وواکنش مردم نیـز رنگ مطلوب تری گرفته است . درحالی که چندسال پیش سینمای امریکا تصادفا یکـی دوفلم پردرآمد مـــانند (داستان عاشقانه) و (فرودگاه) میداشت ـ فلمهایی که عدهٔ کمی واقعا فکر میکنند که خوب اند ـ حالا سالانه

بقیه‌در صفحه ۱۸



صحنه‌یی ازفلم «کاباره» که هشت جایزهٔ اکادیمی را ربود.



«میافارو» و «روبرت رید فورد» درفلم «گتسبی بزرگ» . این فلم‌از یـك رومـان «اسکات فیتز جرالد» اقتباس شده است.

ازدواج مجدد الیزابت تایلور وریچارد برتون





ماریا دختر ۱۴ ساله که ریچارد-برتون آنرا بفرزندی گرفته است



این دو هنر پیشه معروف - سینما پس ازدو سال مفارقت بار دیگر ازدواج کردند .

-درشهر هورنبرگ واقع سویس قصری باشکوهی که متعلق به الیزابت تایلور است جلب‌نظر میکند ،تیاتری که در ین قصر قرار دارد از تیاترهای معروف آنشهر بحساب میرود .

-اتفاقا دوسال قبل روزی‌درین تیاتر بین دو هنر پیشه معروف ریچارد برتون و الیزابت تایلور که درعین حال زن وشوهر خیلی ها صمیمی بودند هنگام تمرین و مشق روی یکی‌ازنمایشنامه های بلند آوازه ویلیام شکسپیر بگو مگویی رخ‌میدهد وچون ریچارد اضافه از حد مشروب خورده نمی تواند جلو احساساتش را بگیرد، اوضاع تیره گی میگردید واز همان لحظه بین دو همسر باوفا و دو هنر مند سرشناس دیوار جدایی کشیده میشود .

... وامادرست دوسال بعد این دوهنر پیشه در حالیکه از کرده خویش سخت نادم اند در همین قصربهم اظهار محبت و علاقه‌می کند. همینکه (جهانی ژبل) آخرین معشوقه ریچارد برتون احساس کرد که‌برتون بار دیگر به‌الیزابت تایلور متمایل شده و میخواهند به اوری بیاورد نخواست بین خوش بختی‌آندو سدواقع‌شود بنا همه فدا کاری وازخود گذ زی با وجود اینکه برتون را باتمام - وجودش دوست داشت بد و نآنکه برتون را از تصمیمش آگاه سازد خموشانه بقصد خانه ییلاقی اش رهسپار گردید واز مردایده آل اش یکسره چشم پوشید .

-ریچارد قبل از (جینی بل) با یکزن یوگوسلاویایی بنام(پرنس الیزابت) طرح دوستی ریخته بود... وتایلور ازهمان لحظات جدایی‌نیز بسان ریچارد دنبال عشق دیگری رفت وبامرد دیگری بنام (هنری وینبرگ) دوست شد .

-هنری وینبرگ با دوستی این واقعیت که‌برتون نسبت‌به‌الیزابت خوشبینی وعلاقمندی پیدا کرده سخت ناراحت شده و تصمیم گرفت که قبل ازشایع شدن این خبر ازآنکه (هارن فوروش) - نماینده سینما ویا (هانی‌شرینگلر) نماینده مطبوعاتی شهر از جریان آگاه شود عقیده برتون را نسبت به‌تایلور عوض کند و پابه شهرت برتون لطمه وارد نماید امانه‌تنها اینکه به‌این تصمیم شوم خودپیروز نمی شود مردم ذهنیت بدی‌نسبت به او پیدا کرده واین اندیشه اورا غیر انسانی ونا درست خواندند.

-الیزابت تایلور وریچادر که‌در حیات زناشوهری و کار های هنری شان خیلی هاباهم گرمو صمیمی بودند متار که ناگهانی‌آنها سروصدا های در محافل هنری ایجاد کرد و پیوسته این سوال نزد ایشان مطرح میشد که چرادو موجود صمیمی باعث بوجودآوردن این‌واقعه در اماتیکی شده واز هم جدا گردیدند و آیا اکنون چه انگیزه سبب شده که ریچاردو الیزابت تایلور دوباره از دواج - نمایند.

-ریچارد برتون بالای فهم‌و لیاقت الیزابت تایلور بخوبی می توانست حساب کند ، زن ز - شوهر هر دودیوانه وار عاشق‌آثار شکسپیر بودند ، از آنجا ییکه تایلور معنی اصطلاحات وکلمات وموارد استعمال‌آنراپوره میداند برتون اورا فرهنگ شکسپیر لقب داده بود.

-ریچارد برتون در استدیوی خویش چندین،اثر برگزیده‌شکسپیر راکه بشکل مجموعه درآمده بود داشت‌و این یگانه هدیه بود که الیزابت برای او داده بود .. .. ریچارد که هر آن‌یادگار گرانبها وخاطره آفرین را مقابلش میدید بیشتر بیاد الیزابت می افتاد ، مخصوصا که او آرزو داشت‌روزی یکی از آثار بلند آوازه شکسپیر روی سینمای امریکا بیاید و بر آورده شدن چنین آرزویی بدون وجود تایلور برای برتون میسر نبود.

البته هیچ کلمه شکسپیر وجود نخواهد داشت که ریچارد برتون باآن آشنایی کامل نداشته باشد واز تفسیر آن عاجز باشد و - هنر مند زمانی یك هنر مند موفق است که باتمامی جملات‌و کلمات که‌در آن رول دارد وارد باشد ، - آنقدر کلمات شکسپیر در اعماق وجود و تارو پود برتون تاثیر



روابط الیزابت تایلور وریچارد برتون‌ناگسستنی بود



الیزا بت تایلور با ریچارد برتون

بخشیده بود که سحر کلمات - شکسپیر یاد تایلور را در مفکوره اش بخاطر این هماهنگی زنده ساخت، ویگانه انگیزه که پس از دوسال باعث تشویق و تمایل برتون نسبت به تایلور گردیدهمانا نمایشنامه (پرنس) است که قبل ازجدایی شان ناتمام مانده بود وهیچکس جز الیزابت قادرنبوداز ایفای نقش آن موفقانه بدرشود.

چون‌علاقه هنری آنان بالاتر از علایق قلبی شان بود اینبار نیز باعث پیوند آنان گردید وبرتون ناگزیر خواست بهر نحوی میشود این مرز را از میان بر دارد ، این حاست کەریچارد درک میکند وجود الیزابت تایلور برای او زیاد اهمیت دارد تا جینی بل ، والیزابت - یوگوسلاویایی ، و بهمین ملحوظ این عقیده در اونفوذ کرد که او و تایلور لازم و ملزوم یکدیگر اند.

-تصادفا الیزابت تایلور در روم مصروف تهیه فلم(رامسی نافرمان) یك آله شیشه یی بفرق سرش افتید و شدید جراحت بر داشته و بەبستر افتاد، یکهفته در بسترماند تا اینکه دکتوران شهر روم بوسیله آلات مخصوص چندین پارچه شیشه را ازفرق سروی بیرون آوردند در ینوقت شدت درد تایلور را شکنجه کرد بحدی کەتایلور میترسید که رگهای اعصابش فلج نشود اما دکتوران باتزریق ادویه های لازمه و مسکن ازشدت درد کاهش بعمل آوردند البته الیزابت یك هفته تمام جزآب میوه ،مشروبات ویسکی چیز دیگری رابه لب نزد.

-الیزابت وقتی به بستر افتاد بیشتر در رویا هاو تفکر آتش سیمای برتون جان گرفت ، درین لحظات احساس میکرد که قوه مرموزی اورابسوی برتو نبکشاند.

برتون نیز باشنیدن جراحت الیزابت اعصابش بسر حد خورد شدن رسیده زیراو تازه درک کرده بود کەتایلور همه چیزش در زندگیست زیرا او ترسیده بودکه اگر زنی که بااو در تمامی‌ساحات زندگی توافق همه جانبه و سازش کامل داشته ازبین برود دیگر زندگی او از هم خواهد پاشید

-گرچه نه برتون ونه الیزابت هیچکدام در برابر عشق همدیگر باوفا نماندند و پس از متارکه - الیزابت دل در گرو هنری ونیبرگ داده وبرتون بافوکا، الیزابت یوگوسلاویا و جینی بل دوست شده‌بود باآنهم برتون دوست داشت باتایلور باشد .. مفارقت دیگر برای آنان مفهومی نداشت

-ریچارد هنری وینبرگ را در برابر خودسد بزرگ میدید .سر ووضع ظاهری، ادواتو حرکات برتون در لحظاتی کەتنها میبود بیشتر به دیوانه هاشباهت داشت اماهمیشه‌باخودزمزمه میکرد (من الیزابت را دوست دارمو تاپایان عمردوستش خواهم داشت وعاقبت روزی باز هم بهم خواهدرسیدیم)

ریچارد چندی بعد از اطلاع مریضی برای عیادتش روانه قصر (اریل) گردید ، الیزابت که معلوم شد ازین مفارقت سخت دلتنگ، نادم بوده‌و توانسته از سیمای محبوبش اسرار درونی اش را بخواند در حالیکه صحبانه برتون راروی میز مقابلش میگذ اردآهسته وشوخی آمیزدهنش را بیخ گوش برتون برده و می گوید : حاضری دوباره باهم عروسی کنیم بگذار باز هم زن وشوهر باشیم و دو هنر پیشه تادر دنیای هنرو تیاترو سینماباز هم غوغایی برپا کرده باشیم وریچارد که چنین آرزویی را ازخدا میخواست در حالیکه‌تبسم خفیفی روی لبانش نقش بسته‌بود سرش رابه عنوان موافقت تکان داد.

وبدینترتیب دو زوج هم‌مفکوره دوهنر پیشه معروف ودو شکسپیر شناس بار دیگر در کنار هم قرار میگیرند، تاکار های هنری‌شانرا از سر گیرند .

آیاهالیوود

پنج یاشش فلم بزرگ وچندین فلم متوسط بادرآمد سرشار تولید میکند .

سال ۱۹۷۳ سه فلم بزرگ به جهان‌عرضه کرد: (پدرخوانده)، (کاباره) و (آخرین تانگو درپاریس) . هرسه فلم باپیروزی چشمگیری روبه روشدند . (پدرخوانده) بزرگترین فلم پولساز است‌که بامليونها دالر اضافی ریکارد (برباد رفتة) افسانه یی راشکست .

سال ۱۹۷٤ نیز سال شگوفانی بود . درین سال (گتسبی بزرگ) ، (سرپیکو)، (جن‌گیر) و(نیش) روی پرده آمد، اگـرچه (نیش) از فراورده های پایان سال۱۹۷۳به‌شمارمیرود. به همین گونه از (روزدولفین) و (آنچنانکه ما هستیم) میتوان نام برد .

صنعت سینما همواره نشیب وفراز داشته است، واین ضرب المثل درهالیوود عام بوده که‌یك‌پیروزی بزرگ ده‌ناکامی رادرمان‌میکند، وجود همین حقیقت فلمهای متوسطی را که ارزش هنری دارد، حمایه میکند .

درسال ۱۹۷۳ چارکارگردان جوان امریکایی (پایین تراز سی ساله) نمودار شـدنـد . هریك ازین چار کار گـردان دستاورد های درخشانی عرضه کردند: (جان هنکاك) بافلم (دهل رآاهسته به صدا درآور)، (پاول‌لوکاس) بافلم (علایم امریکایی) و (مارتین اسکورسیز) بافلم (خیابانهای خسیس) و (بریان دوپالما) بافلم (خواهران) .

ظهور چار کارگردان با استعداد با فلمهای برجسته در درازای یك سال شا هکاریست‌که به ندرت همانند آن دیده شده است . این رویداد نه تنها گواه خودنوسازی وحیاتیت سینمای امریکاست، بلکه از دلبستگی مجدد مردم به سینما وفلمهای کمتر تجارتی نیـز حکایت میکند .

همراه بااین دگرگونی اساسی که عبارت است از تاکید برکیفیت وآفرینش فلمهـای درخور علاقه مردم ، هالیوود از جهات دیگری نیز تغییر کرده است . هفت سازمان‌بزرگ سینمایی (متروگولدن میر، برادران وارنـر ، کولمبیا، یونایتد آرتیستس ، فوکس قـرن بیستم، یونیورسال وپارامونت) دیگر تما م قدرت رادر دست ندارند دیگر بازیگران بـا قرارداد های هفت ساله کشف نمیشونـد و پرورش نمیابند . دیگر (سـاختمانهـای نویسندگان) ـ شکنجه گاه هایی که کسانی چون (اسکات فیتزجرالد) و (ویلیم فاکنـر) درآنجا ناگزیر میشدند که روح شان را در برابر پول بفروشند ـ وجود ندارد .

پیوند های فیودالی درون استدیو ها نیز ازمیان رفته است . دیگر دیده نمیشود که کارهای پیوند گری، صدابرداری وطراحی را استعداد های ناشناخته یی در استدیو هـا انجام بدهند وجوایزاکادیمی به آمران‌استدیو هاتعلق بگیرد دیگر مدیران سنگدل وبیسواد در کار فلمسازان مداخله نمیکنند . دیگر لابراتوار های سینمایی به کارخانه هـا ی دیترایت همانند نیست

حالا هالیوودکوچکتر شده وسیستم مرکزیت درشرف نابود شدن است . به درجهٔ اول . نیست . هالیوود امروز بیشتر یك کنایه‌است تایك مکان . بدینمعنی که هرجایی که فلـم امریکایی شوت میشود، همانجا هالیووداست. یعنی نام هالیوود نه تنها به نیویارك، فلوریدا وسانفرانسیسکو صدق میکند، بلکه اسپانیای جنوبی، مراکش، یوگوسلاویا ومناطق دیگـر جهان رانیز دربر میگیرد . دفتر تولید شاید هنوزهم درهالیوود باشد، وکارهای پیوندگری صدا برداری ومانند اینها هنوز هم درهالیوود انجام شود، ولی فلمبرداری بیرون از استدیو دیگر خیلی عام شده است . اگرچه این کار نامناسب وپرخرچ است، اما جزیی ازمشخصات سینمای امروزی امریکا شده است . همانگونه که فلمبرداری درون استدیو از مشخصات دههٔ چهل این سینما بود .

بقیه در صفحه ٥٦



«مارلون براندو» و«ماریاشنایدر» درفلم«آخرین تانگو درپاریس». این فلم بامليونها دالر درامه ریکارد «برباد رفته» افسانه‌یی راشکست.



فلم «کاباره» به‌کار گردانـی «باب فوسه» که‌هشت جایزه‌اکادیمی رابرد، از فراورده های سال ۱۹۷۳است

زنان
وپرابلم‌های اجتماعی

روزها گذشت سالها پیهم آمدند ورفتند وقرنها سپری شد مگرمردها حاضر نشدند دست از ظلم وتعدی علیه زنان بردارندو معترف گردند که‌زنان نیزچون مردان دراجتماع حقوق مساوی دارند واین حق ناشنا سی هامتا سفانه در مما لك كم رشد آسیا، افریقا وامریکای‌لاتین بیشتر به مشاهده میرسد.

گرچه سازمان ملل متحد ازنیم قرن بدینسو فعالیت های‌را غرض آزادی وحقوق مساوی زنان بامردان براه انداخته وسعی ومجا هده می نمایدتابه نابرابری هاوظلم واستبداد علیه زنان خاتمه داده شود واین‌نیمه ازپیکر اجتماع که‌نیمه دیگر دردامان پرعطو فت ایشان پرورش می یابد ازیوغ استعمار واستثمار رهایی یابند ودرنتیجه تساوی حقوق زنا ن تامین گردد ومسئله دیگر یکه می تواند کلید حل پرو بلم هاومشکلات زنان درجوامع باشد اینست که‌بایست توجه زنان را جهت ساختمان جامعه نوین‌جلب‌نمود وشرکت فعا لا نه ایشان رادرامور حیاتی حتمی‌دانست زیرا استفاده همه جانبه ازکارزنان درتولید اجتماعی یکی از شرایط آزادی اجتماعی زنان است وزما نیکه زنان درکار تولید همراه با مردان تشریك مساعی می نمایند آنگاه است که‌وضع زنان بامردان یکسان می‌شود که‌البته درین صورت‌خواسته هاوآرزو های‌زنان خودبخود برآورده خواهد گردید.

اما باوجود این همه تو جها ت‌ سازما نهای دیمو کرا تیك‌و ترقی پسندان نهضت‌های‌زنان بازهم بیش ازپیش احساس می‌شود که‌تبعیض پسندان‌درفکر آنند تازنان‌را موجود طفیلی ،باردوش مردو جز لوازم و‌ اشیای غیر مؤثر منزل شمرده و‌ زحمات مؤثریت قدرت واستعداد شگر ف زن‌را در امور زند گی خانواده گی، فامیل واجتماع بشر ی بدیده‌بی‌اعتنابی نگرندواز شخصیت برازنده وخلاق او چشم بپوشند وبه اساس همان مفکوره قرون وسطی وتلقیات سیاه که میراث دوران بی دانشی است به‌او به‌دیده تحقیر نگاه کنند.

اما باید اذهان نمود که درحقیقت زن محوریست که خانواده، جا معه وحتی تما م بشر یت دراطرا ف آن می چر خد، نقش زنان در هدا یت وتعیین سر نوشت ملت ها اهمیت حیاتی دارد.با پیشر فت علوم و‌ تکنالوژی دنیا باسر عت زیا دی به پیش میرود وبه پیروی اززمان و‌ مکان تغییر یافته .زنان نیز با ید نقش دنیا میك رادرین جهان بازی کنند باید یاد آور شد که‌برا آورده شدن اهداف ومقا صد سال بین‌ المللی زنان تنها با فعا لیت طبقه اناث امکان پذیر نخوا هد بودوبرای حصول مو ثراهداف تعیین شده شر کت فعا لانه همه روشنفکرا ن اعم اززن ومرد، ضروری محسو ب می شود تاباشد که‌در اثر تشریك مساعی واحساس مسئو لیت مشترك زنان ومردان وبادرك مسئو لیت های اجتماعی وانسانی درنو سازی و‌ بهسازی جوامع‌بشری گامهای مفید ارزنده برداشته شده ورسالت تاریخی‌خویش رامنحیث مشعلداران اجتماع بشری‌فرا موش نکرده واز‌ هیچگو نه سعی ومجا هدات دریغ نورزند.

باوجود تمام گفته هاونظر یا ت وکو شش های جوامع بین المللی تاکنون آزادی زنان منحیث موضوع حل ناشده در اکثر ممالك جها ن مطرح بحث میباشد ودر برخی ممالك دیگر آزادی های ایشان‌حدود روشنی نداردوبا محدو دیت هاو پرو بلم ها ی زیادی مواجه میباشد. مگر متاسفانه‌بشکل‌فور مو لته‌درهمه جاوهمه نقاطجهان‌چه‌درممالك مترقی وچه‌در کشور های روبه انکشا ف ازآزادی زنان نام برده می شودو گفته می‌شود فرصت آن رسیده تا زنان به حقوق اجتماعی.وانسا نی خویش نایل گردند مگر بایك عمیق نگری مختصری دیده می شود که‌تا اکنون هیچیك ازسازما نهای جهان مؤفق‌به‌چنین امری نگردیده اند.

امابرزنان آگاه وپیشگا مان نهضت های دیمو کرا تیك وروشنفکرا ن‌ است تابادرك مسئو لیت های‌ایمانی دریك صف قرار گیرند وبرای استحکام صلح وسلم گیتی از هیچ گونه سعی ومجا هدت دریغ نورزندو برای حقو ق اجتماعی وانسا نی خویش که‌یك امر طبیعی است به مبارزه پیگیر ودوامدار آغاز نمایند تاباشد که به پیروزی نایل گردند وهم تحت شعار انکشاف صلح ومساوات برای بلند بردن سطح آگا هی خود وهمنو عان خودکوشیده ودرین سال بین المللی زن وتحت شعار سترگ‌مساوات‌شاهد بهروزی رادر آغو ش گیرند ودرپناه صلح همیشگی ودر سایه دیمو کرا سی واقعی که ضا من همه پیروزی ها است زیست نمایند.

دمنت بار ژباړه

دمیني سوغات

دوهمه برخه

ــ لکه چه دبانك دمدیر فکر هم نه دی شوی ، هغه به پولیس ته اطلاع ور کړی وای او یا به یی په تیلفون کښی ورسره تماس نیو لی وای چه زه تاسی غلا کړی یم«ښاغلی ریکو» زما موټر پیژنی او گاونډیان می زما په دغه کرونده باندی خبردی او کولی شی چه پولیس ته مستند راپوزونه وړاندی کړی .

داړه مار و خندل اووه یی و یل : په داسی خبرو باندی زړه مه‌خوشالوه ځکه چه مونږ په بانك باندی حمله وکړه غیر دبانك دمدیر اویو کار کوونکی نه بل سړی هلته نه ؤ مونږ هم ددوی خولی، پښی او لا سونه ور وتړل او په میز پوری مو وتړل ، نوځکه مونږ دا ویلی شو چه چا ستا موټر نه دی لیدلی .

سوفی ورو سوړ اسویلی وویست ځکه چه ددی ټوله امید واری بی‌ځایه وه .

ځوانه نجلی دځوړ ځو تکلیفونه وروسته دزیاتو نا آرامیو سره‌مخامخ شوی وه او داسی معلو میده چه خوب ته ضرورت لری نو ځکه یی زیار ایست چه‌په هرترتیب‌وی ځان بیدار او ویښ وساتی خو دوی‌ویره ورسره مو جوده وه چه دوینتیا قدرت یی له لاسه وځی او خوب وریاندی غلبه کوونکی دی .«سوفی» دخپل سالون یوه خنډه دخپل ځان دناستی دپاره غوره کړی وه یو«غل» چه ددی دحالاتو څارنه به یی کوله کله به یی په دروغو سره ستر گی پټولی او کله به یی « سوفی» ته‌کتل.

دخه مختصری غذا څخه وروسته چه د«سوفی» په نازکولاسو جوړه شوی وه دداړه مارانو خیټی ډکی شوی او «سوفی» دلوښو دپریو للو په چارو بخته شوه خو دا چه ورته په دغو شپو ورځو کښی یوه خطر ناکه ناروغی هم پیدا شوی وه نودناروغی سره سره به یی شپی او رځی په شوگیر باندی سرته رسولی خو له بلی خوا دداړه مارانو سره هم ددی ویره وه که په روښانه ورځ د«سوفی» په تعمیر کښی وگرځی نو خلك به‌یی وپیژنی او په دی توگه به یی دقانون منگولو ته وسپاری ، خو دا چه له یوی خوا هوا ډیره توده وه نو ددی خیال نه کیده چه څوك دی په توده هوا کښی په تگ راتگ باندی دمزاحمتو نو وسیلی ځانته برابری کړی . «سوفی» چه زیات سکوت‌ډیره بی حوصلهٔ کړی وه نو دیوه داړه‌مار څنگ ته ورغله او په قهرجنه‌لهجه‌یی ورته وویل :

ــ کولی شم چه دوه‌مره پوښتنه وکړم چه تاسی له دی ځای نه کله ځی ؟ .

داړه مار خپله ستړیا وویستله او په موسکا یی ورته وویل :

هرکله چه مونږ ته ددی داډ پیدا شو چه کوم خطر را ته نه متو جه کیږی او دا کار هم په خپل ذات‌کښی زیات وخت نیسی او تاسی‌بایدخپلی میلمه پالنی علاقه زمونږ نه کمه نه کړی که تاسی رادیو ته غوږ کښیږدی او اخبارونه و لولی نو ډیر خلك په موټر پسی گرځی او زمونږ په لټه‌کی دی هغه علامی او مشخصات چه زمونږ دبانك دمدیر له خوا پولیس‌ته وړاندی شوی پټ او مبهم دی‌اوهغوی نه شی کولی چه په دغه ارزښتوعلامو مونږ پیدا کړی داځکه چه مونږ دغلا او داړی په وخت کښی خپل مخونه په نیلونی جرابو کښی ننه باسو . سره ددی شك نه شته چه دزیاتی بی احتیاطی نه به مو هم کاراخیستی وی او مونږ کولی شو چه ستا سی موټر دځان سره واخلو او په‌سملاسی توگه له دغه ځایه لاړ شو او کله چه ستا دکور نه ووځو نو ښه به داوی چه ستا خوله ، لاسونه، او پښی ټینگی وتړو او هرڅه چه درباندی راغلل راغلی به وی لکه څنگه چه مونږ ته ثابته شوه تاسی په‌یوازیوالی سره ژوند کول غواړی اولاتر اوسه پوری م وخپله نا مراده مینه له پام نه نه ده ایستلی نو په همدغه علت داسی فکر نه کوم چه دهغه چا په‌یاد کښی پاتی شی چه دهغه دبی وفایی په واسطه مو دومره زجر په ځان منلی دی .

او له بلی خوا به گرانه وی چه ستاسی او دبانك په موضوع باندی دی څوك خبروی او یادی اطلاع پیدا کړی « سوفی» ته ثابته شوه چه هره لحظه په ویری او وار خطایی باندی زیاتوالی منځ ته راځی دداړه‌مارسره توضیحات ددی سبب شوی وو چه دخپل ژوند دنابو دولو دپاره لا س په کار کړی دځو لحظی سکوت نه وروسته داړه مار په لوړ آواز وخندل اوویی ویل .

ــ پوهیږم چه څه فکر کوی او غواړم چه په دی برخه کښی خپله بزرگواری درته ښکاره کړم تاسی تر اوسه پوری‌زیاته‌میړانه اوشجاعت ښکاره کړی دی او په ما باندی میړنی خلك ډیر گران دی که بیا ستاسی غوندی جذاب او ښکلی هم وی زه که یو غل یم خو انسا نا ن می نه دی وژلی او له دغه عمل نه کرکه کوم که باورنه کوی نو ښه‌به داوی چه خپلی خبری ثابتی کړم، له هغه وروسته داړه مار خپل ټوپك را واخیست او د«سوفی» څنگ‌ته‌ورغی سوفی ته ثابته شوه چه دژوندانه دوروستنیو شپو ورځو په سختو شرایطو کښی ولاړه وه نو خپلی ستر گی یی پټی کړی همدغه لحظی وی چه ورته ثابته شوه چه‌داړه‌مار دزیاتو مؤدبو خبرو څخه کار اخلی داولنی بر خورد نه را په دیخوا یی هغی ته د «تاسی» خطاب کړی دی‌خو دا ددی دلیل نه شی کید لی چه په زیات ادب او نزاکت کښی دی د «سوفی» دوژلو قصد ونه لری .

سوفی خپلی ستر گی په همغه شان تړلی وی او دمرگ په انتظار کښی به یی لحظی او دقیقی شمیرلی ددوهم ځل دپاره یی دداړه مار خنده ترغوږ شوه اوسوفی ته معلومه شوه چه لیونی شوی دی ستر گی یی خلاصی کړی خو داړه مار ټوپك ور وړاندی کړه او ورته یی وویل:

ــ واخله ویره مه لره داټوپك‌هیڅ خطر نه لری دایوازی دکوچنیو ماشومانو دلوبو ټوپك دی چه دبانك مدیر هم ورته نه دی متو جه شوی .

سوفی په خلاصو سترگو باندی ټوپك ته وکتل او په چرت کښی‌شوه چه په دغه ټوپك باندی یی څومره اطاعتونه په ځان منلی او یایی‌څومره تکلیفونه په ځان گاللی دی. «سوفی» ته ثابته شوی وه چه په دغه مشکلاتو کښی‌یی خپل «مین» «پرتو» هم‌پسی هیر کړی دی دماشو مانو دټوپك نه یی ستر گی پورته کړی او هغه داړه مار ته متوجه غوندی شوه چه مخامخ ورته ولاړ ؤ کله چه هغه ته هم د«سوفی» نا آرامی ثابته شوه نوپه کټ‌کټ یی وخندل او دو مره یی وخندل چه دسترگو نه یی او ښکی روانی شوی دشپی خبرونه یی چه واوریدل نو دشپی ډوډی یی وخوړله پولیس ته لاتر اوسه پوری ددوی‌پته نه وه معلومه خو یوازی دداړه مارانو هغه موټر یی چه دبانك په مخ کښی ولاړ ؤ لاس ته وروړی ؤ چه هغه هم په تیره شپه کښی دغلو په واسطه غلا شوی ؤ چه دبانك دغلو په پیژندنه کښی یی کوم رول نه شو لوبولی . څو لحظی وروسته «جو» دچکر وهلو دپاره دکوټی نه باغ ته ووته په دی ځل هم سوفی دځوان داړه مار سره یوازی پاتی شوله سوفی دوخت څخه دگټی اخیستلوپه نوم داړه مارسړی ته وویل:

ــ ولی بانك ته خپلی پیسی بیرته نه ورکوی . ددی کار دپاره لا اوس هم وخت لری ستاسی وسله یوه دروغجنه وسله وه اوزه دی ته چمتو یم چه ستاسی په گټه شهادت ورکړم داځکه چه زماسره مو نا وړه سلوك نه دی کړی سړی خپل سر وخوځاوه او ویی ویل :

ــ په دی برخه کښی هیڅ بحث مه کوی زه دی پیسو ته احتیا جات لرم داولنی او آخرنی واردی چه زه په غلا باندی لاس پوری کوم او یا ترینه گټه ترلاسه کوم تاسی هم‌په‌بی

ځايه توګه زما دقانع کولو دپاره هلی ځلی مه کوی . هيڅ قدرت نه شی کولی چه زمانه دی پيسی واخلی‌يعنی خنګه ؟

– زه به ديوی بهانی نه کار واخلم اووه به وايم چه په دی پيسو باندی دخپلی زهيری مور تداوی کوم‌تاسی به دی مه راضی کيږی چه دپند او نصيحت له لیاری ما پدی کار راضی کړی زه دهر څه نه‌زيات په‌ښواوبدو پوهيږم خو دا چه زه هم مجبوريت لرم نو بايد خپلو ضرورتونو ته ځواب ور باندی ووايم . زه په دی هم پو هيږم هغه پيسی زيات ارزښت او اهميت لری چه په شرافتمندانه توګه لاس ته راغلی وی خنګه‌همداسی نه ده ؟

– ولی نه همداسی ده . ..

– ډيره ښه ده په دغو پيسوباندی په باند نيو هيوادونو ته سفر وکړم او خپل راتلونکی ژوند په آسوده حالی او آرام زړه سرته ورسوم که چيری می دغه پيسی دتندی په‌خوليو لاس ته راوړی وای نو مجبور وم چه کالونه می ربړونه ګاللی وای نوهيله کوم چه په دی برخه کښی راته نوری خبری ونه کړی .

نيمه شپه وه چه سوفی په‌ناڅاپی توګه دخوب نه را پاڅيدله داسی معلوميده چه کوم آوازيی اوريدلی‌دی خپلی جامی يی واغوستلی او په‌لوڅو پښو باندی دزينی نه راښکته شوه داړه ماران په لوی سالون کښی آرام ويده وو «سوفی» دهغی روښنايی نه چه دکړکی نه سالون ته را لويدلی وه دچوکيو په منځ کښی راتيره شوه ددی احساس ورته هم پيدا شوی ؤ چه ددغو داړه مارانو په موجوديت بيا هم دنيکمرغی ا وامنيت احساس کوی او داله هغی سبب نه وو چه دداخليدو دروازه نه قلفك کيدله کوټی ته دننوتلو په وخت کښی سوفی ټول ځايونه لټولی وو چه «کلی» پيدا کړی خو په پيد اکولويی نه وه بريالی شوی نو غلو په زور باندی دسالون دروازه خلاصه کړی وه او په نتيجه کښی قلف هم مات کړی و ښايی چه کلی دسوفی دلاس نه هغه وخت لويدلی وی چه داړه مارانو په زور موټر ته پورته کوله. همدغه راز په تياره کی روانه وه او ښښی يی په څه شی باندی و لګيده او له دردنه يی چيغی شروع کړی ښايی په ګوډ حال باندی په ديوال لاس کښيښوده دبر ښنا سويچ يی وميند او څرا غونه يی روښانه کړل

«سوفی» په دی فکر کښی وه چه دڅراغو نو په روښانولو به داړه‌ماران بيدار شی او يا خو به لږ سترګی خلاصی کړی خو چا دخپل ځای نه ټکان نه وخوړ خو کله چه سوفی ښه ورته متوجه شوه ګوری چه هيڅوك په سالون کښی نه ليدل کيږی ورروسته يی په هغه کاغذباندی سترګی ونښتل چه دميز په سر باندی اينبودل شوی ؤ «سوفی» نژدی ور غله کاغذ يی دميز دسرنه راواخيست چه داسی پکښی ليکل شوی وو .

« ما زيات چرت وواهه او په پای کښی دی نتيجی ته ورسيدم چه له دغو پيسو څخه صرف نظر نه شم کولی او دغه راز کار غير ممکن دی او داچه تاسی زيار وويسته چه ما په نيکه لياره سم کړی ستاسی نه‌زيات تشکر کوم او کور ودانی درته وايم.» دا به ښه وی چه ته په خواږه خوب ويده يی مونږ درنه‌لاړشو .

سهارنی لحظی وی چه «سوفی » دموټر دغرهار آواز واوريد خو کله چه ورته متوجه غوندی شوه ګوری چه موټر د «سوفی» دکور په لوزروان دی. سوفی دخوښی نه په کاليوکښی نه ځايده او دا ورته ثابته وه چه ددی دژوندانه ستن «پرتو» ور پسی سر ګردانه شوی دی . سوفی ځان ويده واچاوه او «پرتو» خپل ګړندی موټر ورته ددروازی په مخکښی ودراوه او په چيغو و هلو يی شروع وکړه .

– سوفی .. . پورته شه خوب به دی پوره شوی وی زه همدا اوس‌خپل هيواد ته راغلی يم او غواړم چه درسره وګورم .

« سوفی» په چالاکی سره دزينی نه‌راښکته شوه ګوری چه «پرتو» ددروازی په مخکښی ولاړ دی خوداچه «پرتو» هم دخپلی «سوفی» په مينه کښی دز ديدلی و نو ورته يی وويل:

– ګوره چه ستا دپلورنځی په مخکښی می څه شی پيدا کړی دی دا می دزنځير نه و پيژند له چه‌ستا دکوټی کلی ده . دا څکه چه زنځيريی مادر ته په سوغات کښی دز کړی ؤ لکه چه په ياد دی نه دی ؟ کله چه می وميند له نو سملاسی راته‌داسی فکر پيدا شو چه ته بی له کلی نه طاقت نه‌شی‌کولی نو څکه می بی دځنډ نه حرکت وکړ او ځان می درته راورساوه پرون می کار در لوده او درته ونه شوم رسيدلی ؟

سوفی لړزی واخيستله او دځان سره يی وويل که «پرتو» پرون‌راغلی وای نو څه به ورباندی تير شوی‌وای. رښتيا ددی نه علاوه «پرتو» پرو ن دسوفی دپلورنځی په مخکښی څه کول؟ داهغه سوال دی چه خپله «پرتو» ځواب وزکړی دی .

– پوهيږی . . . ما په تيروباندی ښه ځغلند فکر کړی دی اوپه خپلو اشتبا هګانو باندی وپوهيدم . زماپه زړه کښی يوازی او يوازی‌د«سوفی» مينه پرته ده او نوری مينی پکښی نه شی ځائيدلی رښتيا دغه ځای څومره آرام او هوسا ځای وی په دی ځای کښی که ټولی سترپا وی ليری کيږی نو دمينی او محبت دپاره هم ډير ښه او په زړه پوری ټاټوبی ګرځيدلی شی زه نور قول درکوم‌چه تيری خطری په تکراری توګه منځ ته‌نه وی راغلی اوزه او ته دواړه په مينه سره دژوندانه ټولو غوښتنو ته ځوابونه ووايو «سوفی» که په‌ناڅاپی توګه په کټ‌کټ باندی وخندل نويه زوره زوره يی هم وژړل د«پرتو» په مخ باندی هم دا ونکو سيلاب را

پاتی په ٤٨ مخ کی





ای‌یه ساوینه در فلم « خانم وسگ‌ملوس» اثر چخوف

ترجمهٔ : زلیخا نورانی

هم ژورنالیست

هم هنرپیشه

دراولین فلم قهرمان یکی از داستان های چخوف ودرفلم دیگر خواهر چخوف بود

درخشش ای یه ساوینه در آسمان هنر سینمای شوروی غیر منتظره بود، استعداداین هنرمند ورزیده ومستعد بسان جرقه ای توجه همه رابخود جلب نمود، ولی ازنظر دوام‌چون جرقه نبود هنوزهم تماشا گران سینما نقش هایی راکه اوبازی کرده بخاطر دارند وانتظار فلم های دیگر اورا میکشند .

اولین نقشی راکه ای یه ساوینه بازی نمود درفلمی بودکه ازروی داستان (خانم وسگ ملوسش) اثر نویسنده نامدار روس انتون چخوف تهیه شده بود، گرچه ای یه‌ساوینه یك هنرمند پروفشنل نبود امااز عهده نقش مشکلی که درین فلم بعهده اش گذاشته‌شده بود چنان موفقانه بدر شدکه توانست توجه عمیق بیننده هاوبخصوص رژیسوران رابخود جلب نماید، درین زمان (پانزده سال قبل ازامروز) وی در پوهنتون ماسکو مصروف تحصیل دررشته ژورنالیزم بود . ارتباطش باهنردرآن زمان فقط ایفای نقش های کوچکی بود در نمایشنامه های تیاتر آماتوری‌محصلین رولان بیکوف رژیسور معروف اتحاد شوروی درهمین تیاتر محصلان به استعدادای‌یه‌ساوینه پی برد، زیرا سرپرستی آن تیاتر کوچك رادر پهلوی سایرمشاغل خود بعهده داشت .

ای یه ساوینه بصورت خیلی تصادفی با الکسی بتالوف (هیروی فلم لك لك هاپرواز میکنند) ورژیسور فلم معروف «قمارباز» اثر (داستایوفسکی) آشنا شد.

اتفاقا «خی‌فیتسه» رژیسوری‌که میخواست از روی داستان چخوف (خانم وسگ‌ملوسش) فلمی بسازد دنبال هنر پیشه ای برای ایفای نقش (آناسرگی وینا) میگشت .

بتالوف به رژیسور مذکور پیشنهاد کرد تاوی این نقش رابرای ای یه ساوینه بدهد . این‌نقش راای یه ساوینه گرفت ودر نتیجه ثابت شدکه بتالوف ورژیسور فلم قطعا در انتخاب خود اشتباه نکرده اند .

استقبال گرم تماشاگران وتبصره ها ی مساعد منقدین فلم باعث آن گردید که اجرای نقشی دریك فلم دیگر ازآثار داستایوفسکی (گنهگار) بسوی پیشنهاد شود .

درفلم سوم نقش خواهر چخوف رادر فلم (سوژه برای یك داستان کوچك)، ودر فلم (آناکارینینا) نیز نقشی رابازی می نماید .

درین اواخر ای‌یه ساوینه درنقش یك جراح ظاهر میگردد. این کرکتر رانیز ساو ینه موفقانه تبارز میدهد ودلچسپی علاقمندان‌سینما رانسبت بخود دوبرابر میسازد .

گرچه درین پانزده سال ساوینه نقش‌های زیادی رابازی نکرده است ولی قدرت هنری اوچنان ویرابسر زبانها انداخته که شهرتی نظیر معر وفترین هنرمندان سینمای شوروی بهم زده است . یکی ازمنقدین درباره و ی نوشته است : (ای یه‌ساوینه ممکن‌است‌برای اجرای هرگونه نقشی مساعد باشد وبتواند کرکتر های مختلف را تمثیل نماید، ولی وی تاحال بیشتر نقش زنان پاك لطیف وبی‌دفاع رابازی کرده ودرهمین تیپ چنان موفق بوده است‌که تماشاگر رادچار شگفتی نموده وخود رابحیث هنرمند ایده ال مردم دردل هاجا داده است .)







ای یه ساوینه به اثر پیشنهاد بتالوف در فلمی که‌از روی یک داستان چخوف تهیه میگردیدنقش را بازی کرد . همین او لین گام اوبا موفقیت توام بود وبسوی شهرت رهسپارش کرد .

زن محجوب؛ لطیف، بی دفاع وکم حرف؛ کرکتر ایده ال ای یه ساوینه



درفلم (خانم وسگش) وی‌زنی است طناز خجالتی ، خاموش وزودرنج .

درفلم (آناکارینینا) ای یه ساوینه درنقش (دالی) ظاهر میشود، درنقش یك زن خانه دار ومشوش که همیشه بخاطر فرزندان خود در هراس دایمی بسرمی برد. این زن در پهلوی سایر مشکلات خود رنجی دارد از شوهـری که بوی خیانت میورزد .

درنقش (ماریاپاولوا) خواهر چخوف درفلم (سوژه برای داستان کوچك) کرکتر خواهـر چخوف را هنرمندانه تبارز داد .

ماریاپاولوا خواهر فداکاری بود که‌زندگی خودرا وقف برادر نویسنده اش نموده بود .

ای یه ساوینه درفلم (خوشبختی آسیـه) نقش آسیه رابازی میکرد . آسیه دختر زیبا وپاکدلی است که باتمام قدرت خود عاشـق میشود، دوست میداشته باشد ولی به معشوق نمیرسد .

بالاخره میتوان گفت‌که ای یه ساوینه تمام نقش هایش راخیلی طبیعی وهنرمندانه بازی نموده است .

ای‌یه ساوینه معتقد است که‌هرهنرمندبایست باوجدان پاکی درخدمت مردم باشد وهمیشه دنبال حقیقت بگردد. مفید بودن یك حقیقت است وهمیشه این حقیقت رابایست جست . انسان خوب‌کسی است‌که‌صبروحوصله‌داشته باشد، ببخشد وبداند که بدون عشق زندگی کردن ناممکن است .

ساوینه وتیاتر :

فعالیت هنری ساوینه به سینما محدو د نمانده عشق وعلاقه اصلی اوبازی در تیاتـر است واز چند سال به اینطرف در تیاتــر (موس سویت) بصفت هنرپیشه کار می کند.

درنمایشنامه ایکه ازروی داستان (مجازات ومکافات) داستایوفسکی در تیاتر مذکورتهیه وبصحنه گذارده شده‌است ای یه‌ساوینه نقش (سونیا مارملادوا) رابازی مینماید درنمایشنامه (وجدان) وی‌نقش (والیا) راباموفقیت‌چشمگیری ایفا نمود .



دردرام (مسس سرویج) اثر پاتریك‌در نقش (فیری) ظاهر شد .

ای یه ساوینه باوجودیکه بیشتر اوقا ت خودرا درسینما وتیاتر میگذراند به هیچوجه شغل اصلی خود (خبرنگاری) رافراموش‌نکرده وگاهگاهی به نوشتن مقالات برای روز نامه‌ها می پردازد ودرنمایشنامه های تلـو یز یونی بحیث رژیسورکار میکند .

چون این هنرمند ورزیده دریك فامیـل پرجمیت ودهقان بدنیا آمده تواضع وبردباری خصوصیتی است که اززمان کودکی درنهادش سرشته شده است .





ای یه ساوینه در عکس بـا لا با الکسی بتالوف درفلم « خانم و سگ ملوس»

درعکس وسط درنقش خوا هــر چخوف

ودرعکس پائین در نقش سو نیـا مار ملادیوا دیده میشود.

زندگی امروز

بروزواقعات تراژیدی به‌هریك ماازامکان بعیدنمی نماید

• حوادث واتفاقات ناگوار طبیعی وقت‌ومحل نمی شناسد . ناگهانی بروز می کند، هردری راخواست میکوبد وهر محلی رابخواهدتباه میسازد .

• موسسات ومراکز خیریه خودرا مجبور وموظف میدانند تادر چنین مواقع وبروز همچو واقعات تراژیدی به‌کمك ویاری مصیبت‌دیدگان بشتابند .

بشر باوجود اینهمه پیشرفت و انکشاف روزافزونی که درقسمت سیانس وتکنولوژ ی نصیبش شده تاهنوز نتوانسته ازمصائـــب وبلاهای ناگهانی طبیعی که عایدش میگـردد جلوگیری کند وهزاران همنوع وبرادر مصیبت دیده خویش رااز کام آن برهاند وبدیارامن برساند .

بلاو مصیبت بی خبر وناگهانی آمـــده در منطقه یامناطقی کمین میکندودریك چشم برهم زدن تعداد کثیری مردم رابی خانمان میسازد.

درگوشه ای زلزله قدم می نهد، زمین چون اژدهای بی سروپا دهن میگشاید وزندگـــی تعدادی را میبلعد وتعدادی راهم به خـــاك وتباهی میکشاند .

توفان نقطهٔ دیگری راانتخاب مینماید ،مردم راناگهانی غافل گیرمیکند، خانه هارا ویـران میسازد، نهال ودرختی باقی نمیگذارد و بـا سرعت سرسام آورش عدهٔ بیشماری رابیچاره وآواره مینماید .

خشم وغضب سیلاب نیزکم از آنهانیست . سیلاب نیزباآواز مهیب و بوی زننـــده اش غرشکنان وموج زنان باسرعتی چون بـــرق نواحی مورد نظرش رابه نابودی دعوت میکند . وباخود به دیار نیستی میکشاند .

این حوادث همه فوری وناگهانی آمده وبا همان سرعت هم میروند .

ولی آنچه باقی میگذارند فقر است، بدبختی است وبیچارگی . بلی ... مرض، ناداری و سرگردانی تحفه هایی است که این حوادث باخود می آورند وبرای مردمانی که تمـــام هستی وزندگی شانرا باخود برده به یادگار میگذارند . درحالیکه انسان جز قبـــول آن چاره‌ای ندارد ومجادله اش دربرابر این‌حوادث ناچیز است . ولی این ازوظایف اطرافیـــان وهمنوعان دیگر است تادست یاری ومـــدد به آنها بدهند ودر نجات شان ازآن ورطه‌سعی بخرچ دهند. چه اینرا انسانیت واخلاق حکم میکند. این پسندیده. ونیکونیست که عـــدهٔ مصیبت دیده را باحال زار ونزار ببینیم و ازمعاونت سرباز زنیم .

بشر خواهی ونوع دوستی ازاحکام ارزندهٔ انسانیت است وهمین است‌که بشررا وادار ساخته موسسات خیریه بناکند ودر تقویت آن بکوشد تادر مواقع بروز همچو واقعـــات دلخراش وتباه‌کن به یاری بینوایان ومحتاجان بشتافته وتااندازه ای ازغرقاب نیستی وبدبختی نجات شان دهد، یااز مستمندان و نـــاداران دستگیری نماید .

موسسات ومراکز خیریه در اکثر ممالـــك

بقیه در صفحه ۲۴

ویتامین‌ها موادی زیبایی آفرین !

ویتامین ها گذشته ازآنکه برای حفظ تعادل فعالیت های حیاتی بدن ضروری ومهم هستند درآفریدن زیبایی نیز نقش سازنده ای دارند که نباید فراموش گردد .

ویتامین انواع واقسام گوناگون دارد کـــه هریکی به نوبهٔ خودلازمه بدن است . جســم انسان روزانه به مقداری ازآنها ضرورت دارد که باید برایش برسد .

بعضی ازویتامین هاقابلیت ذخیره را دارند ودرصورت ازدیاد مقدارش ، دربـدن ذخیره میگردد ودر موقع لزوم به مصرف میرسد ولی بعضی ازآنها این قابلیت راندارند و بایـــد مقداری ازآنرا هرروز خورد تابه کمبود آ ن دچار نگردید . مثل ویتامین (ث) که کمتـــر دربدن باقی میماند ومقدار اضافی آن بی‌اینکه جذب ویاذخیره گردد رفع میشود .

ویتامین آ :

ویتامین (آ)یکی ازعوامل موثربینایی است. این‌ویتامین بافتهای پوشش (قرنیه، مخصوصا شبکیه) چشم رامحافظت مینماید .

این ویتامین عامل رشد سلولها ست ودر لطافت وشادابی جلد فوق العاده موثرمیباشد. کمبود این ویتامین باعث میگردد تا پوســت طراوت وتازگی خودرا ازدست داده زمخـــت ودرشت گردد. برعلاوه کمی این ویتامین در بدن، عوارض دیگری رانیز بار می آورد. مثلا تولید سنگ مثانه ، دیر جوش خوردن زخم عضوی ازبدن ، کم شدن نور چشـم و امثال اینها ازکمبود این ویتامین در ماشین جسم است .

جگر، روغن ماهی، گشنیز، پالك، کاهو ، زردك، کاسنی، زردآلو، بادنجان رومی، پوست اکثرمیوه های رسیده ، مرچ سرخ تازه، چربی های حیوانی‌مثل‌مسکه، سرشیر، قیماق وزردی تخم مرغ ازمنابع سر شار این ویتامیـــــن میباشند .



هدایات ارزنده

اگر میخواهید ساسیج رابـدون پوستش بخورید برای جداکردن پوست آن ناراحـت نباشید. بهترین روش برای جداکردن پوست ساسچ اینست‌که آنهارا در دستمال مرطوب پیچانده مدت پانزده بیست دقیقه بگـذارید پوست آن پس از ین مدت به آسانی جدا میشود .

• • •

برای شب مهمان دارید واین مهمان عزیز غذای کم نمك میخورد درحالیکه شما نمـك دیگ راکمی هم بیشتر نموده اید . چاره چیست ؟

دست وپاچه نشوید . یك کچالو راپوست گرفته به ورقه هاببرید ودر غذا بیاندازید و مدتی بگذارید بجوشد تانمك اضافی را جذب کند .

آیا ترس ذاتی است؟

• امروز این دیگر ثابت شده است که احساس ترس درهرفردی نهفته است و اگر شخص ادعا کند ازهیچ امری نمی هراسد، ادعایش دروغی بیش نیست .
• ترس بجاوبه موقع نه تنها بی موردنیست بلکه مفیدهم است .
• احساس ترس دیگر ازحد معمولی بگذرد ریشه روانی دارد .

وقتی طفلی تازه پابه جهان میگذارد و ترس باخود همراه دارد، یکی ترس ازافتادن وآن دیگری ترس ازصداهای نا گهانی ، ناهنجار وبلند. اینها مواردی اندکه ترس‌ذاتی انسان را تشکیل میدهند. ترس های گوناگون دیگری که درآدمی ایجاد میشود همه اکتسابی است‌که درطول عمر ودر سالهای پس ازتولد بتدریج بوسیله حوادث مختلف بر انسان مستولی میگردد .

ترس از تنهایی ، ترس از تاریکی، ترس ازحیوانات ، ترس ازخزندگان وخلاصه همه ترس هائیکه انسان دارندهٔ آن است هیچکدام ذاتی نبوده، بلکه ترس هایی اندکه طفل از محیط می آموزد وتوسط والدین واطرافیان به‌کودك تفهیم میگردد .

این نوع ترس های اکتسابی آنقدر هاهم بی مورد نیست چه اگر انسان احساس ترس نکندبدون شك خطراتی اوراتهدید خواهدکرد. وهم همین احساس ترس است که سالیان درازی انسان رابه کوشش ومجادله واداشته واسباب ترقیات وانکشاف هر چه بیشتر وسایل رفاه وآسایش بشر را فراهم ساخته است . چنانچه اگر ترس از فاقگی وکمبود مواد غذایی نبود چه لزومی داشت انسان در بهبود حاصلات اینقدر مجاهدت نشان دهد وازین مثالها زیاد . ولی باینهم ترس بیش ازحدمعمول وازهرچیز هراسیدن ، طبیعی و مطلوب نیست .

احساس زیادی ترس ریشه روانی داردکه باید معالجه گردد ورنه شانس موفقیت‌شخص ترسو درزندگی امروز کم وکمتر گردیده وازدیاد این واکنش شکل مرضی میبابد .







این مدل ها از آخرین مدها ومخصوص‌این فصل است. اگر ضرورت داشته‌باشید میتوانید همانند آنها بدوزید.

بخش آشپزی



خوراك زبان بابادنجان رومی

مواد لازم برای چار نفر :

يك عدد زبان گوساله ، نیم کیلو بادنجان رومی، يك عدد پیازبزرگ، يك عدد زردك دو قاشق بزرگ آرد، گشنیز، مرچ ونمك به‌قدر ضرورت ، مقداری هم روغن .

طرز تهیه :

زبان رادردیگ محتوای آب ونمك بخار دهید تاخوب نرم گردد. بادنجان هاراازماشین گوشت بکشید. روغن رادر ظرفی بالای آتش داغ کنید وآرد راباآن اضافه کرده شوردهید. آب بادنجان رومی راکه قبلا آماده کرده اید باآن افزوده بگذارید بجوشد ، گشنیز، زردك وپیاز ریزه شده رادرظرف جداگانه محتوای آب ونمك بپزید وقتی نرم شد ساس بادنجان رومی راکه قبلا آماده شده باآن افزوده بازهم کمی بجوشانید . زبانرا پوست گرفته به‌ورقه های نازك ببرید وباساس مخلوط کرده در دیش بریزید .

خوراك زبان باسبزیجات

مواد لازم :

يك عدد زبان گوساله، چار عدد پیاز متوسط ، ۲۵۰ گرام زردك ، ۲۵۰گرام کچالو، يك دسته نوش پیاز ، يك دسته کوچك نعنا.

طرز پخت :

زبان گوساله رادر آب محتوای کمی‌پیاز، نوش پیاز، نعنا وزردك بپزید تانرم گردد . زردك هاوکچالو هارا جوش دهید و پوست گرفته حلقه حلقه کنید. پیاز های باقی مانده رادرروغن داغ سرخ کنید وزردك وکچالو جوش‌داده شده رابالای آن اضافه‌کنید‌بگذارید بریان گردد. سپس زبان نرم شده راپوست گرفته به ورقه هاببرید وبالای آن بچینید . بعداز چند دقیقه غذاآماده است .

رازهفت رنگ خورشید و تاثیرات آن

طوریکه میدانیم آفتاب اشعه رنگین دارد وبطور کلی دارای هفت رنگ است . هرگاه منشوری رامقابل نور آفتاب گیرید این‌رنگینی رابخوبی مشاهده میکنید هرکدام ازین رنگها رازی دارند مثلا :

رنگ سرخ نور آفتاب ، محرك اعصاب است . لذااین نورسرخ رنگ در معالجه اشخاصیکه به فقرالدم یاکم خونی مبتلاهستند مفید است ولی برای اشخاص الکولی وپرخون فوق العاده مضر میباشد . آنقدر مضر که ممکن است آنها رابه خود کشی وا دارد. همچنان این رنگ گذشته ازآنکه سر دردآور است موجب عصبانیت نیز میگردد .

نور آبی رنگ سبب خونسردی و آرامش میگردد ودردزخم را تخفیف میدهد ولی این نور برخلاف نورسرخ برای کسانیکه به کم خونی‌گرفتار اند مضر است وبرای آن عده‌ایکه پرخون اند مفید .

نوربنفش میکروب کش است ولی در مورد اشخاص مالیخولیایی وسودایی وضع را بدتر میکند وبه حال آنها مفید نمی افتد .

نورزرد محرك قوای دماغی است ودرمعالجه امراضی چون سوء هاضمه وجگر بکار برده میشود . برای کسانیکه کاردماغی دارند این رنگ خیلی مفید است وقوای دماغی شانرا زیاد میسازد .

نور نارنجی دارای خواص نور زرد ونور سرخ است .

نور سبز نظیر نورآبی است وخواص آنرا داراست .

نور سفید عضلات رابه فعالیت برمیانگیزد وبرای عده ایکه فعالیت جسمانی دارند خیلی مفید ومناسب میباشد .



آتش فشان که ازبالای طیاره عکاسی‌شده‌است

تتبع ونگارش از:
میر صفر علی (دماوند)

آ تش فشان

جزیره‌بوگوسلاو درامریکا از بروز آتشفشان زاده‌شد

یکی از حادثات طبیعی که انسانهای‌ادوار مختلف خاطرات فراموش ناشدنی از آن‌دارند بروز آتشفشانها ست ·

حال باید دانست که فوران های‌آتشفشان چگونه بوجودمی آید : طوریکه همه‌میدانند درتحت قشرزمین مواد نسبت حرارت‌فوق‌العاده زیاد بحالت مذاب و آتشین قرار دارند که گودال های بزرگ آتشین را تشکیل میدهند، هرگاه سنگ هایکه بالای این گودال ها قرار دارند در اثر کدام عوامل درز و یاشکستگی پیدانمایند اینجاست که‌مواد مذاب و سنگ های آتشین به‌فشار زیاد توام بازلزله ها به بیرون پر تاب میگردند که باعث فوران آتشفشا نها بروی زمین میشوند پرتاب نمودن مواد فروزان و آتشین گازاتیکه در مواد مذاب قرار دارند کمك زیادی مینما یند · این گازات ترکیبی از گازات مختلف میباشند· موادیکه توسط فوران آتش فشان به سطح زمین میبراید دیر یازود منجمد میگر دند که کتله های بزرگ ویا خاکستری آتشفشانی را بوجود می آورند. د هانه آتشفشان‌ویا قسمتیکه مواد ازآن فوران می‌نمایدحفره‌نعلبکی شکلی را دارا انددردهانه بعضی آتشفشانها مواد مذ ابه وجو شان به وضاحت مشاهده می‌گردد مثلا دردهانه آتشفشان شهرئو جی جاپان مواد آتشین و جوشان را می توا ن بخوبی دید·

درتاریخ کره زمین آتشفشان های زیادی بروز نموده اند اما وحشت ناکترین حادثه‌ایکه بشر نظیر آنرا تاکنون ندیده است بروز آتشفشا نیست که‌در جزیره (کرا کتوا) در انتهای غربی جاوا بوقوع پیوسته، این واقعه دلخراش راچنین تعریف‌کرده‌اند:

درسال (۱۸۷۷) آتش فشان (کراکتوا)بعداز دوصدسال خاموشی اعلام کردکه بزو د ی فوران خواهد کرد زیرا آوازهای مهیبی‌ازآن بگوش اهالی جزیره کراکتوا میرسید · اما هیچ کس گمان نمی‌کرد که فوران آن‌یکی ازشدیدترین فوران های تاریخ خواهد بود· آواز های دلخراش آتش فشان مدت پنج سال دوام کرد وبالاخره در شب ۲۶ اگست (۱۸۸۳) فوران های عظیم وو حشتناك که آواز آن ازمسافه سه هزار میلی به گو ش میرسید پشت سر هم صورت گرفت، سنگ های بزرگ ، سنگچل هاو خاك به‌ار تفا ع بیست میل به‌هوا پرتاب میگردید،به‌قدری‌مقدار خاك وسنگریزه ها فراوان بود که حتی صد میل اطراف جزیره کراکتوا به گورستان تاریکی مبدل گشته بود · وحشت همه جا را فرا گرفته بود قریه هایکی بعددیگر نا بود میشدند· انسان ها مانند پارچه آ هنی درکوره ذوب جان شانرا ازدست میدادند · سر انجام این آتش‌فشان تباه کن بعداز ۳۶ سا عت فعالیت روبه خاموشی گذاشت اماچیزیکه ازخود بجا گذ اشت ازبین رفتن سه صد قریه ونابود شدن (۳۵۰۰۰) انسان بود.

آتش فشانها فعالیت همیشگی ندار نـد ازینرو آنها ر ا به‌سه‌نوع تقسیم‌می نمایند: آتش فشانهای فعال ، آتش فشانهای‌خوابیده وآتش فشانهای‌خاموش · درقسمت آتش‌فشان های‌خاموش باید گفت که‌اکثراشتباه رخ‌میدهد طوریکه فکر می‌شود آتش فشان بکلی‌خاموش گردیده ودیگر حادثه بروز نخواهد کرد اما بعضا دیده شده که‌این گونه آتش فشانها فوران های مجدد وشدیدی بار آورده اند ·

ناگفته نباید گذاشت که‌مواد مذابه محصول آتشفشانها بنا م لاوایاد می‌شود· لهذ ا نظربه خصو صیات لاوا آتش فشانها را به سه کتگوری تقسیم می‌نمایند· کتگو ری‌لاوایی کتگور گازی وانفلاقی وکتگوری مخلو ط · درکتگوری لاوائی رول مهم رالاوای مایع بازی میکند این‌کتگوری به نوبهٔ خودبه سه نوع دیگر تقسیم میشود :

ساحه ای که تاکنون حادثه از این نوع دیده نشده . نوع دوم آن درزی میباشد که درسال (۱۷۸۳) در سکا پتر واقع ایسلند حادثه ای ازنوع‌فوق بوقوع پیوست.نوع‌سوم آن بنام هاوایی‌یاد میشودکه مخصوص جزایر هاوایی درمنطقه بنام (گیلاووا) میباشد .

حادثات آتش فشانی مربوط کتگوری گازی وانفلاقی تاکنون درچندین منطقه کره زمین بوقوع پیوسته چنانچه در سال (۱۸۸۳) در اندونیزیا، درهمین سال درجاپان، در سال

(۱۹۰۲) در جزایر انتیل کوچك واقع امریکای مرکز وبالاخره درسال (۱۹۱۲)در (الاسکـا) دیده شده است .

بروز آتش فشانهای کتگوری مخلوط کـه درآن لاوای مایع، گازات ومواد جامد حصـه دارند چندین بار درایتالیا صورت گرفته که آتش فشان شهر (پومپی) ایتالیا نیز از همین کتگوری بود .

تاحال بحث مادر باره آتش فشانهای بود که در خشکه بوقوع می پیوندد باید علاوه‌کرد که آتش فشانهای تحت البحری نیز وجـود دارد که محصولات آنها بروی سطح ابحـار مقدارزیاد سنگ پاو خاکستر ولکانیکی و در عمق بحر لاوای مایع میباشد . وقوع آتش فشانهای تحت البحری توأم باگازات وانفلاقات صورت میگیرد وباعث تشکیل امواجی درروی بحر میشوند که بنام (سونامی) یاد میشود .

یکی از حادثات دیگر تاریخی پیداشـدن جزیره است که علت بوجود آمدن آن وقوع آتش فشان تحت البحری بود. بلی درسـت (۱۵٤) سال قبل ازامروز بومیان جـزیـره (اونه لاسکا) که یکی ازجزایر میان الاسکا وآسیای شمالی است . متوجه غباری روی‌آب شدند که درچهل میلی جزیره مذکور قـرار داشت . این غبار حتی درروز های آفتابـی نیز از بین نمی رفت، سرانجام یکی ازبومیان وادار برین شدکه به محل مذکور رفته علت رامعلوم نماید.

این شخص بعداز برگشت د ر حالیکـه احساس وحشت می‌کرد خبردادکه دریادرحدود غبار می جوشد وغبار ابرمانند که همیش درآن منطقه وجود دارد همانا بخار یست که ازروی آب جوشان برمی خیزد .

چند هفته بعدازین خبر آواز دلخراشی‌همراه باتکان های شدید زلزله وباریدن ذرات خورد وبزرگ به‌ارتفاع خیلی زیادبومیان اونه‌الاسکا رابه هراس درآورد بومیان متوجه شدند کـه همهٔ این اتفاقات ازمنطقه ایست که غبار در آنجا مشاهده شده بود. بلی دراین قسمت آتشفشان تحت البحری درفوران بود. پس از توقف وریزش ذرات گردو خاك در ناحیـه آتشفشانی بومیان اونه الاسکـا با تعجـب ووحشت جزیره جدید التشکیل که شکـل بیضوی راداشت دیدند .

عجیب است فوران آتش فشان زمینی تازه رابه وجود آورده بودکه بعدها این جزیـره تازه رابنام بوگوسلاو یاد کردند . که‌اکنون هم‌همین اسم رادارد .

بطور عموم درمرحله آتشفشانیت چندسیکل جداگانه صورت میگیردکه این دوران هانسبت به وقت یکسان نبوده ازچندین سال تاده ها سال رادر بر دارد .

دردورهٔ ابتدائی لاواز مخزن بلند رفته و گازات خارج میشوند. دردورهٔ دوم لاوابه‌سطح زمین خارج میشود وبالاخره دردوره سوم که بنام (پوست ولکانیکی) یاد میشود خـروج لاواختم گردیده مجرا ودرز های فرعی گازات بخارات وبعضی اوقات جریان آب‌گرم صورت میگیرد .

گازانیکه بعداز عمل آتش فشان خـارج میشوند بنام (فومارول) یاد میکنند که عموما فومارول هارا چار نوع میدانند:

فومارول خشك که فاقد ویادارای کمـی بخارات‌آب بوده درترکیب خودسودیم،پتاسیم منگان ، مس وفلوررا داراست .

فومارول تیزابی که تیزاب گوگردوبخارات آب شامل آن میباشد . فومارول های قلـوی وامونیاك دار که اکثراوقات در تـرکیب آن امونیاك، هایدروجن سلفاید وبخـارات آب شامل‌اند .

نوع چهارم فومارول هارابنام فومارول سرد که درجه حرارت پاینترازصددرجه سانتیگراد داشته ودارای سلفر وگاز کاربونیك استیاد میکنند .

جریانات آبهای گرم بعد از فعالیت آتش فشانها بقسم چشمه ها خارج میشوند کـه خروج مسلسل ویا وقفوی دارابوده و وقفه آنها بطورعموم پنج تاده دقیقه رادر برمیگیرد. این جریانات درترکیب خود نمك های‌کلسیم منگان وکاربونات رادارند .

درجهان پهناوریکه‌زندگی میکنیم تابحال ۲۵۰۰ عمل آتش فشانی صورت گرفته است کـه (۸۳) آن تحت البحری ومابقی قاره ئی بوده. مراکز آتش فشانی درکره زمین مساویانـه تقسیم نشده، اکثریت آتش فشانهادرسواحل ابحار وجزایر موقعیت دارند . در براعظـم هاآتش فشانهای فعال به ندرت دیده شـده حتی در براعظم آسترالیا هیچ وجود ندارد. درآسیا واروپافقط در سواحل بحیره مدیترانه وجزیره نمای کمچتکا ، درامریکای شمالی و جنوبی درسواحل بحر الکاهل و در افریقـا نزدیك به منشاء دریانیل تـعدادی از آتش فشانها موقعیت دارند .

اگر ما بطور عموم آتش فشانهای کرهٔ زمین رامطالعه نمائیم در میابیم که سه حلقـه آتش فشانی در این کره خاکی فعالیت داشته ویادارند .

یکی ازاین حلقه هاحلقهٔ‌آتشفشانی‌بحرالکاهل است که امتداد این حلقه درسواحل غـربی بحر الکاهل یعنی کمچتکا، جزایر کوریـل وجزایر جاپان میباشد . جنوب این حلقه بدو قسمت جدا میشود حصه شرقی آن مشتمل از جزایر بونین، ولکانو، مارنتیك وقسمت غربی آنرا جزایر یوکیو، تایوان وجزایر فلیپاین در بردارد. درشرق آسترالیا حلقه بطرف جنوب امتداد داشته ازجزایر شاتلند جنوبی به‌راس جنوبی امریکای جنوبی رسیده سواحل غربی امریکای جنوبی، وسطی وامریکای شمالـی رادربر میگیرد وبالاخره حلقه دوباره به‌جزیره نمای کمچتکا ختم میشود .



حلقه آتش فشانی درکره زمین آتشفشانی‌جاپان می باشد.

حلقه دیگر آتش فشانی درکره زمین حلقه آتشفشانی مدیترانه ـ اندونیزیا می باشد . امتداد این حلقه به جهت شمال غرب یعنی ازنزدیکی استرالیا شروع تابحراطلس میرسد. آتش فشانهای فعال دردو انجام انتهایی آ ن واقع است . مثلا درجزایر اندونیزیا (جاواو سوماترا) آتشفشان بزرگ (کره کتاو) وجود دارد. باید خاطر نشان کردکه در اندونیزیا (۱۲۳) آتشفشان قاره یی وپنج آتش فشان تحت البحری ودر اطراف مدیترانـه (۱۳) آتشفشان قاره یی‌وپنج آتشفشان تحت‌البحری موقعیت دارد . امتداد حلـقه آ تشفشانی مدیترانه ـ اندونیزیا رادر امریکای وسطـی حلقه آتشفشانی بحرالکاهل قطع میکنـد . تمام آتشفشانهای‌این حلقه به (۱۷۵) میرسد.

سومین حلقه آتشفشانی حلقه آتشفشانی بحر اطلس میباشدکه برخلاف حلقه بحـر الکاهل از قسمت وسطی بحراطلس گذشته آتش فشانهای فعال آن درجزایر واقع اندکه درشمال ازجزایر یان ماین شروع وازجزایر آیسلند، آنروز، پیکو، مادیر گذشته وبـه جنوب امتداد دارد.

تعداد آتشفشانهای فعال حلقه اطلس (۷۹) میباشد .

علاوه برآتش فشانهای سه‌حلقه فوق‌الذکر یکتعداد زیاد آتش فشانهای فعال و خاموش درافریقا (مدغاسکر)، آسترالیا، هندوسائبریا وجود دارد .

دروطن عزیز ما آتش فشانهای فعال وجود ندارد اما آتش فشانهای خاموش زیاداند .

آتش فشانهای وطن مادرغرب شهر غزنی، دشت ناور، درنزدیکی هلمند درمحلی بنـام خان نشین وهمچنان درحصص جنوبی هشت تاده آتشفشان که جوانترین آن در پسابند است موقعیت دارد .

بقیه درصفحه ۵۷



مودل اولین خانه‌که باانرژی آفتاب‌گرم‌میشود

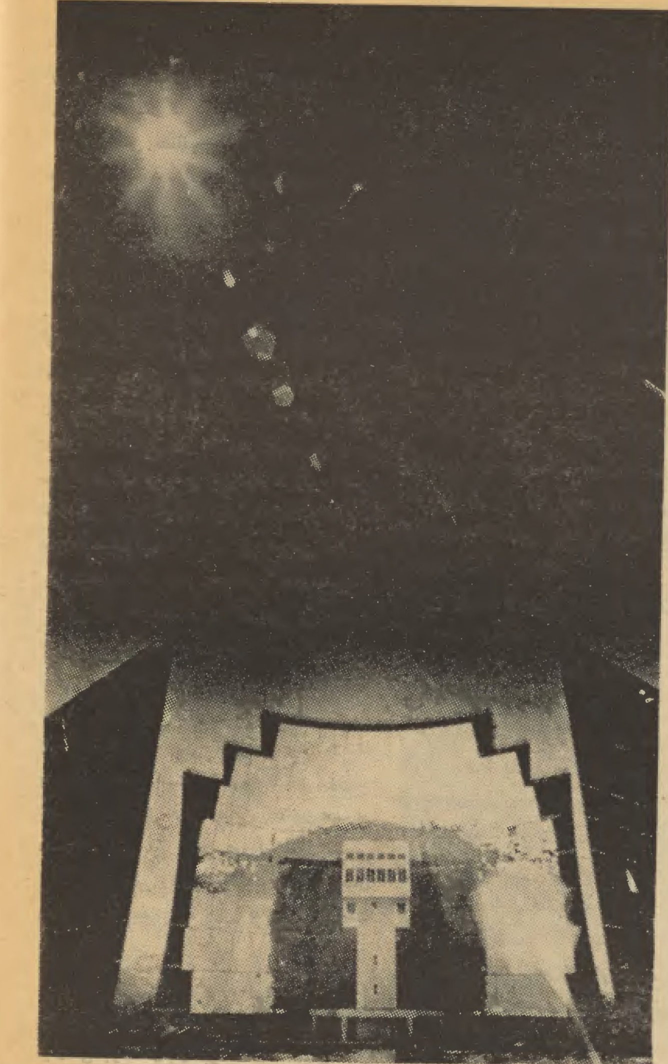
حبیب الله حبیب فرهمند

اولین خانه که باانرژی آفتاب گرم می شود

در بهار سال ۱۹۷۵، **اولین خانه‌که بـــا انرژی آفتاب گرم میشود در شهر آخـــن جمهوریت فدرالی آلمان ساخته شده است ، این خانه دارای ساحهٔ ۱۲۰ مترمربع بـــوده ومصارف آن به ۹٫۸ میلیون مارك میرسد .**

هانس نات، هوور وزیر تحقیقات علمی و تخنیکی آلمان غربی دربن گفت که تولیدبرق بانوروحرارت آفتاب امروز، ممکن است اماز لحاظ اقتصادی، آنقدر مفید نیست . اگرچـه درپرواز های کیهانی ، تولیدبرق، بانور و حرارت آفتاب، احتیاج سفینه های کیها نـی رارفع می‌کند اماگر بخواهیم در آلمان، ازنور وحرارت آفتاب، برق تولید نمائیم، قیمت هر یك کیلووات برق آفتابی سه هزار مرتبه‌بلند خواهد بودکه امروز یك خانواده برای یــك کیلووات برق می پردازد . از جانب دیگر در آلمان غربی، هرسال، بطور اوسط مدت شش ماه، آسمان ازابر پوشیده می باشد یا ابری وافتابی است وزمانی که آفتاب درعقب ابرها پنهان باشد، نمیتوان ازنوروحرارت آن بقـدر کافی برای تولید برق بوسیله بطری هـــای آفتابی، استفاده کرد بنابران بعوض آن در آلمان خانه هایی راکه درفصل زمستان بانور وحرارت آفتاب گرم شود، ایجاد می نمایند. نوروحرارت آفتاب راازشیشه یاپلاستیك عبور میدهندوبیك صفحهٔ المونیوم منعکس نمـوده ودر بین صفحه وپلاستیك نل آبی را جریان میدهند که نل مذکور خانه راگرم می سازد . احصائیه نشان میدهد ازماه اپریل تااکتوبر ۹۵ فیصد برقی‌که درمنازل بمصرف میرسد برای گرم‌کردن، سرد نمودن وآب‌گرم بکـــار میرود. دردسامبر وجنوری ۲۰ تا۲٦ فیصـــد ودرمارچ ۸٦ فیصد. بنابران ساختن خانه‌هایی که بانور وحرارت آفتاب گر م شود، صرفه جوئی وکمك درمصرف برق می کند .

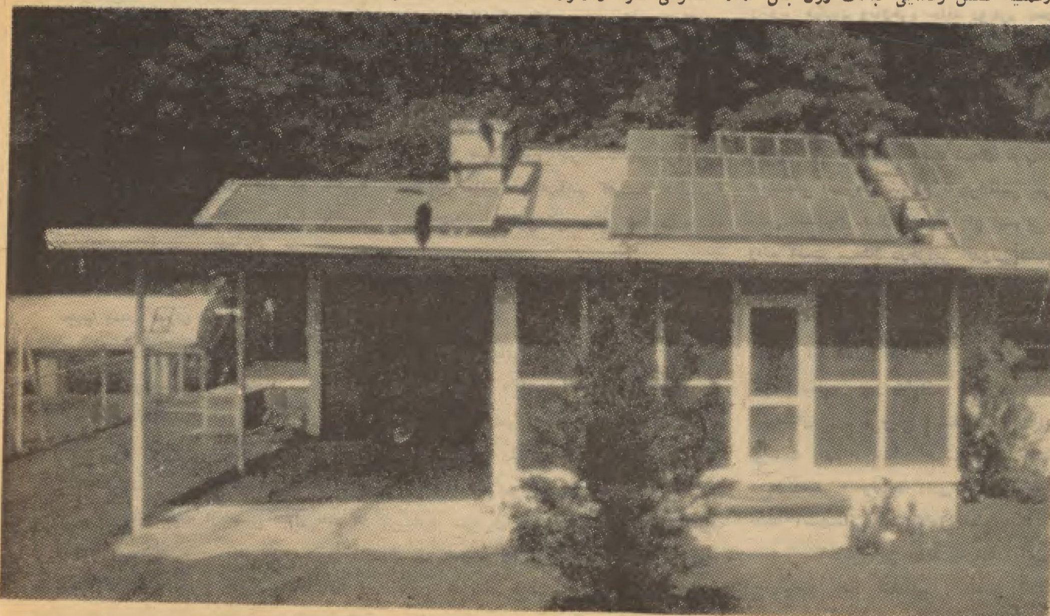
درایالات متحده امریکا اکنون ٤٥ منزل با انرژی آفتاب گرم میشود وگفته می شود کـه تـاسال ۲۰۲۰ اضافه ازیـك سوم مـنازل توسط انرژی، نور وحرارت آفتاب گرم وسرد خواهد شد. ازاواسط سال شصت در نواحی کوه های پیرنه فرانسه، آزمایش های جهت استفاده ازنور وحرارت آفتاب انجام داده شده است تا ۳۸۰۰ درجه سانتیگراد حرارت نیز بدست آمده است .



تولید انرژی ازنور وحرارت‌آفتاب درکوه های پیرنه فرانسه

استفاده ازانرژی آفتاب سابقه طولانی دارد. نور وحرارت آفتاب کرهٔ زمین راگرم میسازد درعملیه تنفس وغذایی نباتات رول بس عمده دارد. درسالهای ۲۱۲ و۲۱٤ قبل از میـــلاد آریشمیدس دانشمند یونانی، انرژی آفتاب‌را معرفی نمود ودرقرن ۱۹ انسان قا در گردید که از انرژی آفتاب برای چـرخانیدن ماشین استفاده ببرد . درسال ۱۹۱۲ در قاهـــره

بقیه درصفحه ۵۷



این خانه در فلو ریدا تمام حرارت مـورداحتیاج خودرا ازطریق لوحه هایی که‌درپشت‌بام نصیب شده ازخورشید می‌گیرد

پیوسته بگذشته :

واکسین وادامه حیات

برای بوجود آوردن معافیت کلی، باید سه مرتبه واکسین تکرار گردد طوریکه فاصله بین هرواکسین ازدوالی چهار هفته تجاوز نـه‌نما یـد . واکسین چهارمی بوستر یکسال بعداز واکسین آخرین درطفل تزریق میگردد .

برای اینکه والدین مواقع صحیح واکسین نمودن اطفال رابدانند طور خلاصه جدول ذیل راتحریر مینمایم :

جدول تعین اوقات مناسب واکسینیشن اطفال :

سن طفل — نوعیت واکسین

ماه اول — اولین‌واکسین ضدسیاه سرفه

ماه دوم اولین واکسین دی- پی- تی.

ماه سوم ۱- دومین واکسین‌دی-پی-تی.

۲- اولین واکسین پولیو(فلج اطفال)- ازطریق دهن.

ماه چهارم :-

۱- سومین واکسین دی- پی -تی.

۲- دومین واکسین پولیو.

ماده پنجم :- ۳- سومین واکسین پولیو.

ماه دهم الی‌دوازدهم:- واکسین چیچك .

ماه هفده وهژدهم :-

۱- واکسین بوسترا دی- پی-تی.

۲- واکسین بوستر پولیو.

۳- واکسین رو بیولا.

٤- واکسینیشن علیه مرض‌روبیولامیسلس

عامل این مرض یکنوع ویروس بوده‌وعلایم آن عبارت از ظهورتب، سرفه وبخارات جلدی میباشد .

دونوع واکسین برای این‌مرض‌ساخته انـد طوریکه در واکسین اولی ویروس هـا ی غیرفعال راکشته اند ولی برخلاف در واکسین نوع دوم ویروس هازنده میباشند . واکسین های مذکورمعمولا درجاهای‌خیلی سردنگهداری میگردند این واکسین رابه اطفالی که اضافه تراز یکسال عمرداشتـه باشند ، تزریـق می نمایند .

ناگفته نباید گذاشت که تمام واکسین‌های فوق الذکراز جمله واکسین های مهم بـوده وبائیست اشخا ص بالغ واطفال تـوسط آن صحت خود رااز امراض مربوط وقایه نمایند.

واکسین های دیگری از قبیل واکسین محرقه یاتیفوئید کولرا، حمای‌لکه‌دار، تب زردوپلاگو نیز وجود داردکه نباید از واکسین نـمودن آنها چشم پوشی نمود.

زنان حامله نباید برخی ازواکسین هارا در موقع بارداری تزریق نمایند.

طوریکه قبلا ذکرشد . تزریق عده ای از واکسین هابه تمام افرادیك جامعه یك امـر لازمی بوده وخصوصا برمادران است که‌اطفال خودرابه مقابل امراض مدهش، واکسین نموده واز بروز حوادث ناگوارحتی الامکان جلوگیری نمایند. باید اضافه نمودکه علاوه برواکسین های ضروری - عده ای از واکسین هـای نـن رویتینی دیـگری نیـز وجـود دارنـد که درحالات به خصوصی مثلا درمواقع بـروز مرض دریك‌منطقه (مثل مرض چیچك ویاکولرا وغیره) ویامواجه شدن با میکروب مربـوط (مثلا گزیدن سگ دیوانه) - به اشخا ص تزریق میگردند .

در ممالك روبه انکشاف واضح است کـه بنابر بلند بودن درجه ای بیسوادی، محیـط زیست انسان هابدرستی کنترول نگردیده ، مدفوعات وبقایای مواد عضوی که منبع مهـم امراض مختلف اند ، ازبین برده نمیشوند .

ازجانب دیگر عدم مراعـات حفـظ الصحه و نداشتن معلومات کافی درباره طرق انتقـال امراض - باعث آن میگرددکه در طول سـال امراض مدحش عده ای کثیر چنین جوامع را معیوب ویاازبین برد. بهمین دلیل است کـه داشتن معلوماتی درباره بـــر خی امـراض وواکسین های مربوط یك امرضروری میباشد. که درین جاطور اختصار بحث مینمایم :

۱- واکسین توبرکلوز :

توبرکلوز مرض ساری وخطرناکی است که عامـل آن بسیلو س تـو بـر کـلـوز میباشد . میکروب مذ کور میتواند نواحـی مختلف جسم راوخاصتا شش هارا متاثـر سازد . این مرض درحیوانات وانسان هایافت میشود .

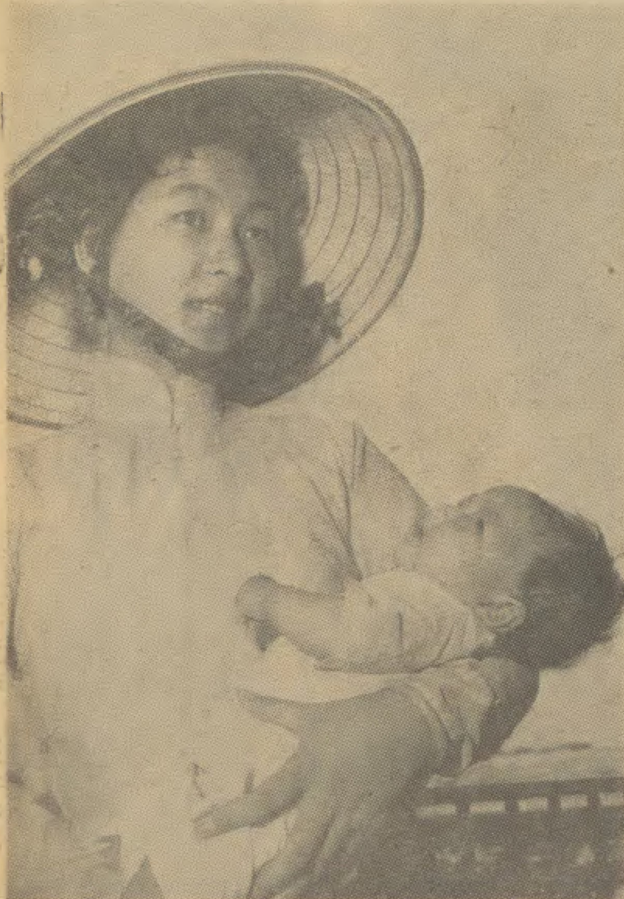
برای‌کسب معافیت به‌مقابل مرض توبرکلوز واکسین بی-سی- جی .

تزریق میگردد. معمولا قبل ازدانستن اینکـه شخص مورد نظر بمقابل میکروب توبرکلوز معافیت دارد ویاخیر؟، ماده‌ای را بـنـا م توبرکولین در تحت جلد داخل مینمایند . هرگاه شخص مذکور معافیتی نداشته باشد، ناحیه که درآن توبرکولین تزریق شده، هیچگونه عکس‌العملی رانشان‌نمیدهد. درینصورت‌واکسین بی-سی‌جی راباوتزریق میکنند. تزریق‌بی- سی-جی‌باعث کسب معافیت در اشخاص گـر دیده واز خطرات احتمالی مرض مذکور ایشان را نجات میدهد .

۲- واکسین محرقه‌نیفوئیست.

مرضی است که درآن انساج لمفاوی امعاء التهاب نموده و طحال (تلی) بزرگ میشود . علاوتا حرارت جسم مریض زیاد میگردد . عامل محر قـه

بقیه درصفحه۶۰



ستاره‌گان افسانه‌ساز



پورترت جهان موسیقی

« جان پیتر » آرایشگر معروف هالیود ، در آغاز مرحلهٔ برخورد با «بابارا استرااِیسند» ستاره و آواز خوان معروف ، وضع برتفاوتی نداشت فقط مو های او را مرغوله میساخت وگاهی اشکالی درموهای او پدید میاورد که موافق بعر مایش وخواسته اش می بود ولی تد ریجا بار بارا ستاره ۳۳ ساله سحر ی بکاربرد که پیتر اسیر حلقه ها ی موهای خرمائی او شد و با و صف اینکه پیتر پنج سال خورد تر از « بارابارا» است . از یکنیم سال است که در کلیفورنیا با و در زیر یك سقف ز ندگی میکند .

« بار بارا» که‌ازجملهٔ ستا ر گان پول آور بشمار میرودبیکی ازجراید هنری این مطلب را بصراحت اظهار نموده بود که دیگر آرزو ندا رد از طریق بزنس هنر.پول بدست‌بیاورد بلکه برایش سهل است که بحیث یك آرایشگر پول قابل توجه‌حاصل کند .

«جان پتیر» مشا طه ومکیا ژر معروف یکی از مردان زن د و ست جهان بشمار می آید . در پا نز ده سالگی‌ازدواج‌نمود ودر ۲۲ سالگی ازدواج دوم او اتفاق افتاد . او در میان ز نان و ستارگـان شهـر ت خاصی داشته و آنقدر که ازرهگذر شناسائی زنان معرو فیت دارد از جهت حر فه ومسلك خود ندارد .

« بار بارا» وقتی از شو هـر ش «هلیوت کود » جداشد ، بلا تکلف آشنائی با « جان » پیدا نمـو د در حالیکه جان فقط از روی با زی های هنری و صفحات آ وازش اورا میشناخت .

« جان پیتر» در مورد اینکه بجه علتی بدامن بار بارا چسپیده ا ست گفته : آرایشگر ی حر فهٔ پول آور است که او را به پول و شهـر ت رسانیده و با بسیاری از زنان‌زیبا آشنا نموده است بطوریکه‌گاهگاهی دریك‌هفته تا حدود دو صدو پنجا ه هزار مارك آ لمانی میتواند حا صل کند از این رو اگر تصور شود که با بار بارا بخا طر عایدا تش‌ارتباطی قایم شده این یك قضاوت غلط و نادرست ودور از انصاف خوا هد بود .

« جان‌پیتر» وقتی‌کـه «لیزل‌آن » ستارهٔ فلم های امریکائی را طلا ق داد در آستانهٔ شهر ت و محبوبیت بود و لی با این وجود هم او ر ا ترك گفته و رسما از وی جدا شد ولی و قتی با « بار بارا» آشناگردید دیگر شهرت او تدریجا بسوی‌دخمهٔ گمنا می میرفت و لی «جان پیتر » باهتمام و تلاش بی پایان خود یکی ازلانك پلی های‌اورابمصرف شخصی ریکاردینگ و ببازار کشید با ا ین امید تاکسی چشمان خود رادربرابر واقعیت‌ها نبندد وقبول‌نمایدبطوریکه اوباربارا راشناخته‌ودیگران‌نشناخته اند .



بار بارا میگوید «من‌به سلمانی ومکیاژر خود عشق جاودان وابـدی دارم»



دکتور راج آنند ازجهان طبا بت به‌سوی هنر شتافت

« پیتر» گفته است با این‌حرکت خود میخواست ثابت کندکه‌قسمیکه او بار بارا را شنا خته دیگر دوست داران در حق او ریاکاری و تظا هر نموده و حق هنر اورا مغرضانـــه پامال نموده اند ز یرا بار بارا یك پور ترت موزیکال در جهان موسیقی میباشد .

معادل پانزده هزار افغا نی د ر چهار ده ساعت :

« آلن بیگز» آ مردیپـار تمنت نقاشی و مجسمه سازی کالج‌بروکن هدرس انگلستان اخیرا بیك‌ابتکاری دست زده که در حال حاضر سخت طرف تو جه قرار گرفته ا ست . او برای یکی ازفابریکه‌های گدی‌سازی یك سلسله دیزاین هـای عـر ضه نموده که بعلت توافق نزدیك بـه عینیت و طبیعی بودن صد در صد دیزاین به واقعیت جداً مورد پسند واقع شده است .

« الن » مردسی و چهار سا لـهٔ انگلیسی که مجسمه ساز تـوانا و نقاش مقتدریست درموردچنین‌ابراز نظر نموده است :

تاکنون تمام دیزاین های‌که‌برای فابریکه های گدی سازی تحو یـل داده شده رو بهمرفته کم ما یه‌وبی عرضه بوده است و دلیل قوی‌این گفته اینست که آنان از جلوه های طبیعی چشم های خودرا ا نحرا ف داده و دیزاین را طوری تر تـیب نموده اند که نه در آن تخیلات‌بدیع که مستلزم یك اثر برازنده ا ست در آن بکار رفته و نه عینیت وکلیت طبیعی در آن مشهود بوده ا ست. ما بار ها و بد فعات جلو وا قعیت های مسلم و تابناك قرار گرفته ایم ولی دریك لحظه آ نرا بـد ست فراموشی سپرده ایم . با ری‌دراین میان از پدیده های ثابت حیا تـی استفا ده صو رت گر فت که نتیجه آن قانع کننده افتاد .

منشای تحرك این عمل اند یشهٔ یك خانم مجسمه دوست بود وقتی اواز«آلن»خواهش نمودکه مجسمه‌ای از دختر هفت سالـهٔ او بسازد ، آلن بعد از صرف چهار ده سا عت کار مجسمهٔ « ایما » دخترك هـفت ساله را سا خت که در حدود پنجاه سانتی متر ار تفاع داشت .

بعدا این اندیشه در او قـو ت گرفت که بعد از این دیزاین ها ی خودرا با استفاده از وجاهت طبیعی اطفال بمیان آورد . داوطلب دراین دایره خیلی ز یاد است و « آ لن » بعد از چهار ده ساعت کارششصد مارك آ لمانی حق الز حمه در یا فت میکند اینکه والدین اطفال حا ضر میشوند که با کمپنی‌های‌گدی‌سازی موافقه د هند یاخیر برایش‌بی‌تفاوت است منتها در صورت موافقه یـك مقدار پول اضافی نظر به تعـداد فروش بوی تعلق خواهد گرفت .



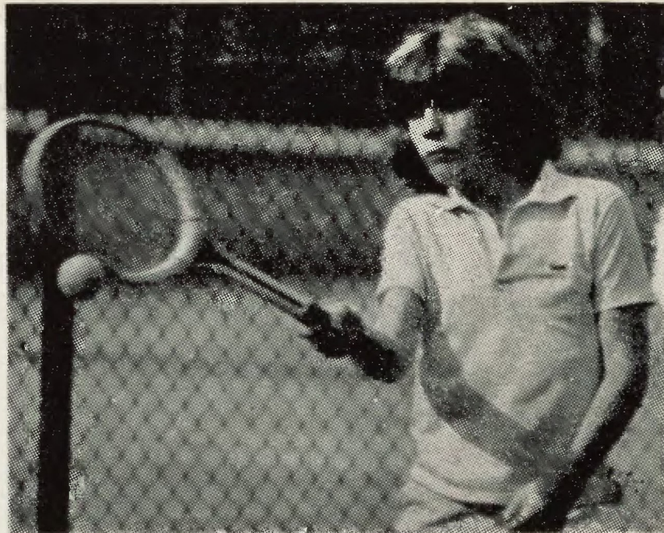
اینهم لانگ وپلی بار بارا کـه باهتمام جان پتیر تکمیل شده‌است

دکتوری که بسوی هنر ر و ی آورده :

چندی قبل شایع شده‌بود کـه «رادهاسلوجه» ستارهٔ فلم های‌هندی در هنگام مسافر تش با مریکا بـا یکنفر دکتور طب رسما نامزد شده بود که‌در این خبر تکلفی جز یـك حقیقت راه نداشت . این دا کـتر « راج آنند » نام دارد که دیپلـوم طب خود را از امریکا حـا صل و در همانجا به‌شغل طبابت‌مصروف بود . اما همینکه «رادها سلوجه » را در یکی ازضیافت‌هادیدعاشقش شد ووقتی باو پیشنهاد از دوا ج نمود ، جواب توافق آمیزی در یافت که سر انجام منجر به نا مزدی آن شد .

این رو یداد در ما های ا خیـر سال ۱۹۷٤ ــ اتفاق ا فتاده بودولی چندی قبل داکتر راج رانند که به منظور ازدواج وارد بمبئی شد طی یك ملاقات با خبر نگار شمع‌حقیقت نامزدی خودرا با راد ها سلو جـه اعتراف نمود ا ما از اینکه بعدا از این موضوع صرف نظر نموده آنرا گونهٔ از جرئت های ا خلاقی خو د خواند .

علت انصراف از دواج خود را با « راد ها سلوجه » تو ضیح نکرد اما در مورد اینکه دیگر با مریکا بر نخواهد گشت و باترك شغـل طبابت بجهان سینما روی خوا هـد آورد یك سلسله مطالبی را ا ظهار نمود .



جون جان شکاری چارده ساله

دکتور راج آنند به پرسش یك سوال گفت : او قبلا در امریکابیك فلم داکونتری نقش فعالی را ایفـا نموده واز مدتها باینطرف این شوق در و جودش مشتعل بود که رو زی بحیث هیرو در فلم ها ظا هر شود وحال که این مو قع میسر آ مـده برای خود حیف میداند که از آ ن نادیده بگذرد .

او گفت : او در حـال حا ضـر کاندید بازی نقش سه فلم ا ست ولی باید پرو دیو سر ها مو قعیت او را درك نمایند و مقابل او رادهاـ سلوجه را برای همبازی انتخا ب نکنند والا از بازی در فلم معذ رت خواهد خواست .

شکاری چهارده ساله :

«جون‌جان» پسر چهار ده سا لهٔ خانم ژاکلین اناسیس اخیرا مو رد توجه خاص قرار گرفته و گفته‌میـ شود بزودی‌بروی‌پردهٔفلم‌ظاهرخواهد شد این پسر بچهٔ زیبا که صاحب چهره زیبا وملا یم و چشمان سیاه و ابر وا ن ضخیـم و پیو سته است یکی از حر به های برای‌یکعده از پرودیو سران خوا نده شده که برخی از روز نامه نگاران هنری‌آنرا شکار کنندهٔ پول لقب داده اند .

او در حال حا ضر در شهـر نیویارك در یکی از خانه هـا ی اناسیس زندگی میکند وقسمت‌وقت خودرا وقف بازی تینس می کند . او درجواب این سوال که در جهان سینما چه خواهد کرد جواب دا د آنچه دائرکتر بگوید و آنچه او د ر این دایره بتواند .



جان پتیر میگوید که‌با حر فـه خود بازنان زیادی آشنایی پیـدا کرده‌ام



پیوسته بگذشته

فریادهای مرگ

(مستر کلمنت ! ازاینکه بیشتر از این نمیتوانم منتظر شما بمانم متاسفم اما ۰۰۰) جمله ناتمام مانده وچنان بنظر می آمد که‌خط بادستهایی لرزان انشاشده‌است ۰

مفتش باافتخار غرید : وضع کاملا روشن است ۰ پرو تیرو نشسته مشغول نو شتن نامه بود، دشمن به‌آرامی از درب شیشه‌ئی وارد گردیده اورا بقتل رسانده خوب، دیگر چه‌میخواهید ؟

ولی من‌میخواهم مطلبی را تو ضیح بدهم دوباره مفتش نعره‌زد: لطفا به‌پرو پای ما نچسپید. کنار بروید تا ببینم اینجاپل بابی هست یاخیر. سپس درحالیکه روی زانوان خود می خزید بطرف درب شیشه یی حرکت کرد. مـن بالجاجت دگـر باره شر و ع کـردم :

ــچزی هست که‌شما حتما باید آ نـرا بدانید ۰۰۰

مفتش از جابلند شده بالحنی قاطع گفت: اینمطلب رابعدا صحبت خواهیم کرد. حالااگر ازین اتاق خارج شوید ممنون میشوم ۰ لطفا بیرون بروید ۰

مثل بچه هایی که حرف شنو هستند و آنها را ازخانه بیرون میرانند ، اطاعت کردیم وبیرون رفتیم. بنظر من ساعتها ازین جریان می گذشت یعنی گذشت وقت خیلی سریع‌شده بود درحالیکه تـازه یکر بع ازسا عـت ۷ می‌گذشت ۰

بایدوک گفت:

ــهرموقع این احمق خود خواه سراغ مرا گرفت ،خودش رابه معاینه خانه ام بفرستد. فعلا خدا نگهدار ۰

دراینوقع ماری روبروی من پـیدا شده گفت : خانم تشریف آوردند.

تقریباپنج دقیقه قبل ۰

گریز لدارا دراتاق پـذیرایی یافتم.چنان می‌نمود که‌هم ترسیده وهم به هیجان آ مده است ۰ جریان رابه او تعریف کردم ۰ بادقت زیاد گوش فرا داد ودرآخر متذکر شدم که درآغاز نامهٔ پروتیرو ساعت ۶٫۲۰ قید شده بــود ۰

گریز لدا سر جنبانیده گفت: مگر تو به آنها نگفتی که‌پرو تیرو عادت داشت همیشه ساعتش رایکربع پیشتر عیارمیکند ؟

جواب داد م : خیر، زیرا مفتش بمـن فرصت ابراز این مطلب را نداد وهر چه‌سعی کردم بخرج اونرفت.

گریز لدا درحالیکه باحیرت ابرو ها را بالامی‌برد، اظهار داشت :

امالن،دراینصورت این کار رنگ عجیـب تری بخود میگیرد ۰ مثـلا ساعت او شش و بیست رانشان مداد، در حالیکه و قت‌صحیح شش وپنجدقیقه بود.

درهرصورت مطمئنا پروتیرو درساعت‌شش وپنجد قیقه اینجا نبوده است.

مدتی من‌وهمسرم روی مسا لهٔ سا عـت مـذاکره وبحث کردیم اما بیك نتجهٔ قطعـی نرسیدیم. گریز لدا تاکید کردکه هر طوری شده باید این موضوع یکربع ساعت پیش بودن ساعت پروتیرو رابابد به‌مفتش گزارش بدهم ولی باتعجب زیاد اززبان ماری اطـلاع یافتم که‌وی اتاق مرا قفل ومهر کرده و چند لحظه قبل منزل مرا ترك گفته‌است.

گریز لداگفت : سری به قصر قدیمی‌بزنم بیچاره آن پروتیرو باید خیلی بدحال باشد. شاید من بتوانم کمکی برای او بکنم.

این نظر او رامنهم پسندیدم وگفتم اگـر بمن احتیاجی احساس کردند فـو را تلفون کننـد.

پس ازرفتن گریز لدا، دنیس بمنزل آمد. گویا ازبازی تینس برگشته بود.از ینکه‌جنایت درمنزل ما اتفاق افتاده خیلی خو شحال شد وگفت : همیشه آرزو میکردم با یك حادثـهٔ جنایی رو برو شوم ۰ راستی پلیس اتاق‌کار شمارا چرا قفل کرد ؟ آیاکلیددیگری به‌آن درب جور نمی آید؟

به‌اوگفتم که‌من اجازه نخواهم داد درب آن اتاق راباز کند. وضع بیخیال وخو نسر د دنیس واقعا به اعصاب من برمی خورد و لی بعد تر فکر کردم برای یك دختر ۱۶ سا له حادثه قتل نمیتواند مفهوم بسیار عمیـق و مشغول کننده داشته باشد ۰ بـرای د نیس این حادثه ،بیش از حادثاتی که‌دریك رومان پلیسی رخ میدهد ، اهمیت نداشت ۰

گریز لدا، یکساعت بعد مراجعت کـرد. ان راپس از آنکه حادثه را پلیس به و ی اطـلاع داده بود، دیده بـود ۰ مفتش پس ازآنکه مطمئن شده بود که‌آن شو هرش را در ساعت ربـع کم شش دوراه دهکده دیده و بیش ازین از جریان اطلا عی ندارد، قصررا ترك گفته ومتـذ کر شده بود که فردا برای صحبت مفصل تر بر خوا هد گشت ۰در هر حال نسبت به (آن) وضع او مؤد بانه‌بوده است.

پرسیدم : برخورد خانم «آن» بااین حادثه چگونه بود ؟

ــخاموش وآرام نشسته بود و لی اومعمولا اینطوری است ۰

ــراست است. حتی من بخاطر نمی آورم‌که آن پروتیرو کمترین شوك عصبی درعمر خود دیده باشد.

ــالبته دراول ازشنیدن واقعه تکان خورده است واین ازوضع او معلوم می‌شد ازاینکه‌من بسراغ او رفته بودم، از من تشکر کـر د ودر عین حال گفت که هیـچ نمی دا نـد چکار کند.

ــلیتس چه ؟

ــاودر جایی ببازی تینس مشغول بود، و هنوز بخانه برنگشته بود. گریزلدا یك‌لحظه خاموش شد وبعد دوام داد: میدانی ان،وضع آن‌خیلی به‌نظرم عجیب آمد. خیلی‌عجیب!

ــشاید خیلی ناراحت بود.

ــآری ممکن است و لی راستش ازو ضـع او این ناراحتی پیدا نبود بلکه چنان‌بنظر م آمد که‌خیلی مضطرب شده‌است.

ــآری ممکن است‌وی راستش ازوضع اواین ناراحتی پیدا نبود بلکه چنان بنظرم آمد که خیلی مضطرب شده‌است ۰

ــیعنی ترسیده‌است ؟

ــآری ،سعی میکرد از ظاهرش این‌اضطراب معلوم نشود و لی درچشمانش حالتی عجیب آمیخته بااحتیاط ومحا فظه کاری‌پدیدار بود. آیا او حدس میزد چه‌کسی باید شو هر ش راکشته باشد ؟ مکررا ازمن سوال میکـرد آیاپلیس نسبت بـکسی مشکـــوك ا ست یاخیر ؟

متفکرانه گفتم: که‌اینطور ؟

ــ آری. طبعا« آن» زنی مسلط برخوداست ولی بخوبی پیدا بودکه ازین جریان بشدت تکان خورده‌است حتی مافوق آنچه تـصو ر بکنی ۰ البته آن به‌شوهر ش زیادعلاقمنـد نبود حتی یکروز بمن گفت که‌از پروتیـرو بشدت‌متنفر است ۰

ــ گاهی مرگ می‌تواند سبب تغییر حیات آدمی بشود.

ــبهرصورت ۰۰۰

دنیس هیجان زده داخل شد و گفت روی یکی از کرد های گل درحیاط پل پایی کشف کرده است ومطمین بودکه چون پو لیس‌این راز راکشف نکرده وی می تواند با تعقیب این‌پل پا، راز تمام معمارا بکشاید.

شب ناراحتی راسپری کردم. دنیس‌خیلی زودتر ازساعت معین صرف صبحانه بیدارشده دنبال‌آخرین خبرها وانکشافات بیرون رفت. مع ذلك هیجان انگیز ترین خبر آنروز صبح راماونه بلکه ماری بما داد .

درست موقعیکه مامشغول صرف صبحا نه بودیم این دختر مثل توپ به داخل اتـاق پریده درحالیکه رخساره هایش از فـر ط هیجان گل انداخته بود، باهمان وضع لاابالی همیشگی خود گفت : آیا خبردارید ؟ نانواهم اکنون بمن گفت: مستر ریدینگ را توقیـف کرده اند .

گریزلدا مثل اینکه بگوش های خوداعتماد نداشته باشد، فریاد زد :

لئورانس راتوقیف کرده اند ؟ غیر ممکن است واین اشتباهی احمقانه است .

ماری بمقتضای عادت به خوشحالی گفت : خیرخانم ، اشتباه نیست . مستر ریدینـگ خودش دیشب نزد پلیس رفته ودر حـالیکه تپانچهٔ خودرا روی میز می گذاشتند اعتراف کرده است که من مرتکب جنایت شده ام . ماری این راگفته درحالیکه نگاهی پیروزمندانه بمن وهمسرم می افگند، بیرون رفت ومـن وگریزلدا بانگاهی حیرت زده بهمدیگر خیره ماندیم .

گریزلدا گفت : این‌نمیتواند حقیقت داشته

باشد. غیر ممکن است . سپس چون من‌جوابی ندادم پرسید: الن ، آیانو این مطلب‌راباور میکنی ؟

من نتوانستم اظهار عقیده ای بکنـــم و همانطور بخاموشی ادامه دادم. همسرم گفت : لئورانس دیوانه شده . حتما او باید دیوانه شده باشد. یااینکه او وپروتیرو مشغـــول تماشای تپانچه بوده اند وسلاح خود بخودفیر کرده است .

- این غیر ممکن است .

- اما صددر صد حادثه باید اتفاقی باشد. هیچ دلیلی وجود نداشت که لئورانس درصدد قتل پروتیرو برآید. چراباید لئورانس او را به قتل برساند ؟

من میتوانستم بطور قاطع باین سوال جواب بدهم، امامتوجه بودم‌که تاحد ممکن سعی کنم پای (آن پروتیرو) به ا ین قضیه کشانیـــده نشود . لذاگفتم : فراموش نکن که آنها چندی قبل دعوا کرده بودند .

- میدانم بخاطر تصویر بامایوی لتیس درست ولی هرچه باشد خیلی مسخره است. اگرلئورانس ولتیس مخفیانه نامزدهم میبودند. بازهم این نتیجه بمیان نمی آمد .

- ولی این راهم بخاطر داشته باش کــه من اورادر نزدیك درب حیاط دیدم . حالتی مثل دیوانگان داشت .

- آری، ولی بازهم غیرممکن است .

- ساعت راهم بیاد بیاورد. اینوضع تقریبا مسالهٔ ساعت راهم توضیح میکند. لئـورانس شاید بخاطر اینکه درموضوع قتل نسبت بـه اومشکوك نشوند وقت رابه شش وبیســـت دقیقه تغییر داده است . ببین سلاك مفتش چگونه فریب خورده واین قضیه راباورکرد.

- اشتباه میکنی لن . لئورانس از اینکـه ساعت پروتیرو همیشه یکربع پیش اســـت مطلع بود. وهمیشه میگفت که پدر مقـد س پیش ازسایرین سر وعده حاضر میشود.

شخصی مثل لئورانس باپیش بردن یاپس کردن ساعت، هرگز چنین اشتباهی را مرتکب نمیگردید ووقت بهتری را تثبیت میکـــرد . مثلا ساعت راربع کم هفت می ساخت .

- شاید رسام ازاینکه پروتیرودرچه‌ساعتی بملاقات من می آید، دقیقا اطلاع نداشـــت . یاشاید هم قضیه پیش بودن ساعت را بخاطر نداشت .

پیش از آنکه گریز لدا جواب بدهدسایه‌ای روی میز صبحانه افتاد . وصدائی بغایـــت ظریف شنیده شد: امیدوارم شمارا ناراحـــت نکرده باشم . خیلی ببخشید امادر برابراین حادثهٔ تلخ ...

تازه وارد همسایه مامیس مارپل بود. در اثر تعارف مودبانه ما ازدرب جانب حیـا ط وارد گردید ومن یك چوکی برای نشستن به او تعارف کردم . رخساره های پیرزن سرخی خفیفی نشان میداد وخیلی هیجان زده بنظـر میرسید . بی مقدمه :

- اتفاق وحشتناکی است، مگرنه ؟ بیچاره آقای پروتیرو . شاید آدم خوبی نبود وکسی هم‌که اورا دوست داشته باشد، سراغ نمیشد. اما درهر حال حادثهٔ فجیعی است . شنیده ام اورا در اتاق دفتر شما بقتل رسانده اند .

- آری .

میس مارپل خطاب به‌گریزلدا پرسید :

- ولی تصور میکنم پدر مقدس درآنساعت درخانه نبودند ؟ من جریان را به او شرح دادم آنگاه میس مارپل نگاهی به جوانـــب خود افگنده پرسید :

- آقای دینس ، امروز صبح تشر یــف ندارند ؟

گریزلدا جواب داد :

-دنیس نقش کار آگاه آماتور رابه عهده گرفته . بخاطر پل پائی‌که دریکی از کردهای گل کشف کرده ، خیلی به هیجان آمده وغالبا رفته است تااینموضوع رابه پلیس گزارش بدهد .

میس مارپل گفت :

- قضیهٔ پیچیده‌ایست، نیسـ ت ؟ گویاآقای دنیس تصور میکند قاتل را شناخته است . درهرحال همهٔ مادر این باره فکر میکنیم کـــه گویا قاتل راشناخته ایم .

گریزلدا سوال‌کرد: آیا اینقدر آشکاراست؟

میس مارپل جواب داد :

- خیر عزیزم . باین سادگی نیست مـن فقط آمدگپ راگفتم . محققا هرکس در مـورد شخص جداگانه ای احساس سوء ظن میکند ولی باید دردست شخص مدعی دلایل کافی موجود باشد . مثلا من مطمئنم کـــه قاتل را می شناسم ولی اعتراف میکنم‌که حتی یـــک دلیل هم علیه شخص متهم دردست ندارم . انسان در قبیل موارد بحرفی‌که میزند، باید زیاد دقت کند درغیر آن بجرم مفتری‌محاکمه خواهد شد . بعلاوه میدانم که بامفتش سلاک باید خیلی محتاطانه صحبت کنم زیرا بمن

خبرفرستاده بودکه صبح امروز بسراغ مـن خواهد آمد ولی عجب که بعدهادر تلفون بمن گفت: احتیاجی باین ملاقات باقی نمانده‌است.

- البته بعداز توقیف متهم دیگر ضرورتی باین ملاقات باقی نمی ماند .

- بعداز توقیف ؟ من ازاینکـــه کسی را توقیف کرده‌اند اطلاعی نداشتم . رخساره های پیرزن ازفرط هیجان قرمز شده بود .

(باقیدارد)





به‌اطفال تان رموز محبت وصمیمیت‌رابیاموزید

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه وترتیب از: ر.ر

نوشته معصومه (رونده)

مادر

باقدسیت ذاتی اش

خدازن‌راآفرید تاجهان تاریك وظلمانی‌مردرا روشن‌بسازدتااورا ازرنج تنهایی رهایی‌بخشد تابگوشش نغما ت وشادی وسرود زندگی را زمزمه بکند تامرد راسر شاراززندگی وسعادت گردند امااین برای زندگی کافی نبود زیرازن وشوهر آرزو داشتند تا محصله این کانون گرم راکه ارمغان شروع سعادت شان هست بدست بیاورند .

لذا زن انتظار میکشید تاکودکی راکه خودش ودرخودش پرورش داده است ازشیره وعصاره جانی ترکیب اورا ساخته است پـا بعرصه وجود گذارد ومردهم همینطور انتظار داشت تاکلمه پدر به اواطلاق شود زن‌اضافه ترمی کوشید تا نوزادش سالم ونیرومند بار بیاید ومردهم همینطور باامیدواری وغم‌انتظار دقایقی رامی کشد که صدای موجود کوچـك وامازنده ای رابشنود که محصله ازدواج شان بود .

ومرددر این راه نگران بود تاآسیبی بـه همسرش نرسدسر انجام آن روز فرامی رسد وآواز گریه طفلی صدا وزچه زن رادر خودش خاموش میسازد زیرا اکنون صدای رساتـری وجیغ معصومانه طفلی برشیون وگریه زن‌فایق میشود طفلی پابه میدان وجود می گذارد و زندگی سرازنو آغاز می گردد. زن مادرمیشود ومردپدر، وهمینطور تکامل زندگی پابه پیش میرود، فضا خانواده باموجودیت این طفـل صمیمی وپراز سرور میگردد پدر مصروف تر ازهروقتی می‌کوشد تاوسایل بهتر زندگی را برای همسرش وطفل نوزادش فراهم بسازد و زن از پستانش عصاره جانش راارمغان طفلك خود میسازد سرود ولالای مادر دردل شـب باگریه طفل مزج میشود وهردو موجودمقدس بخواب می روند تافردای بیداری شان بنیان کن تیره گی های زندگی باشد مادر باقدسیت ذاتی اش طفل راتیمار می نماید دردل‌کودکش هزاران نوید زندگی و سعادت را پـرورش می دهد وروح اورا سرشار اززندگی میسازد، اززندگی فردایکه درانتظار طفلك است باخنده های ملیح طفل دماغ دل مادر شگوفان میشود پاپپا کودك را در جاده های حیات قـدم رو میسازد وقتی طفلش بزمین می خورد بو سه های‌گرم مادرش درد طفل رااز ناحیه صدمه دیده می زداید مادر همان‌گونه‌در گوش طفلش سرود پیروزی ، سرود عشق ومحبت‌وسرود های نوید بخش حیات رامی خواند واورا در مقابل سختی های زندگی بدبختیهای که تـا آندم مادر وپدر را آزار میداد عیار وآمـاده میسازد ، اوهرگز امید گمراه کننده شادیهای مسموم شونده رادر طفلش انکشاف نمیدهـد به طفلش میگوید بدبختی ممکن است ازهـر طرف به استقبالش بیاید امافرزندش تابتواند زنده بماند نباید بابدبختی ها پشت گرداند بلکـه اورا بـرای ستیـز و مبـارزه در راه از بیـن بـر د ن آن د عـوت کند حماسه مادر حماسه درد های مادرسر انجام سر نوشت کودك را بسوی تکامـل فرا می‌خواند وکبوتر آزادی طفـل رابسوی خاکدام بزرگ گیتی رهنمایـی میکند طفل روز به روز هو شیار تر ونیرو مند تر می شود مادر بادیدگـان همیشه بیدارش وبـا روح‌همیشه هوشیارش وبا قلب‌مملو ازآرزو هایش تغییرات طفلش را روز بروز مـی نگرد. درسختی هاوقتي طفلش زمین مـی خورد به یاری پدرش اورا بپا استوارمـی سازد ولغزش هایش راو ناتوانی هایش‌که نتیجه اشتبا هاتش است به اوحاشا مـی سازد تا اومرد نیرو مندی در کارگاه حیات بشود.

اکنون طفل دیروز نهال بارورو رسیده امروز است مـادر همـه چیزش را زندگـی وجوانی اش راوقف پرورش این نهال‌کرده است. نهال که بارور میشود وثمره آن‌برای مادرشادی آفرین ا ست.

ما در باچهره ایکه ازرنج‌وحوادث زمان‌پیر شده است در مقابل نهال بارورش مـی

بقیه در صفحه ۵۹



طفل یگانه موجودیست که دماغ دل‌پدرومادر را شگوفان می‌سازد ورشتـهٔ محبت‌وصمیمیت رابین زن وشوهـر محکمتر گـره می‌زند وایشان رابه‌هم نزدیکتر میسازد.

دمحمد صفر خواری کښن لیکنه

په کونړونو کښې دښځو وضعی ته یوه کتنه

بخوا تردی چه دښځو نهضت په ننی بڼه زمونږ هیواد تــه راشی کونړیو ښځو دژوندانه په ټولوچارو کښی دخپلووروڼو،پلرونو اومیړونو سره اوږه پـه‌اوږه کار کا وه اود ورځنی ژوند چاری یی په مخ بیولی اواوس هم دغه سلسله جاری ده.

کونړی میرمنی دګارینه سره یو ځای دکرکیلی په‌ساحه کښی،دغرو-نوځخه دلرګیو دپیټودراوړو په‌برخه کښی‌او سر بیره پەدی په مالدا ری کښی دیادونی وړبرخه اخیستی‌بلکه په‌ځینو چارو کښی تر نارینه هــم دمخه دی. دوی دنارینه ځخه پـدی دمخه دی چه پرته ددغودرندوکارونو کارونو ځخه چه دکر کیلی په‌ساحه کښی یی‌داوونو اوغوبلو په وخت‌کی کښی دبرو ټیو اوستریو چلول د اهاړ په غرمو یادمنی په سړوبادونو کښی دمیړونو، ورونو او پلرو نــو سره په‌اوږه ستری چلوی اودرانده بیتی په ښځینه تنکیو سر ونــو باندی وړی، دکور کارونه لکه،ډوډی پخول، کالی پریمنځل او تر ټو لو زیات داولا دونو روزنه او نـــور د دوی دنده ګڼل کیږی.

ددی‌ټولو درنو کارونو سره سره‌بیا هم ښځو ته‌لکه څر نګه وړ وی دیو انسان په‌ارزښت نه قا یلیږی.

دغه میرمنی سره ددی چه‌دپیړ یو په‌اوږدو کښی دکورنی یو پیا وړی ارګان دی‌او سره ددی چــه ددو ی هستوو نکی کار دژوندانه بنســټ اینښوونکی دی، مګر له‌بده مرغه د مدنی اوډیرو ابتدایی حقوقو ځخه‌بی برخی دی اود دوی سره انسانی‌چال چلند نه‌دی شوی اوکه شوی نو ډیر کم.لکه په نذر اوبدو کښی دخوریا لور ورکول په‌کوچنیوالی کښی‌ددوی نکاح کول دخو ښځو کول ،دبــدل واده کول اویا دپیسو په مقابل کی ددوی په‌سر نوشت لوبی کول اود دوی خرڅول دځارویو په څیرداټولی هغه ناوړه کښا لی دی چــه زمونــږ دهیواد په ډیرو سیمو کښی تراوسه پوری څه ناڅه اوپه کونړونو کښی زیات شته دی.

کونړی میرمنی اکثریت تشنا ب نه‌پیژنی ددوی شاور ذاوبو ډك‌کټو-ری (جام) دی چه دغوجل په یــوه ګوښه کښی په‌یوه ډبره کښینی او پرځان یی پاشی. دشامپو نوم یی‌تر اوسه غوږو ته‌ندی‌رسیدلی دوینتانو تافت خولا پریږده کله چه ویښتان په شړومبو یاکله ناکله په مستــو پریمنځی نود شړ شمی تیلو لشماتی

نوربیــا

از محمد ظاهر مشاء

فرشته

مادر قسم مراکه به جزتودگــر همه
خورشید یاد تو نکند هیچگــه غروب
مادر قسم مرا به صفای طلوع صبح
اندر سپهر یأس دل از گوشهٔ شفــق
مادر قسم مــرا بشکــوه شگوفه ها
آتش نماســت جلوه هر شاخ ارغوان
مادر قسم مــرا بــرخ زرد بــرگهــا
بــر پیکر برهنــه آن تکــدرخت ها
مادر قسم مرا بخدای غــرور وعشق
جان میدهد به عزم فلکتاز انقــلاب
مادر قسم مرابه سر انگشت روزگار
سوگندمن‌بکوه وبدشت‌وستاره هاست
شب های بیفروغ به‌ظلمت سرای من
از بهر زندگانی من هد یه روز گار
تنها نشسته ام بخدا گر یــه میکنم
آیا که بیتوچون گــذرد زندگــانیم
مادر تــو آن فرشته رویایی منــی
تا وارسد بدامــن فیض تو دست من
مادر قسم مرا به دل انگیــزی بهار

رفتی ومرد در دل امیــد وار مــن
از آسمان خــاطر انــدوهبار مــن
کز خون نور میدهد امیــد زندگــی
تا بدامید جلــوه خورشید زندگــی
باشد که چلچراغ شب افروز با غزار
شاید که برده دل زبرش دختر بهار
کانهم بسان چهره عاشق خــزان بود
شایدکه چون‌شکسته دلان ناتوان بود
کزفیض اوست نیرویی‌درجان مردوزن
فرزند نیك پرورد از مــادر وطــن
کز سیم نــاب تاج به فرق زمین نهد
باآن سریکه‌سجده بجان آفرین نهد
جز نوراشك یاس نباشد چراغ هیچ
چیزی دیگرنداشت بجزدردوداغ هیچ
دورازتومن به‌کلبهٔ‌ظلمت‌سرشت‌خویش
اندیشه میکنم بتووسرنوشت خویش
کز کعبــه نیاز بســوی تو رو کنــم
هردم ترا به عرش خدا جستجو کنم
کزوی جهان سبز طبیعت بدلبرست

طفل امیدوار دل غنچــه ام هنــوز
محتاج دلنوازیت از مهر مادریســـت

سال بین‌المللی زن

هدف اساسی مجمع عمومی ملل‌متحد از تعیین سال ۱۹۷۵ بنام سال زن اینست تا جهان را متوجه سازند که‌زنان در هر زمینه دارای مساوات بوده وحق دارند در مــوارد اجتماعی ،اقتصادی ، حقو قی ،فرهنگی‌وسایر شئون زنــدگی از مزیا وامتیــازات معادل‌آن بامردان بهره مند گردند وسهم آنهادرخدمات اجتماعی فرهنگی وتامین صلح از همه وقت بیشتر باشد ·

سال بین المللی زن، زمینه رامساعــد می‌سازد تامقام زن وارزش او در دنیا بیشتر مورد مباحثه وتوجه قرار گیرد و جها نیان رامتوجه محرومیت هایی‌سازدکه زنانی‌بسیاری از کشور هاهنوزهم به‌آن مواجه بوده و بــا صد ها معضله دست و گریبان می‌باشند·

درین سال از مقام ارزنده زن تجلیــــل بعمل می آید وبه این ترتیب کوشش‌می‌شود، حیثیت ومقام زن درجامعه بین المللی حفظ شده وزن بحیث بخش بزرگ نفوس د نیــا وبمیان آورنده نوابــغ وبزرگــان درسراسر جهان شناخته شود·

چون دین اسـلام برای زن ومرد دراصل ومنشاء ودر ماهیت وشخصیت بشری‌مساوات کامل قایل شده‌است پس می‌بینیم که یکــی ازبزرگترین مزایا وافتخا رات دین مقد س اسلام اینست که در روزگار ی که جهل و تاریکی سراسر جــهان را فراگرفته بود، آموختن وفراگرفتن علم رادر ردیف ضروریات بشر منظور کرد وکلیه افراد وطوایف‌رابدون استثنا وتبعیض از نعمت دانش بر خوردار داشت وتعلیم وتعلم را فرض شمرده ز نــان رادر استفاده ازین حق بامرد نیز سهــم مساوی داد ·

اسلام برای زن آزادی افکار وعقاید راقایل شده‌است·

زن از آزادی های حقوق مدنی برخوردار بوده وصلا حیت عقو د را ازقبیل خرید و فروش، رهن وودیعت توکل وو کا لــت ، اجازه وضمانت وازدواج ونکاح مانندمرد دارا می‌باشد·

زن می‌تواند درقسمت حقوق سیاسی نــیز بامرد سهم مساوی داشته باشد· همچنــا ن که مردمکلف است بیعت کند وتابع مقررات موضوعه باشد، زن نیزمکلفیت دارد ازاوامر دین اسـلام ومقررات دولت پیروی‌کرده‌مانند مردان تــذکره تابعیت بگیرد ودر هنگام رای دادن دوش بدوش طبقه ذکور حقوق مسا وی داشته باشند·



بکوشید تازن باوفا برای شوهــرومادر مهربان برای اطفالتان باشید



تورنمنت خزانی ورزشکاران پوهنتون کابل آغاز گردید

تورنمنت خزانی ورزشکاران پوهنځی ها ی پوهنتون کابل عصر روز یکشنبه ۲۱میزان توسط رئیس پوهنتون کابل درجمنازیوم‌آن پوهنتون افتتاح گردید.

درین تورنمنت که تاآخیر عقرب دوام‌میکند چار صدوپنجاه ورزشکار ازیازده پوهنځی پوهنتون اشتراك ورزیده که در شش رشتهٔ ورزشی روزانه سه مسابقه اجراء خوا هند نمود. این مسابقات که به سیستم د بل ناك اوت اجرء می‌گردد، شامل فتبال، والیبال باسکتبال، اتلتیك، ریسمان کشی وپنگ‌پانگ می باشد .

خبرنگار ورزشی ژوندون مراسم افتتاح‌این تورنمنت راچنین گزارش میدهد :

(جمنازیوم پوهنتون باردیگر جمعیت انبوه ازمحصلان وعلاقمندان ورزش را جذب کرده بود. آنروز روز یکشنبه ۲۱ میزان ازساعت سه بعداز ظهر علاقمندان یکی به تعقیب‌دیگر گروه، گروه وفردفرد ، ازدروازه عقبی داخل جمنازیوم می‌شدند، علاقمندان با گذشت‌لحظات تعداد آنها درداخل جمنازیوم بیشتر گردیده ودردندانه ها قرار می گرفتند.

درست ساعت ۴٫۳۵ دقیقه شخص موظف جمنازیوم عقب مکرفون قرار گرفته وسخنانی پیرامون فعالیت های جمنازیوم واین تورنمنت اظهار کرده وبعدا آواز موزیك بلند شد ، به تعقیب آن باآواز موزیك ازدروازهٔ سمت راست (شمالی) جمنازیوم بیر ق پوهنتون نمایان گردید که توسط ورزشکاری حمل می گردید ودرعقب بیرق دوورزشکار دیگر قرار گرفته بودند . (نشان پوهنتون بالای بیرق روی زینه بادنجانی قرار داشت) . این سه نفر از برابر تماشاچیان گذشتند وبه تعقیب آن یکدسته دختران که شامل ده ورزشکار بود، ازمقابل تماشاچیان گذشته ، سپس بالترتیب ورزشکاران پوهنځی ادبیات وعلوی بشری بابیرق زرد، پوهنځی اقتصاد بابیرق ارغوانی، ، پوهنځی انجنیری با بیرق نارنجی، انستیتوت پولی تخنیك بابیرق آبی پوهنځی فارمسی بابیرق زرد، پوهنځی حقوق بابیرق آبی تیره، پوهنځی سیانس با بیرق بادنجانی ، پوهنځی شرعیات بابیرق آبی ، پوهنځی طب بابیرق لیمویی، پوهنځی‌زراعت بابیرق سبز وپوهنځی وترنری با بیرق گلابی مراسم رسم گذشت راانجام دادند.

مراسم رسم گذشت با کف زدنهای تماشاچیان بدرقه‌گردیده واحساسات‌تماشاچیان زیادتر احساس می گردید .

بعدا رئیس پوهنتون ضمن بیانیهٔ پیرامون ورزش سخنرانی کرده واز اقدامات که‌ازطرف ریاست پوهنتون برای انکشاف بیشترسپورت درپوهنتون بعمل آمده است یادآوری کرد . واز تشکیل کمیتهٔ ورزشی که درآن روسا و استادان پوهنځی هاشمولیت دارند، تذکار داد .

سپس رئیس پوهنتون بانواختن سرود ملی وبرافراشتن بیرقهای ملی وپوهنتون تورنمنت خزانی ورزشکاران پوهنتون راافتتاح کرد .

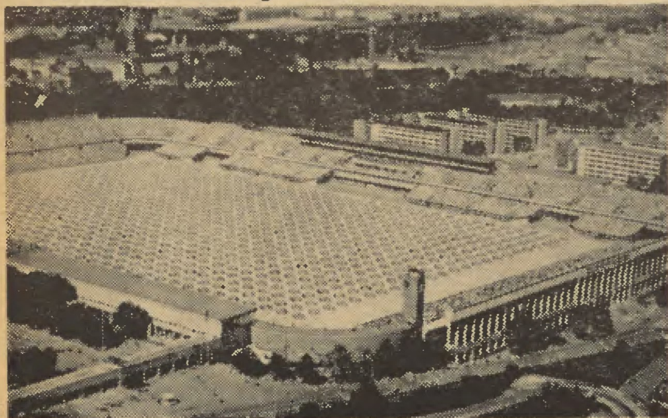
این مراسم تاساعت پنج عصر دوام نمود وبه تعقیب آن مسابقه دوستانه باسکتبال بین تیم های منتخب پوهنتون ومنتخبهٔ پوهنځی انجنیری صورت گرفت‌که مسابقه به نفع انجنیری پایان یافت .)

دغیور ترجمه

داتلتیکی لوبو تورنمنت

پداسی حال کی چه په آسیا یی راتلونکو لو بو کښی دزیا تو مډالونو د لاس ته وروړلو دپاره‌دبیلو بیلو آسیایی هیوادو دورزشکارانوله خوازیاتی‌هلی ځلی روانی دی ګورو، چه په‌پرمختیایی‌هیوادونو کی تر هر څه دمخه دفوټبال د جام او په اتلیتیکی لو بو کی دنوو مډا لو نود ګټلو په بر خه کی دورزشکا را نو ترمنځ یولړ مسابقی او تمر ینات دوام لری، له بلی خوا باید وویل شی چه دالمان داتحادی جمهوریت ورزشی ما هران هم چمتو شو یدی چه‌په راتلونکو اتلیتیکی‌لو بو کښی‌د زیاتو مډالونو دلاس ته راوړ لودپاره ددریمی نړی دهیوادو دورزشی ټولو او اتلیتیکی ځانګو سره مر سته او همکاری و کاندی .په‌اروپااو په‌تیره په ختیزو اروپایی هیوادونو کی د فوټبال دجام دپاره دچکوسلوا کیا په ګډون د مر کزی اروپا اودبالقان تمرینا تو دودی اوپرا ختیا دپاره‌هم غوره امکانات تر ګو توشی.

ددی دپاره چه‌لکه دآسیا یی‌لو بو په‌څیر دالمپیك دراتلونکو بین‌المللی لوبو دپاره منتخب ټیمو نه وټاکل‌شی د ۱۹۷۳ کال دشروع څخه راپدی خوا داروپاپه دواړو برخو کښی‌د فوټبال اوځغاستی په‌ګډون دیوزیات شمیر لوبو دسر ته رسولو دپاره‌نوی جمناز یمو نه اوسپورتی‌پرو ګرامو نه طرح شویدی .د ۱۹۷٤ کال په‌اوږدو کښی دبالقان او مر کزی ارو پاد ورزشی ځانګو څخه د رارسید لو نتیجو د په نظر کی نیو لوسره ددی امکان شته دی‌چه د میونیخ .د وروستیو بین‌المللی لو بوپه نسبت‌د ارو پایی هیوادو ورزشکاران دزیا تو مډالونو په لاس ته راوړلو بر یا لی شی.د ۱۹۷۵ کال داتلیتیکی لو بو دسر ته رسولو څخه وروسته‌د (شمالی بوهیمیا) ورزشکارانو ته


په ۱۹۷۵ کال کی داتلیتیکی‌لوبودعادی تمریناتو یوه ځنډه

دحوزی دبیلوبیلوهیوادونوترمنځ هلی ځلی روانی دی اودادی‌پدی وروستیو وختونو کی دچکوسلواکیا دورزشی لوبودفدراسیون له خوا(چه په‌عین حال کی ددغه هیواد دځوانانو ، د ورزشی چارو دتنظیم‌اوانسجام وظیفه هم په غاړه لری) تجویز نیول شوی دی چه د ۱۹۷۵ کال تر پا یه پوری دراتلونکو اتلیتیکی لو بو دپا ره دورزشکارانو دوه ټیمو نه چه دشلو او پنځه دیرشو کلونو په‌شاو خوا کی عمر ولری ترروزنی‌لاندی‌ونیسی ددغه کار څخه مرام او هدف دادی چه له یوی خواځوانو ورزشکا را نو ته دمډال‌اوبین‌المللی‌شهرت د ګټلو زمینه برابره شی او له بلی خواد ورزشی لوبو او بدنی‌روزنـــی د موقع ور کړه شی چه دمر کزی اروپا بیلوبیلوهیوادونو ته سفر وکړی‌او په مقدماتی ډول دخپلو نورو ارو پایی ملګرو سره په یولړ دوستا نه‌مسابقو لاس پوری کاندی .لکه چه دمسکو. څخه وروستیو رارسید لی راپوړونو ښودلی ده، ددی امکان شته دی چه‌د المپیك راتلونکی بین‌المللی لو بی په مسکو کی وشی .

په جاپان، مکسیکو، او میو نیخ کښی دوروستیو ورزشی لو بوڅخه داخبره هم ثابته شوه چه دنړی‌دبیلو بیلو هیوادو او په تیره‌دالمپیك‌د بین‌المللی فدراسیون‌دغړو هیوادونو ترمنځ ډول ډول کلتوری او فر هنګی تړونونه او تبادلوی تماسو نه به دواړو محلی او بین المللی ساحوکی دیر ارزښت اواهمیت لری.

کلپ آریانا

بوکسر ها بعوض غرور تواضع وبردهباری‌راسرمشق کارخودسازند. سازمان ووسایل عصری تا هنوزدردسترس بوکسر های ما قـــرار نگرفته .

صحبتی داریم بابناغلی غیاث الدین فخری آمرکلپ آریانا پیرامون ورزش بوکســـس در کشور .

بناغلی فخری که خو د از ورزشکـــاران سابقه دار کشور است کنون درکلپ آریانا که‌خود ازجمله‌کلپ های‌دارای عمرنسبتادرازی میباشد وظیفهٔ رهنمایی ورزشکاران را بعهده دارد .

بناغلی فخری درمورد کلپ آریانا چنیـــن گفت :

درسال ۱۳٤٥ کلپ آریانا ازطرف رئیس المپیك وقت افتتاح وبه‌عضویت دایمی المپیك پذیرفته شدکه تاکنون درجائیکه از طـــرف ریاست المپیك برای کلپ‌تدارك شده‌به‌تمرین خود دوام داده است . اعضای فعلی این‌کلپ بیشتر از ٤۰نفرمیباشند . ازابتدا تاکنـــون بیشتـــر از چـــار صد نفر بـــوکسر درایـــن کلپ تربیه شده وحالااکثرا خود استادهستند که هرگاه به دقت ملتفت شویم تمام ایـــن کلب هاازکلپ آریانا منشاء گرفته اند زیرا بعداز کلپ معارف کلپ بوکس آریانا یگـــانه کلب قلمداد شده **میتواند.**

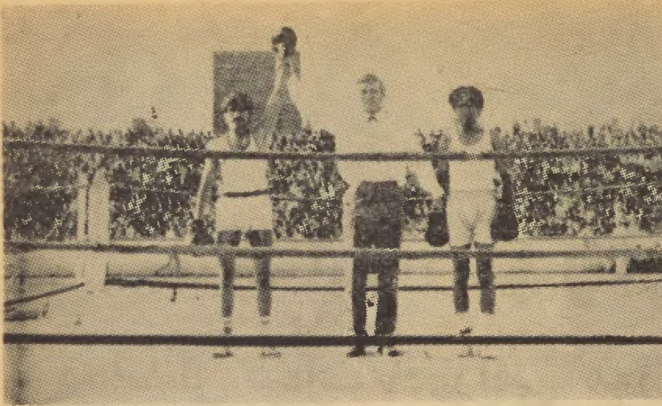
اعضای کلپ آریانا مسابقات زیادی انجام داده‌اند که ازجمله درمسابقات که در پولـــی تخنیك وادیتوریم **پوهنتون** که از طریـــــق کمیته پالندون بین‌کلپ های آریاناوپولیتخنیك واختری وغیره صورت گرفته بود کلپ آریانا اشتراك نموده بود که نتایج آن ۹۰ فیصد به نفع این کلپ بوده البته در مواقع مختلـــف این کلپ به گرفتن کپ ومدال از طرف‌المپیك نایل گردیده اند . همچنان درمسابقات سال کلپ معارف اشتراك ورزیده بودند بازهـــم درمسابقات اخیر که درغازی استدیوم‌دایـــر گردیده بود درحالیکه تمام کلپ های‌کابل‌به استثنای کلپ معارف اشتراك ورزیده‌بودند. کلپ بوکس آریانا مقام اول رانصیب گردید.

بناغلی فخری درمورد تاریخچه بوکس در افغانستان چنین گفت :

تاجائیکه جوانان سرزمین ما افغانستـــان عزیز دیده شده است همه وهمه در تمـــام امور استعداد خوبی دارند زیرا قدرت سپورتی ضربات خوب مقاومت درمقابل مشت هـــای سنگین حریف را بصورت خیلی خوب دارند البته هرگاه تمرینات شان بیشتر ومسابقـــات همیشه ازطرف مقامات صلاحیتدار صـــورت گیرد درزمینه تشویق شوند یقین کامل دارم که‌ازجوانان غیور وشجاع وطن‌ماچندین(کلی) ظاهر خواهد شد .

مسابقات اخیر را بناغلی فخری چنیـــن بررسی کرده واظهارداشت : طوریکه ازجریان مسابقات اخیر ازنزدیك تمام تماشاچیان دیدن کردند چنین نتیجه گرفتم که هرگاه همینطور مسابقات همیشه دایر شود بوکسر هاخـــوب تشویق شده وچهره های خوب سپورتی ظاهر میشوند خصوصا بناغلی غلام جیلانی استاد این کلپ باآنکه بعدازمدت چارسال دوری از رینگ که بخارج بود . چنانکه اکثرسپورتمین هااز جریان واقف هستند بدون تمر یـــن توانست حریف خویش بناغلی عزیز وکیلی رادردودقیقه اول وشروع روند دوم ناك اوت سازد. همچنان ازچهره های جدیدکه انـــرژی کافی داشته وآینده درخشانی نصیبش خواهد شد قراریکه مشاهده گردید از جمله تمـــام مسابقه دهندگان چهره سپورتی‌که خیلی‌خوب درخشید وتماشاچیان همه شاهد مسابقه اش بودند عبارت ازبناغلی شهاب الدین متعلـــم صنف دهم لیسه حبیبیه که هنوز خیلی‌جوان ودرست هژده سال دارد بایکی از بوکسرهای سابقه دار بناغلی عزیز عزیزی روبرو شده وبرنده گردیده دیده میشدکه بناغلی موصوف چطور باحریفش در داخل رینگ مشت هـــای برق آسا حواله وباحمله عالی وضوبات پیهم باتخنیك وتکتیك درست بوکس بطرف مقابل غلبه آورده بود. فکر میکنم که هرگاه ایـــن جوان تشویق شود درآینده یگانه بوکسر با قدرت وتوانایی کشور خواهد بود .

ازاینکه درجریان مسابقات اخیر ریاســـت المپیك از روش اساسی بین المللی تا جای استفاده نموده بودند کاری بس خوبی است وازشروع این مسابقات تقریبا پیش می رفت اما متاسفانه که ریفری های دوررینگ (جدج) های افغانی مابه سیستم جدید آشنایی کامل نداشته وتنها یك نفر متخصص هند وستانی بودکه راستی بناغلی موصوف خیلی خـــوب قضاوت میکرد وازطرفی چون به یکی ازبوکسر



ریفری پیروزی استاد بوکس کلپ آریانابابلند کردن دستش اعلان مینماید.



بناغلی غلام جیلانی مدال موفقیت را بعداز انجام مسابقه نصیب گردید.



همه روزه درکلپ آریانا جوانان به‌تمرینات بوکس می پردازند.

ترجمهٔ رشید پور

اساسات آموزش لغت

آیا اطفال کلمات مادر را می آموزند و یا این موهبت فطری است؟

شاید بزرگترین قدرت وتوانایی‌که انسان دراختیار دارد، توانایی ودست رسی به‌آموختن لغت وزبان مادر باشد، آموزشی که درخــلال سال های اول زندگی دست میدهد .

وقتی انسان حوادث وپیش آمد های مادی و محسوس را، برموز وافاده های لفظی‌ولغوی ترجمه میکند، موقع می یابد بساز امور و مسایل رادر ذهن وفکرش بچرخاند وسلــوك وروش هایی راکه اورادر انتقال بسوی جهان نامریی، کمك میکند، بخاطرش جابدهد.

دانشمندان علم النفس ولغت ازدیر باز، به آموزش این موهبت تلاش ومساعی بخرج داده‌اند، ولی این تلاش ایشان بی ثمر نماند وبالاخره باعلم جدیدی آشنا شدند که نامش را سایکولوژی لغوی، گذاشتند واکنون ماکه درصدد بحث ازین موضوع هستیم، بایستی قبل ازکنجکاوی وتحقیق درباره وپیش ازبحث پیرامون کیفیت وچگونگی آموزش لغت، ایــن سوالات رامطرح نماییم‌که : لغت ازچه بوجود می آید؟ وچگونه تشکل میکندوموجود میشود؟

ازنگاه ظاهر، لغات انسانی در حدود ونحوه های گوناگونی جلب نظر میکند ، ولی ایــن نظرتانظریك فرد سایکولوژیست لغوی،تفاوت مینماید بدین معنی که اوبدون اندیشه وتردد میداند که درمیان این لغات برخی از صفات وخصایص عامه تقسیم گردیده‌است، بنابران بحثی‌که حسب آتی دنبال میشود، هرچنــد مستند به آموزش جاری درلغت و زبــان انگلیسی است، ولی بدلیل آنکه مبادی عمومی برهمه‌السنه ولغات، قابل تطبیق‌میباشد، لذا بران می پردازیم :

مستوای تحلیل لغوی:

ازمیان خصوصیت های عامه ایکه در همه السنه ولغات انسانی، شایع است، وجود بنای اساسی لغوی، ووجود یك منظومهٔ بنایی است که متدرجا ازوحدات صوتی بسیط ، به‌وحدت پیچیدهٔ فکری، میرسد وانسانهادر زمینهٔ فهم ودرك کلام بیك سلسله دلالت ها واشارت‌ها، درمستوات هاوسویه های ازهم متفاوت، اعتماد واتکا مینمایند واز پهلوی این دلالت هااین تنظیم لغوی، پی می برندکه‌اکنون این‌موضوع رادر مستواهای فونولوژی، نحوی ودلالتــی، مورد بحث قرار میدهیم :

فونولوجی (علم وحدت صوتی):

درفونولوجی، وحدات اساسی صوتی کــه مجرای کلام راتشکیل میدهد، مورد اهتمام بیشتر قرار داده میشود، زیرا (فونیمه) یعنی وحدت صوتی اساسی یکی ازلغات، نوعی از اصواتی است که متکلمین یك لغت، بخاطر آنکه درآن برخی ازصفات ممیزه نسبت بسایر لغات موجود است، آنرا بر تــری وامتیاز میدهند ودرحقیقت، این صفات ممیزه، یك‌لغت رااز دیگر لغت، جدا ومجزا میسازد .

چنانچه صوت، درحرف (س) غیر صوتــی است در حرف (ث) وحرف (ص) ودر عیــن زمان، این موضوع باثبات رسیده که انسان نمیتواند بدون ازفرق میان وحدات صوتی ، به فهم ودرك لغت کلام، موفق‌گردد ودرحقیقت فهم لغت مشروط است به برقراری تمیــزو جدایی میان وحدات صوتی، وکودکان واطفال نیز درپیشرفت خویش بسوی نموی تدریجی مطابق بهمین قاعده وفورمول، گامهای تدریجی به پیش برمیدارندکه تجارب نمو ورشدایشان این حقیقت راروشن ساخته است .

مستوای نحوی ود لا لتی:

درمستوای نحوی، درمیان تشکیل کلمه و حرکات واعراب آن، تفریق بعمل می آیــد واین ازآن جداساخته میشود، درلغت‌انگلیسی وحدات صوتی باهم ترکیب می یابد ووحدات کلامی (مورفیم) بیك صد هزار بالغ میگردد. وحدت کلامی که عبارت ازخورد ترین وحدت کلام معنی دار است، گاهی یك‌کلمه راتشکیل میدهد وگاهی نمیتواند کلمه رابسازد، چنانچه می بینیم کلمهٔ (حب) یعنی محبت، یك‌وحدت کلامی است، اماکلمهٔ (حبی) یعنی محبت من، دووحدت کلامی راتشکیل میدهد، به طوری‌که ازکلمهٔ (حب) وحرف (ی) نسبتی، بوجــود می آید .

کلمه عبارت ازیك تنظیم اساسی است که ازحروف (بصری) ویا اصوات (سمعی) بوجود می آید ودرعین زمان ، پخش عمومی اشیاء ، حوادث وفعالیت هاوغیره رادر خود تمثیــل مینماید. بعضا کلمات، برچیز معین وخاصی دلالت میکند از قبیل کلمه انسان در حالیکه قسمت اعظم کلمات، بریك بخش وسیع‌اشیاء دلالت مینماید وبرای مثال ازکلمهٔ (قــرد) نام می بریم که شامل معانی متعددی میباشد.

کلمات، مطابق به قواعد واصول نحوی،در جمله ها وعبارات، بطور وسیع تری تجمــع میکند واین قواعد، چگونگی اتصال وپیونــد یك کلمه راباکلمهٔ دیگر ونظم وترتیب آن را حدبلندی وتنظیم مینماید تابدین وسیله جملهٔ مفیدی تشکل کند وبوجود آید .

یکی ازدانشمندان‌این رشته، درسال ۱۹۷۵ سنجیده بودکه عنصر اساسی عبارت ازجملهٔ ایجابی بسیط است ونیز این جملهٔ اساسی بسیط ، مطابق به قواعد وفورمول های نحوی اشکال متعددی رابخود میگیرد ، چنانچه‌جملهٔ (احمدخورد)رامیتوان بحیث‌مثالی‌ازجملهٔ اساسی بسیط ، متذکر شد وهم ممکن است این‌جمله راباتغییری اندك درین اشکال بخوانیم که : خورداحمد، احمد نمیخورد، احمد بسیار خورد ویااینکه : احمد نخورد، وامثال اینها .

قواعد اساسی، طبعا ازیك لغت تالغت دیگر متفاوت میشود وهم این قواعد وتغییرات آن دربرابر همه لغات ، یك نسبت عمومی وبدون ازامتیاز دارد .

بعضا حوادث ورویداد های لغوی، معنی‌دار میباشد ولی برخی ازآن فاقد معنی بوده‌معنایی درآن سراغ نمیشود وآموزش معانی لغات را بنام (علم دلالات الفاظ Sewatics) یاد میکنند .

بعضی ازکلمات ویا مجموعه ای از کلمات، معنی دار میباشند، زیراتوسط آن صورت های معینه، مستحضر میگردد، وبرخی دیگر کلمات آن معنی رادارند که بطور مصطلح درآن جــا داده شده وشکل اصطلاح رابخود گرفته است وبلکه برخی ازکلمات وهم مجمــوعه ای از کلمات وجود داردکه معانی آنرا از خــلال ارتباطات وپیوند های عاطفی ویاعقلی آ ن ، میتوان درك نمود .

همچنان درك معنی کلمه، وابسته به سیاق وراندش آن، وهم وابسته به لهجه وطــرز ادایی میباشدکه درالفاظ صورت می گیــرد. برای مثال، برخی ازکلمات معانی متعددی را افاده میکند وهرگاه در استعمال اینگونه‌کلمات سیاق تلفظ ولهجه گفتار وادا، بخوبی مراعات نگردد، مخاطب نمیتواند معنی خاصی راکــه متکلم ازمیان مدلولات متعددکلمه، درنظردارد، درك‌کند وهکذا جملهٔ (صبح شماخوش)گاه‌گاهی بالهجه خاصش، دربرابروظیفه داری‌که ناوقت سرکارش حاضر شود، معنی توبیخ وسرزنش رامیرساند .

واقعیت سایکولوژی تحلیل‌لغوی:

آیااین وحدات ومستویات وقواعد، حامــل واقعیت سایکولوژی ، برای متکلم وسامــع خواهد بود؟ وآیا خواهد توانست یك واقعیت سایکولوژی را بالفعل، نسبت به گوینده و شنونده بازگو نماید ؟

علمای سایکولوژی لغت، برای جوایگویی باین سوال، به تغییر دادن یك عنصر لغوی واحد ، دست زدند وبعد، نتیجه واثرآن را بروی تجربه، تحت ملاحظه ودقت قراردادند.

فونولو جی (علم اصوات کلامی):

آنها ییکه درمستوای فونولوجی، به بحث وتحقیق، دست زدند، موفق شدندتاخصوصیت های مادی صوتی رادر داخل حدودی معیــن، قیدکنند ودرك وفهم آنرا نیز ممکن ومیسر سازند، وهم دریافتند که برخی از اشکــال جسدی‌که باهم تشابه کامل دارند، بماننــد وحدات صوتی ازهم متفــاوت، درك میشود ، چنانچه این موضوع درنسبت Da و Ga بخوبی صدق میکند، درحالیکه اینجا وحــدات دیگری نیز وجود داردکه بتمام معنی ازهــم متفاوت قرار دارند، چنانچه درنسبت بیــن Di ور Du این واقعیت، بمشاهده میرسد .

حقیقت مسلم عبارت ازعدم وجود شکــل جسدی واحدی است‌که باادراك هر وحــدت صوتی، موازی وهمگام پیش میرود که ایــن وحدت صوتی رابرای مثال در حــرف (دی) می یابیم ، این دانشمندان آنچه راکه مایهٔ حیرت‌وتعجب‌میدانند موضوع‌کیفیت‌تشخیص‌دادن شنونده است وحدت صوتی واحد رااز‌مجرای کلام .

علم وحدت کلامی Morphewics

درلغت انگلیسی، وحدت‌کلامی درجمع نمود ن باشکال سه‌گانه میباشد واین نیز بحســب وحدت صوتی اخیر اسم، صورت می گیــرد بطوریکه حرف (اس) در پهلوی یك کلمه‌مثل

Trick وهمچنان حرف (زید) (z) باکلمه ای مثل Brid و نیز حرف zi بایکی‌از کلمه هااز قبیل کلمـــهٔ Gloss افزوده میشود .

ودرعین حال، میتوان قواعد د قیقی بـرای استعمال هرصیفه درحالات معینه، تعیین نمود ولکن باید پرسیدکه آیا آنهاییکه بزبان‌ولغت انگلیسی حرف میزنند، این قواعد راشناخته اند؟ ویامی شناسند ؟

به اساس تجاربی که (بورکو) در ســـال ۱۹۵۸ بر یکعده اطفال وحتی آنهاییکه تازه شامل صنوف ابتدایی مکتب بودند، انجام‌داد، این مطلب واضح گردید که اطفال ومخصوصا شاگردان صنف اول ابتدایی، به تفریق حالات معینه صیغه ، توانایی دارند .

واین نکته نیزدرخور توجه ویاد آوری‌است



که«بورگو» اسمای فاقد معنی رادرتجربه‌خود مورد استعمال قرار داده بود وهرگاه کلمات معنی داری از قبیل Brid و Trick رااستعمال میکرد،درآنصورت، سوال بدینگونه مطرح میگردیدکه : آیااطفال قواعد رامی‌فهمند ویاآنرا باساس‌سمع‌وشنیدن، تطبیق مینمایند؟ وعلاوتا تاآنچه بنام (شناخت قاعدهٔ کـــلامی) یادمیشود عبارت از داشتن قدرت وتوانایی . در استعمال آن قاعده به شکل صحیح‌آن‌نیست وبدین طریق، تجربه دلالت واضح داردبراینکه اطفال، این قاعده رامی شناسند، زیراایشان این قاعده رادر مواضع وموقف های جدیدش، تطبیق نموده اند .

تفسیر آموزش لغات :

بقیه درصفحه ٤٨

نویسنده : نورمان. م. بوبسنس

ترجمه :صدری

حسادت

دیگر حسادت بحیث یك عقده روانی جایی برای خودباقی نگذا شته است . علمـــای روانشناسی درین مورد چنین ابرازنظرمیکنند: امروز دردنیای غرب آزادی های اجتماعی اینه احساسات مردم آنسامان رامکدر ساخته ودرمعاشرت بین زن ومرد بی بندو باری هایی رارونما گردانیده ا ست . چـو ن احساس حسادت درگذشته ازجمله عکس العمل هـای ساده وخوش آیند وبخشودنی بشمار میرفت امروز قدیمی شده ودرشرف از بین رفتـــن است .

یکی از علمای اجتماعی بنام رابرت بلود نداشتن حسادت سلیم را ضایعه پنداشتـــه میگوید: که از آوان آزادی ومساوات بین زن ومرد، حسادت در بین مردم روبه زدوده شدن است . رابرت بلود راعقیده برآنستکه باید باحسادت های بیجاوبی مورد مجادله شـــود وازتبارز منفی این احساس جلوگیری بعمل آید .

چندی قبل مصاحبهٔ بایکتعداد کثیر مردم اعم ازجوانان وکهن سالان صورت گرفت کـه صحبت ها تنها درمورد حسادت بین زن ومرد ودلداده هانبوده بلکه حسادت بین اعضـــای فامیل، دوستان، همقطاران ورفقای که باهــم آمیزش همیشگی دا رند مورد مطالعه قرارداده شد. بعضی ازجوانان اصلا به جواب سوالات نمی پرداختند زیرافکر میکردندکه بالای همچو یك موضوع قدیمی حرف زدن زاید بـــوده وپسمانی روحی شخص شانرا نشان میدهد .

یکعده مصاحبه کنندگان حسادت را تاییدنموده ازموجودیـت ولـزو مش پشتیبانـی کـرده ضرورتش رابرای اجتماع مـفید میخواندنـد ومیگفتند که حسادت زادهٔ تمایلات انسانـی ودوستی وعلاقمندیست.

علما نظریه طرفداران حسادت راتایید کرده ومیکویند : اگر همچو احساسات ازبین برود موثریت بیشتر خواهد داشت . زیرا حسادت سلیم جزو تمایلات انسانی بوده وفقدان آن خالیگاه روانی بوجود می آورد .

طی مصاحبه ایکه بایك معلم جوان بعمل آمد. موصوف حسادت راچنین توضیح نمود کـــه موجودیت حسادت دوستی وتمایلات را تثبیت وتایید میکند وبین انسانها فضای صمیمـی ترایجاد می نماید . البته عکس العمل هـای شدیدیکه باعث ازبین رفتن دوستی ها شود جائز نیست . احساسات باید طوری رهنمایی گردد که باعث ایجاد بدبینی هـــا نشود .

دانشمندان روحیات این نظر را تاییـد میکنند وبه اشخاصیکه حسادت را عتیقه و قدیمـــی میدانند توصیه میکنند که روان آنها سالـم نیست زیرا حسادت ازتمایلات ودوستی عمیق بین انسانهاسرچشمه میگیرداگراین احساس درانسانها موجودنباشد قابل تشویش است .

بعضی ازعلمامیگویندکه حسادت وقتی بروز میکند که عقده پیداشود در آنصورت انسانها مجبورند که عکس العمل های خودرا باتعمق تحلیل و ارزیابی نمایند لهذا باید موضوع حسادت بیطرفانه وبدون قضاوت قبلی مـورد مطالعه قرار گیردوکوشش شود تامنبع ومنشاء حسادت تثبیت گردد. وجوانب منفی ومثبـت آن ارزیابی شود .

یکی‌ازعلمای روانشناسی میگویدکه احساس حسادت بطور عموم زاده تخیلات انسانی است وزیمپتوم عکس العمل افکار خود انسان بوده سرچشمه آن در «من» خود انسان نهفته‌است ونمایانگر توقعات شخص حسو د از دیگران میباشد .

چنانچه احساس یکدرد جسمی زادهٔ مریضی یك عضو بدن است حسادت هم زادهٔ یـــك پرابلم وعقدهٔ روانی میباشد برای توضیـــح بیشتر این مفکـــوره سرگذشت یکـــی از مصاحبه کنندگان رابطور مثال می آوریم :

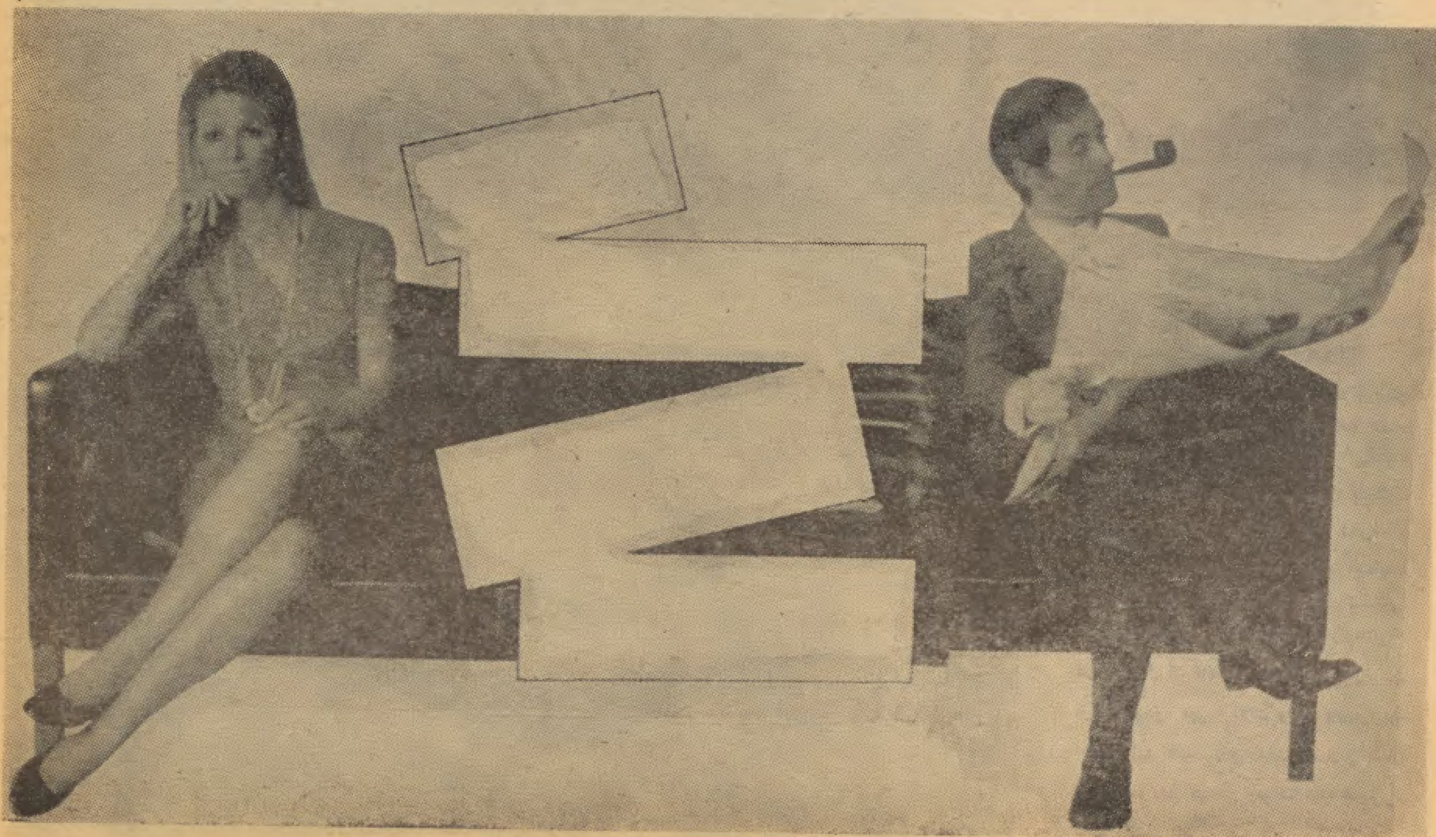
یك خانم ۲۳ ساله بنام لیندا بر شوهر خودخیلی حسودبود. شوهر لیندا وکیل دعوی بوده ودردفترش چندین سکرتر کار می کرد که یکی ازآنها کاتی نام داشت وعروســـی نکرده بود .

چون کاتی درامور دفترداری خیلی استعداد داشت شوهر لیندا گاه‌گاهی ازاویاد می کرد وتعریفش رامینمود تابالاخره مفکوره حسادت درلیندا ایجاد شده وباعث مشکلات روانی وی گردید .

بالاخره دریك دعوت لیندا وکاتی باهـــم مواجه شدند . ومعلوم میشودکه شوهر لیندا اصلا به زنانی مثل کاتی وامثالش علاقه مند بوده نمی تواند. لیندابی طرفانه بالای‌موضوع فکرمیکند ونقص رادر وجود خود جستجـــو مینماید.

چون استعداد وذکاوت کاتی از طرف‌شوهر لیندا دوباره تایید میشود شوهر لیندا تعجب میکندکه خانمش تمایلات پاك وی را غلـــط

بقیه در صفحه ۵۹





منظره ازکشتن فیل بخاطر بدست آوردن پول

بقیه شماره گذشته

ترجمه: رهپو

درزیر آبهای آرام

در کینیا توفان دگرگونـــی هـــادر خروش است

طی دو هفته در بهار گذشته دو حادثه ظاهرا بهم نامربوط در کینیا بوقوع پیوست.

بتاریخ ۲۵- اپریل روزنامه های گاردین و فاینشل تایمز نوشتند که کمپنی انچك دارایی خودرا در نایروبی بفروش رساند .

بتاریخ ٥می در نایروبی جلسه پرتشویشی ازمقامات رسمی که امور اداره پارك های ملی که شهرت بین المللی دارد، تشکیل شد .

این دوواقعه ظاهرابهم ارتباط ندارد ولی همین دو، جریان دست یافتن جموکینیاتارا برثروت کشور مسجل کرد.

کمپنی انچك یکی از بزرگترین کمپنی های سوداگری در شرق افریقاست . دارایی آنرا خانواده کینیاتا چون ادی گیکاکا، نگنگی ویتر مویگای کینیا تا خریدند.

این کمپنی درازای میلیونهاپوندخریده‌شد.



مامانگینه زن‌چهارم کینیا که بـه‌ثروت‌بیکرانی دست دارد

به این ترتیب این خانواده برغول تجـارت کینیا دست یافتند .

جلسه مقامات پارك ملی دربرابر یك‌پول پرداخت نشده قرار گرفتند . پارك های کینیا بیش از ٤٠ تا٥٠ هزار فیل دارد . هنگامیکه فیل هامیمیرند مقامات پارك های ملی عـاج آنرافروخته واین یك منبع عظیم درآمد رابرای اداره پارك هامی سازد .

مشکل ناشی ازآن بودکه مامانگینه‌کینیاتا، زن کینیا تا مبلغ ۱۱۰ هزار پوند عاج‌خریده وپول آنرا نپرداخته بود .

کینیا چهار منبع درآمد دارد. که عبـارت اززمین ، سیاحت، تجارت وفروش حیوانـات وحشی است .

در هرکدام این رشته عواید، عضوی از خانواده کینیاتا با استفاده از نفوذ دولتـــی سلطه قدرتمندی داشته وبزرگترین سندیکای سوداگری افریقای شرقی رابدست دارند .

بتاریخ ۱۹ مارچ ۱۹۷٤ کینیاتا سا حـــه ۱۳۳٦ اکر زمین رادر نایروبی خرید .

٤ ماه بعدتر ۳٦٠٤۷ اکر دیگر در ایالت کیامبو واقع شمال نایروبی به آن اضافـــه شد .

همچنان اینان در تجارت سنگ های قیمتی وگرانبها نفوذ زیاددارند. هنگامیکه جان‌ساول ودیگر زمین شناسان امریکایی معدن بزرگ یاقوت را درکینیا کشف کردند. نگینه‌به‌آن علاقمند شد ومی خواست ٥١ فیصد در آن سهم داشته باشند ساول این پیشنهاد رادرد کرد واورا در ظرف ۲٤ ساعت از خاك کینیا بیرون کشیدند .

کینیاتا ٤ بار ازدواج کرد. باراول دختری ازقبیله اش رابنام گراواهو بزنی گـرفت . این زن برایش دوطفل بنام های میوگـانی و مارگرتا که هردواکنون خیلی ثروتمند انـد بدنیا آورد .

زن دومش گراس ادنا یك دختر انگلیسی است‌که درزمان ماگانا پسر این زن بیشتر عمر خودرا در انگلستان بسر می برد .

ازدواج سومش هنگام باز گشتش به کینیا روی دادکه طی آن دختر یکی از روسای‌قبایل متنفذ رابزنی گرفت .

ازدواج چهار مش که در هنگام پیری‌صورت گرفت نگینه نام داردکه امروزبه آن درجـه ثروتی دست یافته که وضع ثبات سیاسـی حکومت شوهرش رابخاطر انداخته اسـت . این زن درظرف ده سال به چنان ثروتی دست یافت‌که باور کردنی نیست .

این زن برتمام شبکه تجارت و سیاحـت کینیادست دارد. طی امسال بیش از۲٦میلیون پوند ازراه آمدن سیاحان بدست آورد. این کار بسیاری مواقع زیرپرده نام کمپنی ها ی خارج مستور می گردد .

همچنان قمارخانه های بزرگ بدست این



مارگر کینیا تا د ختر کینیاتا تجارت‌عاج‌را اداره میکند.

خانواده زیرنام های خارجی می باشد کـه بزرگترین آن کارنیئودو پرادیس نام دارد .

همچنان صنایع تهیه وتورید فلم بدست این خانواده می باشد .

یگانه موسسه‌ای که بادقت هرچه بیشتـر وضع کینیا یارا بررسی می کنـــد موسسه بین المللی کار، شعبه ای ازموسسه ملل‌متحد می باشد. در گزارش که این موسسه درسال ۱۹۷۲ به‌نشر سپرد گفته میشود که‌خلاء بین گروه نخبه در کینیا ومردم هـرروز بیش از پیش ژرفتر می‌گردد. یك روزنامه مربوط به کلیسا در کینیا نوشت که :

(باوجود پیشرفت های چشم گیر، زندگی مردم فقیر در شهروده بدتر شده وگـروه کوچکی برتمام ثروت کینیا چنگ انداخته اند) به این ترتیب نمی توان انتظار ثبات بیشتر را داشت .

بتاریخ ۸ـاپریل امسال طیاره جت‌بوئنگ ۷٠۷ که عاج بیش از ۲٦٠ فیل را بارداشت ازمیدان هوایی نایروبی علی الرغم اینکـه صدور عاج بخارج منع است، پرواز کـرد . این عاج مبلغ ٥٠ هزار پوند ارزش دارد و

شعر...

دریادل

دور از تو هرشب تاسحر، گریان‌چو شمع محفلم
تا خودچه‌با شد حاصلی ، از گریه‌بی‌حاصلم
* * *
چون سایه دور از رو ی تو،افتاده‌ام در کوۀ تو
چشم امیدم‌سو ی تو ، وای از امید با طلم
* * *
ازبسکه با جان و دلم، ای جـان‌ودل آمیختی
چونهگت‌از آغوش گل، بوی توخیزد از گلم
* * *
لبریز اشکم جام کو ، آن آب‌آتش‌فام کـو
و آن‌مایه‌آرام کو ، تا چاره سازد مشکلـم
* * *
در کار عشقم یار دل ، آگا هم ازاسرار دل
غافل نیم‌از کار دل ، و زکارد نیا غـا فلـم
* * *
در عشق و مستی داده ام ، بودونبود خویشتن
ای ساقی‌مستان بگو ، دیوانه ام یا عا قلـم
* * *
چون اشك میلر زد دلم از موج گیسوی، رهی
با آنکـه‌در طوفان غم ، دریا دلم دریا دلم

ناکام

ازخرمن گل عطر ترا وام گرفتم — گلبوسه یی از آن لب گلفـام گرفتم
دیوانه و توفان زده ای ساحل امید — چون موج، در آغوش تو آرام گرفتم
سر گشته تراز باد صبا بودم وچندی — درسایه عشق تو سر انجـام گرفتم
خوشبوی ترا ز یاس وگل یاسمنم تا — پروانه صفت از لـب تو کـام گرفتم
دور از تو مپندار کـه هشیار نشینم — بایاد تو از دست غمـت جـام گرفتم
ای وحشی ازدام‌گریزان بچه افسون — من راه توبی دانه وبی دام گـرفتم
با آنهمه آزادگـی وسر کشی آخـر — داد دلی از گـردش ایـام گـرفتم
از(بدن)گذشت وسرت ایدوست سلامت
من دامـن از توبه تـاکـام گـرفتم

از: ترویج

از نهایت تاریکی

ای با امید آمدنت سر سبز
باغ نگاه زرد پرستو ها
از چاه
ازنهایت تاریکی
بیرون ای
ـ باگونه ای فراخور خورشید صبحگاه ـ
درد سیاه چشم رسولان را
ـ در لحظه های تلخ ،
در انتظار جاری ـ
باسرمه ای به روشنی (نیل)
میل سپید نقطه پایان کش
نـاصرامیری

لرغونی ادب

دعشق‌اور

شولی دوه سترگی می ستاپه‌لور خلوراوس
خکه سر تندی وهم گریم په شور اوس
ودی تـرزی مدام ستا په درکـی پروت یم
یو وار نه شوم یاره ستاپه مینه موراوس
همیشه داستا په لـوری منتـظر یـم
که ته راشی تور اوربل په ویخو خپو اوس
ستاله لوری ډیر پرظلمونه‌په ماخواردی
ودی سومه بی گناه د عشق په اور اوس
که په کم گفتار د زړه را ځینی بـد وی
په ویلیـو توب نـه وایـم نـور اوس
واړه عمومـی تبـاه شه ستا په غم کـی
ځکه ژاړم په نارو گریم پـه شور اوس
زه احمد ستا به ماتم کی اوس حتمـه
سینه سوی تشنه لـب گـریم په شوراوس
احمد ځبران

اوسنی ادب

عینه

مینه خه د ه مینه اور دی
د مین په زړه کی شــور دی

مینه ژوند بخښی انسان ته
پورته بیا یی یی آسمان تـه

مینه خومره ښه مفهــوم دی
چی خوښی بخښی جهــان ته
مین هر چا ســره ورور دی
د مین په زړه کــی شور دی

مین ښه دی چی صــادق وی
محبــو بــا لــره واســق وی
که دانه وی خــوشی زور دی
د مین په زړه کــی شور دی

چی مین خــوك په وطـن وی
ورتــه گــران له ځان مسکن وی
سر و مالــه ځنی تیــر و ی
نور خه نه دی بس عاشق وی
نور خــه نه وینی په ستر گــو

سپیده عشق

آسمان همچو صفحه دل من
روشن از جلوه های مهتابست
امشب از خواب خوش گریزانم
که خیال تو خوشتر از خوابست

• • •

خیره بر سایه های وحشی بید
میخزم در سکوت بستر خویش
باز دنبال نغمه ای دلخواه
مینهم سر بروی دفتر خویش

• • •

تن صدها ترانه میرقصد
در بلور ظریف آوایم
لذتی ناشناس ورویا رنگ
میدود همچو خون برگهایم

• • •

آه گوئی زدخمهٔ دل من
روح شبگرد مه گذر کرده
یانسیمی درین ره متروك
دامن از عطر یاس ترکرده

• • •

برلبم شعله های بوسه تو
میشگوفد چو لاله گرم نیاز
در خیالم ستاره پر نور
میدرخشد میان هاله راز

• • •

ناشناس درون سینه من
پنجه بر چنگ ورود میساید
همره نغمه های موزونش
گوئیا بوی عود میاید

• • •

آه ، باور نمیکنم که مرا
باتو پیوستنی چنین باشد
نگه آندو چشم شور افگن
سوی من گرم ودلنشین باشد

• • •

بیگمان ز آن جهان رویایی
زهره برمن فگنده دیده عشق
مینویسم بروی دفتر خویش
«جاودان باشی ، ای سپیده عشق»

رسواتراز من

ای در طریق عاشقی شیدا تــرازمن
شعرلطیف سا ده‌ات زیبا تر از مــــن
در عشق شورا نگیز، من رسوای‌شهرم
اماتویی ای نازنین رسوا تر از مــــن
چشم هو سبار تو گــو یــد رازمستی
لعــل‌لب جانپرور ت گو یا تر از مــــن
خواندم بشوق وصل شعر د ل‌نوازت
گفتی‌که تنها یی‌تو وتنها تر از مــــن
گر را ست میگو یی قدم بــرچشم مانه
بگذاریارا یله ای با لا تــر از مــــن
آغو ش بگشا لعل شیر یــــن‌بر لبم نه
درعشق‌اگر با شی توبی پر وا تر از مــن
در بستری پنها ن شو یم از چشم‌اغیار
لکن‌تو گردی محو ونا پیدا تر از مــن

دا یشیا افتخار

ای زموږ ښکلیه وطنه !
ای دلوی افغان مسکنه !

• • •

ته ځانګو دمیړ نویی !
ته ټا بوبی دزمرو یی !
روز نځای دتوریالویی !
دمیرویس ، احمد مدفنه
ای زموږ ښکلیه وطنه !

• • •

هځو بونه دی پاللی
تاریخونه دی جوړ کړی
غلیمان دی خپل دتلی
ای دلوی عظمت خښتنه !
ای زموږ ښکلیه وطنه !

• • •

تابه ستایو ، تابه پالوزموږ ځانه
افتخار داشیایی زموږ گران افغانستانه
ترخپل مال وسر به تیر شونه له تانه
په سر ووینو به دی ساتوزموږ ته !
ای زموږ ښکلیه وطنه !
ای دلوی افغان مسکنه !

(شثین)

دویمه برخه

دالف، الف ژباړه

ځوچه‌خس ټول کړو

مسیحي خور ماري ترزدخپلوهغو خاطروپه ترځ کې‌چه د۱۹٦۷ کال ل دجون دمیاشتې په‌نهمه پــوري اړه لري، بیا لیکي: «موږ جنازې په یوه کراچۍ کې‌هدیرې ته‌لیږدوو او کلــه چه‌د هدیرې درشل ته رسیږو نــود لاریو یوکاروان مومخې ته راځي چه چه‌موشې دایان او لویې اشکو ل او نور اسراییلي مشران پکې نـاست دي.

زه‌د هغو جنازو له مخه څـادر لري کوم چه‌په کراچۍ کې‌پرتې دي اوپه ښځو او ماشومانو پوري‌اړه‌لري په‌همدې شیبه کې یو اسراییلــي سپاهي چه ماشیندار ور سره دی‌په ماباندې برید کوي اوچیغه کوي:«په جنازو او مړو باندې څادر بیر تـه وغوړوه.»

زه بیرته په‌جنازو باندې څـادر غوړوم. ددې دپاره‌نه چه دعسکر امر مې‌په ځای کړی وي. بلکه دجنا زود درناوي اواحترام دپاره .اوددغه غږ، حیره او دوبنا طرزؤ د۱۹٤۰ کلو نو ته‌بیا ورکاږي.»

ماري ترز په خپلو هغو خاطروکې چه‌د ۱۹٦۷ کال دجون په ۱۵ پوري اړه لري لیکي! «موږ ته خیر مــه اسرا ییلي سپایان لکه ځنګه چــه څرګنده ده، دشاو خوا کلیو دبــزر ګرا نــو دویر ولــو اوتر ړو لودپاره هوایي ډزې کوي. موږ خبریو چه‌په سل ګونو کورنی له‌اور شیلم څخه بهرته شړلي شویدي .آیا باید موږ دخپلو عینې کتنو ریوټ اسرا ییلي مقاماتو ته ولیږو؟ نباېي چه موږ په رسمي او متعارفه توګه عمل وکــړو اولومړي مو ریوټ اسرا ییلیا نو ته ورکړ. دمسیحي پلار «پــو ل اود اسراییلو دلوی درستیز ټر منځــه دیوی کتنې زمینه برا بره شویده.

رابین وایي «هغــه څه چــه پــه ربښتیا سره اهمیت لري، په جګړه کې بری دی». لکه ځنګه چه څر ګنده ده، هغه په جګړه کې په بری باندې باوري و.خو سوله یې بایلو ده. زما بام شو چه‌هغه له هغوپیښنو څخه چه‌چار چاپیره پیښیږي بیخي خبردي خودا انتظار یې نه در لودچه موږدې په ټولو خبرو باندې پــوه شو».

د۱۹٦۷ کال دجولای دلو مــړي ورځې په خاطرو کې لیکي:

د «عقیلیه کلي بشپړ ورا نشوی دی. موږ وینو چه په منظمه تو ګـه داسرا ییلیانو له‌خوا بمباري شوی دی.

خود دغه کلي دشپاړ س زروپنځه سوه تنو استو ګنو څخه یې یوازې اوه‌زره تنه بیرته راستانه شول.

پداسې حال کې چه شپاړ س‌زرو پنځه سوه تنو دغه کلي پر یښي‌و.

پرون موږ ته ټلفون وشو اودهغه په‌ترځ کې‌یې موږ ته ویل!«ستا سو له‌ریوټ څخه تشکر په عقیلیې کښې ټول ورانو ونکی عملیات بندشویدی ورانی او تخریب بند شوی وخــو هغه خلك چه بیرته را ستانه شول پرته له کنډوالو څخه یې‌بل څه ونه لیدل. داوحشت اووحشیګـری‌ده..»

هغه بیا د۱۹٦۷ کال دجولای د دویمې ورځې په خاطرو کې وایــي: «وروسته تردې چه‌ما هغه ماشومان چه‌د بمونو په وسیله ټوټې ټوټــې شوي او وژل شوی و، ولیدل،اوس ماشو مان اونارینه خپلو کنډ والو ته هك حیران پاتې دي داور شیلــم زړې او له خاطرو څخه ډکــې ډبرې تردې وروسته ماته هیڅ رنګـــ او مفهوم نلري .

نه هن دعسیې هدیره اونه‌دیوال اونه هغه جو مات ...

زه یوازې په هغه ډار او وحشت باندې فکر کوم چه‌په ټولو با نــدې حکم چلوی اود ټولو غو نی سیــخ شویدي .

زه دبنیا دمانو په مرګ با ندې فکر کوم بې‌لدې چه‌فکر وکړم هغوی څوك دي. اوس اوس موږ دلته دهغه څه شاهد یو چه اسرا ییلي مقامات نه غواړي موږ یې وویــنو یعنــي، دړې عربي کلي چه‌دهوس په أساس اوپخپل‌سرپه دینا میتو باندې وران شویدي .اود اسرا ییلي ټانکو نو تر څنځیرې او ځیرو ارابو لاندې پـــه ارت میدان باندې بدل شویدي .

او یوځې تراکتورونه چه بیره لري دغه عربي خاوري دخپلو پخوا نیــو یولو څخه پنځلس کیلو متره، ورــ یوري ونیسي اوویې کري او پــــه اسراییلي کروندو کې یې ګډې کړي ښاغلي مایکل آدامسن په خپلــي مقالي کې چه عنوان یې دی: «پــه عربي آواره ګانو باندې دزور اوستم حکومت» اوپه ګاردین کې خپــره شویده لیکي :«ماځلور کاله په آلمان کې‌دیوه یوځي بندې په تو ګه تیر کړیدي .او دبری عسکی ټیمې مــی لید لی‌دی، خو آلما نانو لــــه مـــا سره په دومره وحشت اوزور زیاتی سره روغبړ ونکړ لکه‌چه اسراییلیان یې دغزې دکمر بند له عربو سره‌چه اکثریت یې ماشومان او ښځې دی، کوی.»

باید ددویمې جهاني جګړې‌نورو بندیانو ته‌هم یوه کتنه وکړو. نازي رژیم دچهـــــو نیستــو مشــرا نو سره لکه، وایزمان، ن، ګلدمن، بن‌ــ ګوریون ګلدا مایر او لویې اشکو ل سره .په دومره وحشت او ځیروالي سره روغبړ ونکړ. با لعکس دغــو مشرانو په لندن کې دخپلو هستوــ ګنځایو څخه له نازي مشرا نو سره په‌مینه مینه تما سونه برکرا رول. دغو څوتنو مشرانو اونورو بیا بیاپه ټینګار سره له ښاغلي چرچیل څخه غوښتل چه دختیځ په محاذ کـــي د دهیتلر داړ تیا وړ لس زره لار یـــو په پو ره کو لوکې دهغه مرستـــه کړي.

صهیو نیزم ټولو هغو لارو ته چه دنازیو له‌خوا پکار وړلي کیدلې لاس واچاوه. دجنایت او ترور ټولوهغو غیر انساني شیوو ته‌چه فا شیزم داستفادې وړ ګرځولي .اونن دګـاز دخونو او کوټو ځای ناپالم نیو لــی دی.

هغه څه چه پدې کو چنی جز وه کې‌یې ریوټ ورکړی شو یدی یــو شمیر جنایتو نه‌دي چه صهیونیستي استعمار یې په فلسطین کې کوی‌او دا لــه خپل فاشیستي واقعیت سره صهیونیزم دی نژاد پالنه .

قهراو ترور یزم.

اود څمکو پراختیا غوښتنه .

تاریخ دانسان دژوند له لو مړي سره تر اوسه پوري ډیرو غمجنـو پیښنو څخه کیسې کوي او فلسـ‌نین لدغو غمجنو پیښنو څخه یوه پیښه‌ده چه موږیې اوس دسر په ستر ګــو وینو. دا حقیقت لري چه‌د فلسطین مساله له هغو ګڼو مسالو څخه یوه مساله ده چه امپر یالیزم منځ تــه راوړې ده، خو سره لدې به هم دغه مساله په‌هغه‌له فاجعې څخه ډك‌دریغ کې چه داستعمار په تاریخ کې یــې مو‌ندلې دی، ایکی یوازې او منحصر په‌فرد پاتې شي.

دفلسطین مساله په خپل اصــل کې دخلکو دبې کورې، شړل کیدواو دهغه داصلي او سیدو نکو دلالها‌ـ نده کیدو مسأله ده.

اودغه لالهاندې او بې کو رې، د

فلسطین اصلی خلکو ته پخپل کور اوخپل ټاټوبی کی پیښه ده. او له هغوی څخه یی کور، سره له ملیته اخیستل شویدی . دغه طرحه چه د فلسطین خلك دی بایدله خپل ټاټوبی څخه لالهانده او وشړل شی دلومړی ځل دپاره داما لازارو س له خواوشوه چه په ۱۸٤۹ کی زیږیدلی او په ۱۸۸۷ کی مړشویدی، صهیو نیستی مشرانو دغه شعار په واقعیت باندی بدل کړ اود خپل نهضت دسرلوحی په څیر یی داستفا دی وړ وگرځاوه. اودا شعار دامپریا لیزم له اعما لو سره اور گانیك پیوند لری.

دغه وروستی واقعیت په روښانه توگه په هغه لیك څرگند شوی دی چه داکتر وایزمن د ۱۹۲۱ په جولایی کی چرچیل ته لیکلی دی. هغه پدی لیك کی لیکی:

«.... که مادا باور نه لرلای چه په فلسطین کی دانگلستان اوصهیو- نیزم دگټو ترمنځه وحدت او یووالی یوطبیعی اتحاد لری اوس به می دغه لیك تاسو ته نه لیکه...»

په هر حال صهیو نیزم دما هیت او طبیعت تحلیل او له امپر یا لیزم سره یی اور گانیکی اړیکی ددغی لیکنی په چو کاټ کی چه هدف یی دصهیو نیزم داعمالو له څیری څخه دپردی لری کول اوپه عمل کیدهغه ښودل دی، نشی را تللی .

صهیونیزم د خپل کار له پیل څخه وروسته ترما دی دنوح تو فان پیښ شی» روش په مخکښی نیولی دی.

دصهیو نیستو بریښانده مشرانو څخه یی په خپلو هڅو کی یو هم پدی فکر کی نه و چه راتلو نکی پیښی او وروستی عواقب به څه وی. او پدی توگه صهیو نیستانو ددی دپاره چه خپلی سکی په چلند کی وا چوی هغه وخت چه په فلسطین باندی یر غل وکړ داهیره نکړه چه یوه دپاندورا قوطی دهغی له ټولو عجایبو سره له ځان سره راوړی. دپاندورا دقوطی څخه هدف دیونانی الهی دپاندو راافسانی نه اشا ره ده چه وا یی مرضونه په یوی قوطی کی له آسما ن څخه ځمکی ته راوړل شوی اود قوطی دسر پوښ له پورته کیدو سره په ځمکه باندی خپاره شول) بی کوری، مرگ او مړینه، هغه کلی چه بمونو ورباندی الو ځول شوی،د اصلی هستو گنو بی کوره کول او شړل، کسات او غچ اخیستو نکی عملیات اوپه دله ایز ډول دخلکو وژل اونشت کول دفلسطین پو ځی خلکو ته دصهیو نیستا نو سوغاتونه دی چه له ځانه سره یی راوړی دی. اودا ټول دغچ اخیستلو عملیات دغه مر گ اومړینه ،لوږه اوفقر،کابوس اوتروږمی هغه بد ارمغا نونه اوکر- کجن سو غاتونه دی چه له صهیو- نیزم سره دی خاوری ته راوړل شوی دی. اوپدغی مقدسی سیمی کښی په خلکو باندی تحمیل کړی شویدی.

دایو حقیقت دی چه یهو دیانو له نازی قوتونو څخه ډیر ستمو نه لیدلی، خو داخبره او دغه وا قعیت په هیڅو جه اسراییلیا نو ته دا حق اوواك نه ور کوی چه دیوه معنوی ملی هیواد دمنځ ته راو ستلو دپاره ددیا لس ملیون تنو هغو یهودیانو په خاطر چه په بیلا بیلو هیوادو کی له ډول ډول ملیتونو سره ژوند کوی، یواځی ددری ملیونو تنو دپاره دنازی کو ماندو گانو په شا ن دیوه وطن اصلی هستو گن وشړی. پداسی حال کی چه ددغی مقد سی خاوری اصلی خلکو په سوونو کاله په خپل هیواد کی ژوند کړی دی.دا کټ مټ هماغه کاردی چه پنځه ویشت کاله وروسته دفاشیزم تر ماتی نن په اسراییلو کی عملی کیږی. په یوه توپیر سره، دغه عملیات اوس دنازی تروریزم دقربا نیانو په وسیله دهغه ولس په مقابل کی تر سره کیږ ی چه ښایی یواځنی ولس وی چه دخپل تاریخ له لومړیو وختو څخه بی تر اوسه پوری نسبت یهو دانو ته ښه اوبخښندوی نظر لرلی دی.

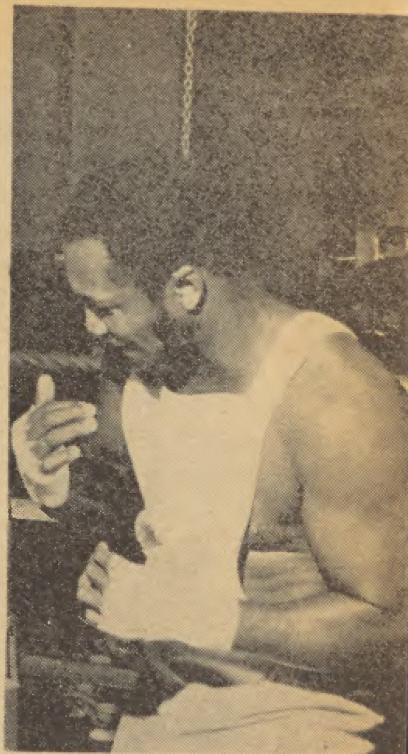
ډیره مسخره او خندنی خبره ده چه اسرا ییل دټولو صهیو نیستانو اود صهیو نیزم دغه یهودی صهیو- نیستی قهر مانانو له خوا ددمو- کراسی ټاپه خوړ لی ده عدا لت آزادی او ټول هغه اوچت اصول چه بشریت ورته ددرناوی سر ټیټ کړی دی اود رښتینگی دپاره یی وینی تویی کړیدی، او مبارزه یی ورته کړیده نن په اصطلاح همدغه قهر مانان ددغو عالی اصولو مدعیان دی. کله چه د «یهودود ملی خاوری» په خاطر صهیو نیستی تلاشونه ،دلو مړی ځل دپاره دبریتا نیاد دپلو ماسی تر پردی شاته دلومړی جهانی جگړی په اوږدو کی پیل شول، صهیو نیستو مشرانو وکولی شول چه هر ځای دا خبره اعلان کړی چه گواکی هغوی داوظیفه لری چه نه یواځی دعربو وروسته پاتی سیمو ته تمدن وروړلی بلکه خپله ونډه هم دټول بشر یت دعمومی پرمختگ په برخه کی تر سره کړی !!

پدی بر خه کی نشی کیدی د- وایزمن هغه خبری رانقل نکړو چه هغه په یوه لیك کی بریتا نیاته د- (لیدی کرو) لپاره لیکلی او لیږ لی دی. هغه لیکی :«موږ پد ی واقعیت باندی خبر یو چه خپله ونډه مود انسان دپرمختیا په برخه کی تر سره کړیده اوهر کله چه د آزادو خلکو په دود په خپل آزاد هیواد کی ژوند وکړو دغه کارته به په اوچته سویه دوام ورکړو.» (دغه لیك په هغه کتاب کی راغلی دی چه نوم یی دی اسرائیل او منځنی ختیځ چه هاری بالیس لیکلی اوپه کال ۱۹۵۷ کی دنیو یارك درونالد پرس کمپا نی له خواخپور شویدی. دغه لیك دپورتنی کتاب په ٦۰ مخکی قید شویدی.)

هیڅوك نشی کولی له هغه نقش څخه منکر شی چه بریښنا نده یهودی پوهانو په بیلو بیلو هیوادو کی په خپلو مربو طو زمینو کی تر سره کړیدی. او طبیعی ده چه میڅوك دغه حق او واك له یهود یانو څخه نه سپموی خود تعجب وړ داده چه اوس اوس چه صهیو نیستان خپلی هیلی ته رسید لی دی او اسرا ئیلیان په «خپل آزاد هیواد» کی ژوند کوی. کومه ونډه یی دانسان دپرمختگ او تمدن په برخه کی سرته رسو لی ده؟ ددی لپاره چه پور تنی پو ښتنی ته سم ځواب ورکړی شو ښه به داوی د- چه نظری بحث

نوربیا





جو فرایزر تاب مقاومت را دربرابرکلـی از دست داده

محمد علی کلی

بودن دردور یك جنگجوی بزرگ نهایـــت مسرت بخش است . این امر مثل کار کردن فقط بایك مسابقه دهنده نیست ، این ملعون خودیك سازمان است .)

علی امروز مالك یك عمارت قصر نمـا در شیکاگو، یك موسسه تعلیمی در پنسلوانیا ، یك فارم زراعتی هشتاد ایکری در مشیکـان ویك مغازهٔ ۳۵۰۰۰۰ دالری در کلیو لینـــد می باشد . فارم زراعتی غرض استفاده جوانان سیاهپوست فقیر بکار خواهند رفت . مغازه بیك مسجدی که مجهز بیك باب خبازی، اتاق نانخوری ویك شیرخوارگاه باشدتبدیل خواهد شد .

علی میگوید: مفادمن ازدیدن اطفال مکاتب وازتداوی معتادین بدست خواهد آمد. مـــن بیش ازاین بپول ضرورت واحتیاج ندارم .) اماا‌گر وی‌کم خرچ شود مسابقه مانند مسابقهٔ مانیلابوی حصول ۴½ ملیون دالر را تضمین میکند . درمسابقه بوکسنگ مانیلا فرایـزر دوملیون دالر بدست می آورد .

درمورد علی وفرایزر داستانهایی وجـــود دارد. هنگامیکه علی لقب قهرمانی رااز دست دادوجوفرایزر تاج قهرمانی رابرسر گذاشت، فرایزر درعقب پرده مساعی جمیله بخرچ داد تاعلی رادو باره بمبارزه طلبد تامگر موقف ازدست رفتهٔ خودرا بگیرد. یکی از انگیزه‌های این امر، مسأله مالی بود. زیرا علی یگانـه رقیبی بودکه میتوانست به فرایزر وعـــده حصول پول هنگفت دهد. ولی فرایزر بیش ازحد باعلی معاملهٔ نیك کرد. طوریکه خودش میگوید :

(من باوی بحیث یك انسان معامله کردم). ولی علی اکنون فرایزر رابحیث یك گوریلا مسخره میکند .

درسال ۱۹۷۱ علی باجوفرایزر مقابل شد این مسابقه یك مسابقهٔ بزرگ بود. درین مسابقه اراده هاو شخصیت های بـــزرگ سپورتی باهم بمقابله برخاستند ولی فرایزر سرانجام درپانزدهمین روند پیروز گردید . بعداز مسابقه فرایزر برای تداوی تکالیـــف داخلی داخل بستر گـردید ویکسال بعد در مقابل جارج فورمن درروند دوم شکست خورد وبزانو درآمد. این بارلقب قهرمانی بوکسنگ به‌فورمن تعلق گرفت .

هنگامیکه محمدعلی کلی قرار داد یـــك مسابقه رابافورمن درکشور زایر امضاء میکرد چانس موفقیت آن آنقدر زیاد معلوم نمیشد. ولی چرخ برگشت آنچه راکه فرایزرنتوانست باجرات وشهامت وقدرت زیاد انجام دهد علی آنرا باچال وبدستیاری روحیه عالی صـــورت داد.

علی درحالیکه برتناب های رینگ تکیه‌زده بودبا صدا هاوآواز های استهزاآمیز صحنـــه رابررقیب تنگ ساخته نه تنها انرژی وقدرت وی راازبین برد بلکه بر روحیه وی لطمهٔشدید وارد آورد. فورمن بیچاره دیگرنتوانست غرور وروحیهٔ ازدست رفتهٔ خودرا ترمیم کـــند . علی دیگر قوی شده رفت .

بایدگفت که حرکات پاهای علی در دوران مسابقاتی‌که انجام میدهددراول آهسته میباشد ولی بالتدریج سرعت وقدرت میگیرد وبالاخره دماغش بوی قدرت آن می بخشد تابابتکارات ومتانت زیاد نیرو وفعالیت های از دست‌رفته راتلافی نماید .

جوفرایزر که سی ویك سال عمر دارد دو سال از محمدعلی کلی خوردتر است . هفتهٔ گذشته هنگامیکه فرایزر به مانیلا وارد شد بقدرکافی درچهره اش دشمنی بمقا بل علـــی خوانده میشد. وی سر خود رابا قهرتکان داده باانگشت خودرا برقطعه عکس های اطفال خود کرده گفت: (به‌بینید پنج پسر مقبول‌مراست (چطور میشود که من یك گوریلا باشم. مـــا مجبور نیستم که برای کســب پیروزی ویـــا کسب شهرت این نوع توهین بکنیم.) ولـــی فرایزر گمان میکندکه علی بااین نوع کلمات فقط کسب شهرت نمی کند بلکه اصلا هراسی ازلطمه برحیثیت وکرامت رقیب خود ندارد . ازهمین لحاظ فرایزر اظهار میداردکه (مـــن نمیخواهم اورا ناك اوت کنم . میخواهم اورا بکوبم وبعدا قدم بیرون کشم وتماشایش‌کنم. من قلب اورا میخواهم .)

ولی غالبا قلب علی بدست فرایزر نخواهد افتاد زیرا علی خوددرقلب دیگران جا دارد. وباین اندیشه فقط نیست‌که پول بدست‌آورد ومسابقات راپبازد. وی مردم راکه اورا دنبال میکنند وخشم بوی دارند دوست دارد. مادران اطفال خودرا نذروی میکنند .

وقتیکه ازعلی پرسیده شدکه آیادرروزهای افتادگی وقتیکه ازحلقه های مسابقات دور بود مسلمانان راکمك کردند وی در جواب گفت : (آنها مجبور نبودند که این کاررا میکردند. این وظیفهٔ من بودکه خودرا درحال تحرك نگه میداشتم، به هیچکس سرخم نمیکردم وازکسی چیزی نه ربایم. آنروزها، ، روز های ابتلا وآزمایش حوصله وصبرمن بود) .

مسابقه مانیلا چیلنج مشابهی برای علـــی بود. ولی‌روحیهٔ عالی همیشه باوی همراهست این اندیشه پیوسته بدنبال وی است که وی یك انسان بزرگ است .

درمانیلا علی گفت: اکنون وقت آنست تا بایك آزمایش دیگر روبرو شوم. درین اواخر هرچیز بخوبی ازپیش میرفته است . خداوند باید مرا مجبور سازد تادر بهای این همـــه شهرت وقدرت چیزی بپردازم کدام نفرشاید برمن فیرکند. کی میداند؟ شاید مرا اختطاف کنند ویابمن گفته شود ، یامسلمانان را در محضر عام نکوهش کنم ویااینکه هدف گلوله قرار گیرم . ومن مجبور خواهم شدکه بگویم: درست است برمن فیرکنید. خدا وند همیشه انسان راآزمایش میکند. خداوند اجازه نمیدهد که شخصی برای هیچ بزرگ ومشهور شود. اینکه امروز من بزرگترین شخص در تاریـخ می باشم یك حادثهٔ اتفاقی نیست . من یك رسالت آسمانی دارم .)

علی این قهرمان جهانی درجای دیگرگفت: (درین شك نیست که محبوبیت فعلی مـــن بمقایسه آنچه که درآینده میسر می شود در حکم هیچ است .)

دمینی سوغات

رزان ژ بی له دی چه یو، بـــل دی دمینی دراز نه خبر شوی په لپولپو به یی ژړل :

دژړا په شیبو کښې به کله پـــه ناخاپی توگه مسکی غوندی شوه او دخپل گران «پرتو» نه‌به‌یی دغه راز گیلی کولی .

ـ ماستا په جدایی کښې ډیـری نا دودی وگاللی یوه زیاته موده‌داړه مارانو په لاس کښې بندی پاتی وم نه می دگرځید لو واك در لوده اونه دخوړلو ، ما به په خپلو نازکـــو لاسونو باندی ورته ډوډی تیاروله او دو ی ته به مـــی پـــه مـخ کښې کښېښو ده چه با لاخـــره آخر یی په خپله ددی ځای نه کوچ وکړو اوزه یوازی اویوازی ستا په زړه وړونکی آواز دخوب نه راپورته

«پرتو» مخ خپلی سوفی تـــه را واړاوه . او ورته یی وویل :

ـ زه پوهیږم چه دغه ټول‌مشکلات زما دمینی نه درته پیدا شوی دی که چیری په لومړیو وختو کښې مـــی ستاخاطر نه وای آزار کړی نوداسی دمشکلاتوسره به نه وی مخا مخ‌شوی خو اوس چه مشکلات سرته‌ورسیدل نو ښه به داوی چه دواړه سره دخپل گډ او دایمی ژوند دغوره کولو دپاره له دغه گوښه ځای نه حرکت وکړو او دخپل واده چاری په ښاری سویه په ښار کښې سرته ورسوو څنگه ؟

ـ دا هم زما داوږده عمر یوازینی آرزو ده ، «پرتو» او «سوفی» ددایمی ژوند دملگرتیا په آرزو دکروندی‌څخه دمینار په لور روان شول او په ډیره مینه یی دخپل واده چاری سرتـــه ورسولی اوډ ه دی توگه یو، دبـــل دژوندانه دایمی ملگری شول .

اساسات آموزشی لغت

حینی‌که طفل به آموختن لغت مادر شروع میکند لازم است این چیزهارادر اختیار داشته باشد :

(الف) :ـ وسیلهٔ جسدی برای سخن‌گفتن واظهار کلام .

(ب) :ـ ادارهوکنترول سالم‌سمعی وشنوایی که تغذیه ومواد لازم ضبط وتنظیم صوت های اورا دردست گیرد تااو بتواند به شنیـــد ن صوت های دیگران، موفق آید .

(ج) :ـ دماغی که وظایف خودرا بدرستی انجام بدهد وحرکات دهن وحلق راضبط کند واحساسات رادروی ذخیره نماید .

(د) :ـ داشتن قدرت وتوانایی تقلیدازکلام وسخن گفتن دیگران، درین حال، اونمونه های ازکلام وحرف های اجتماع میگیرد، زیرا طفل هنگام مواجه شدن وبرخوردش با اجتماع،لغت اجتماع رامی آموزد وکسب مینماید .

عده ای ازدانشمندان ازقبیل (سکنر) درسال ۱۹۵۷ و(مورو) درسال ۱۹۵۸ عقیده دارند که لغات عینا مطابق بمبادی ایکه طفل توسط آن انواع دیگر سلوك ورفتار را می آمـــوزد ، آموخته میشود، پس طفل خوردسال قدرت و توان شناخت لغت رانداارد ولکن به تدریـج بروی مهارت های لغوی، آنرا می آموزد که تقلید ازسخن گفتن دیگران، وسیلهٔ خوبـی برای اوشناخته میشود .

اماآنچه بیش ازهمه، مورداتفاق دانشمندان واقع شده، این است که قسمت اعظم وبخش اساسی توانایی طفل درموردآموزش لغت مادر واجتماع، محصول مواهب فطری وغیر کسی خاصیت بشری اومیباشد ، همچنانکه لینبرگ میگوید : (اطفال وقتی وارد مرحلهٔ معینـــی میشوند ونموی جسمی ایشان اندك اندك‌پیش میرود، پدیدهٔ تکلم وحرف زدن هم متناسب به آن، درآنها قوت میگیرد .)

ازدوستان

چکیدهٔ اندیشه ها

همه به فکر آنندکه بشریت راعوض کنند اما هیچکس درین فکر نیست که‌خودراعوض کند . (تولستوی)

کسیکه میخواهد خوشبختی دیگـــران راضایع کند مسلما خوشبختی خودش قبلا نابود شده است . (کنفوسیوس)

ناامیدی نخستین گامیست‌که شخص بسوی گور بر میدارد .

انسان باید به مصایب کوچك مبتلا شود تاقدر مواهب بزرگ داند . (روسو)

شما میتوانید گلی را زیرپای خودلگدمال کنید امامحال است‌که بتوانید عطر آنرادر هوا محوه نمائید . (ولتر)

حیات بشر چون شبنم است‌که از روی‌گل نیلوفر میلغزد ومی افتد . (بودا)

من تحصیل فلسفه، حقوق ، طب وحتـی‌دینیات کردم . اینك هنوزهم خـویشتن را کاملتر وعاقلتر ازپیش نیافته ام . (گویته)

بیم وامید جدائی ناپذیر اند امید بـدون بیم وبیم بدون امید وجـود نتواند داشت ، ترس همیشه ازنادانی سرچشمه میگیرد .

ارسالی : نریمان، ن ومنصور واصل

گیاه‌سوخته

به سیرباغ چه خوانی درین خزان مرا
گیاه سوخته ام ، با چمن چه کار مـرا

به‌بی نصیبی من ببین درین چمن‌که‌نکرد؟
نوازشی به نگاهی نه گـل ، نه خارمرا

مرا شکایتی از روزگار در دل نیست،
چون نیست چشم امیدی زروزگـار مـرا

بروز تیره خودگریه آیدم که چـرا ؟
نه روزگار دهـــد کام دل، نه یار مرا

«غمگین» از من آزرده دل چه می‌خواهی
دمی بحال دل خویشتن گـذار مـــرا

ارسالی : عبدالبصیر «غمگین»

پیو سته به گذشته
سید اکرم صامدی

هنگام‌غروب

بهار روز های آخرش را می‌پیمود غروب بود آسمان منظره زیبایـــی داشت نیمی گلگون نیم نیلگون نقطه های در خشانی در میان این جا مه گردون میدرخشید .

من سراسیمه و حیران به موجود گمشده ام می اندیشیدم ، قدم بـر میداشتم نا گهان موتر گل پوشی از کنارم گذشت . چشمم به موترافتاد درست (او) را دیدم در حالیکه غرق درگل بود ، او هم مرا دید تکان‌خورد ولی چون سرابی بود که نا پدید شد.

درست خودش بود خودش،آنروز را پایان هستی و زندگیم پنداشتـم در حالیکه (او) زندگی نوینی را آغاز مینمود .

حینیکه به اتاقم رفتم میخواستم شمع حیاتم را با دستانم خا موش کنم. ولی عکس پدرم که روی دیوار بود گویا به زبان آمده گفت :

« نشه که باد از مه ما درسرسپید وخواهرت فرشته را تنها گذاشته دنبال هوسهای بچگانه ات روی ».

یك روز که مصروف کار درشعبه بودم نامه اش برایم رسید . نامه را گشودم ، نامه را چندین بار خواندم، در جایی نوشته بود واین‌سر نوشت است که چه ظالمانه من و ترا کـــه هنوز تشنه ایم به عشق، از هم دور کرد نمیدانم تو کجائی، چه‌حال داری ولی بدان که من چون شمع میسوزم، من دیگر چون مرغ در قفس افتاده‌ام که پر زدن سودی ندارد » .

گرمی اشك راروی گونه هایـــم احساس کردم ، ودیگر کلمات در مقابل چشمان اشك آلودم مـــــی رقصیدند .

بیاد آنروز ها شدم که امواج‌بابی قـــرا ری سینه بـــر سا حـــل‌می کو فتند و سر ود ابـــد ی خـــود را روی سینه خا موش ساحل پخش می‌کردند ، غروب روز بود، رنگ‌زرد گون روی امواج لرزان می در خشید ویك جفت مر غابی سپید دل‌به امواج داده زمزمه عشق می سرودند .آتشی بود نگاهی که از چشمان او شعلـه میزد ، دستم را حلقه گردن‌بلورینش نموده بودم‌و به جام‌هستیم که قطرات شراب عشق‌ومستی آفرینم‌میداد نگاه میکردم واو گفت :

«روزی شود که آزادانه اینجا ها دست هم را گرفته از هوای گوارا، لب دریا ، از دیدن امواج دریا کـــه غرش کنان سینه به ساحل می‌کوبند احساس مستی کرده واز خوشـــی دست و پا زنیم ؟

ناگهان صدای آمرشعبه مرا ازدور دستها بر گشتاند که گفت :« نجیب ای مکتو به‌صادر کو» .کلمات‌دوباره بجای های خود آمدند . نامه را بـــه جیبم گذاشتم ودر حالیکه در همین افکار غم آلود دست و پا میزدم ، دنبال مکتوب رفتم .

آنروز حینیکه از کار فارغ شدم دگه حوصله هیچ چیزی برایم نمانده بود .

نمیدانم بدون اراده قد مهایـــم بسویی کشانیده میشد ، آنجاکه‌دریا بود واز دیدن امواج آن روز ها بدل خاطره ها داشتم وبالاخره رسیدم .

روی سنگفرشی کنار در یـــــا نشستم نامه را از جیبم‌کشیده‌چندین بار خواندم . غروب روز بود آسمان نیمی گلگون و نیم نیلگون بود . نور زردگون‌روی‌امواج لرزان میدرخشید.

امواج با بیقراری سینه به ساحل می زدند .

نا گهان (او) با اندام کشیده‌وزیبا وگیسوی سیا هی که خرمن وار روی شانه بلورینش آمیخته بود سر از امواج های لرزان کشیده گفـــت:

«بیا دستت را بدستم بدی، بیـــا مگذار که سر نوشت ظالمانه مرا از تو جدا سازد ، بیا» .

از جا حرکت کردم اما (او) دردل امواج ناپدید شد . فریاد زدم،صدایم بفضا پیچید و خود را تنها یافتم.فقط یکجفت مرغابی سپید دل به امواج سپرده بودند و سرود عشق مـــی سرودند .

وامشب که سالها می گذرد از(او) خبری ندارم

یاد گذاشته هادر اندیشه عبار گرفته ام زنده شد و بر قلبم راه‌یافت درپناه نور لرزان وپریده رنگ شمع روی کاغذ افتادم و قصه زندگی ام، قصه عشق نافر جامم را برای تـــان چنان که خواندید نوشتم .

«پایان»

سرزمین بهترین گل گلاب جهان



باین همه زیبایی ها عیش ونوش، عمارات لوکس وعالی تقریبا ۲۰ کیلومتر از شهر البانا آذری ازموضوعات فوق دیده نشده بلکه یك آرامی مطلق حکمفرماست . جاده های خالی وکوچه های قدیمی وفضای آرام آن بیش از۲ هزار سال تاریخ انچیلوی بلغاریا رابخاطر می آورد. فضای این شهر چون باروح شاعر بلغاریایی «یافوروو» آمیخته‌است که درهرقدم خاطره آنرازنده میسازد واین شاعر نامور بلغاریاقسمتی ازعمر خودرا وقف این شهر نمود. وامروز مجسمه آن درمرکز پارك این شهر پابرجاست .

پاموری جایست‌که چندین حوض بزرگ برای نمك بحری‌درآن‌ساخته شده است‌سالانه یکمقدار نمك بلغاریا ازهمین محل تهیه‌میگردد این طریقه بدست آوردن نمك ازدو هزارسال باین طرف درپاموری مروج است در نزدیکی این محل جهیل نمکساری واقعست‌که توسط کانال بابحروصل شده است که ازآنجا آ ب بداخل حوضهای‌مرتبه‌داری رهنمایی وبالترتیب تبخیر میشوند سپس نمك هاراجمع‌وبسته‌بندی میگردد وتوسط تسمه های ترانسپورتی حمل ونقل آن به محل مطلوب صورت می گیرد مجموعا درین کار ۲۵۰کارگر مشغول وظیفه‌اند مدت جمع آوری وتبخیر ازماه جون الی آگست ادامه داشته البته این‌کار ساده‌ای نیست‌که درزیرآفتاب سوزان وبازانوها درآب مشغول وظیفه باشد تولیدات سالانه نمك بحری به۲۰ تن بالغ میگردد که بمقصد کارهای تخنیکی فابریکات وخوراکه اهالی بکار میرود برعلاوه درچرمگری ، پنیر سازی، ترشی باب وغیره نیز بکار می برند .

ده سال قبل نفوس پاموری به ۵ هزارنفر میرسید ولی امروز جمعیت آن دوچند گردیده است برعلاوه فابریکات نمك، فابریکات واین وکونیاك سازی نیزدرهمین محل تجمع کرده‌اند



ولی باوجود تولیدات صناعتی مذکور پاموری عایدات خودرا ازتوریست ها بدست می‌آورد که دارای بهترین سفیلیزشن امروزی میباشد تنهاآثارتاریخی وزیبایی های‌پلاژآنجا کفایت نکرده بلکه ورودمریضان درسناتوریم معروف آنجاارزش بیشتری برای این شهر داده است وازهمین جاست‌که دولت دست به ساختمان هوتلهای عصری ومدرن زده است وامروز در پاموری هوتلهای عصری ومدرنی بابهترین طرز ساختمانی بناء یافته وهرگونه وسایل راحت وضروریات مسافرین در آنجا مهیاست درپهلوی هوتلها سولو، که‌رول‌مهمی‌رابرای کسانیکه جهت گذشتاندن ایام رخصتی درپلاژ بلغاریا سپری میکنند ۵۰متر دربحیره اسود امتداد داده شده است هجوم سیاحین سال بسال افزوده شده وسرمایه سرشاری به عایدات ملی این‌کشور افزایش بعمل آمده است . منازل رهایش چوبی وکمپنگ های رنگارنگ به امتداد ساحل دیده میشود که منظره عالی رادر انظار جلوه میدهد.



شهر ملون (گبرونو) که در بالای تپه ای قرار گرفته است امروزیکی ازشهر های بزرگ صناعتی، کلتوری وهمچنین یکی از مراکز عنعنوی صنایع روستایی بلغاریا بوده که صنایع مذکور بصورت عنعنوی ازقرن ۱۸ میلادی باین طرف درناحیه مذکور حفظ ورشد نموده است این شهر نه تنهاازرهگذر موقعیت آن بالای دریا (اسکیر) واقوام اسیابواردها بوده بلکه سعادت شهر مذکور بدست مردمان کارگن وزحمتکش آنجاست . صنایع روستایی درین شهر مقام اول راداشته ۲۶مرکزمختلف صنایع دستی بصورت اساسی فعالیت دارند بمرورزمان تولیدات ماشینی بشمول صنایع دستی آرتستیکی ازاوایل قرن ۱۹ درین شهر پیشرفت زیادی اختیار کرده است اکنون در پهلوی صنایع ماشینی شهر مذکور رایکی ازبهترین مراکز صنا یع روستایی بلغاریا گردانیده اند ازاینرو سیاحینیکه در بلغاریا وارد میشوند وروددر (گروفو) راشرط اول مسافرت خود دانسته برعلاوه بازدید از آثار تاریخی آنجا پارچه ای چند ازاشیای دست ساخته اهالی آنجا خریداری ومنحیث بهترین تحفه بوطن خود باز میگردند از خصایص صنایع روستایی شهر گروفو اینست، تماما مواد که درصنایع دستی آنها بکار برده میشود همه طبیعی میباشند ، چنانچه جهت رنگ‌آمیزی ازنباتات خودرووحشی‌آنجاوچوب های مقبول استفاده میکنند اخیرا موسسه‌ای تاسیس‌گردیده است تااشیای آنها راخریداری وپول هنگفتی برای آنها بپردازد وقسمتی از تولیدات آنها دردکاکین محل جابجا بفروش میرسند. توریست هابرعلاوه اینکه آثاردستی این ناحیه راچشم درد جستجو و خریداری میکنند آرزو دارند تا حتما از ورکشاپ های آنهانیزدیدن کنند وساعت هارا وقف تماشای

کارآنها کرده ازشروع تاانجام مشاهده کنند واز عمل آن حظ برده بعضی هااز جریان کار آنها عکاسی وبعضی نمونه آنرا طور یادگار اخذ میکنند بیشتر تماشاچیـــان دردورا دور دکاکین نجارهاحلقه بسته خرادی‌کاسه،بشقاب وغیره اشیای که ازچوب ساخته میشود تماشا میکنند سیل تماشاچیان کارگران ورکشاپ ها راقوت بخشیده منتهای ذوق وسلیقه خودرا بکار میبرند . دکاکین زرگری وساختن آلات وزیورات آنجا ممتاز بوده وبهترین نوع‌دیزاین قدیمی رابکار میبرند که بمجرد تمام شـــدن



گروه رقص مخصوص دختران بلغاریا

کارفورا دست بدست ازطرف توریست هـــا بامبلغ هنگفتی خریداری میشود .

گذشته ازصنایع روستایی اگر نظری بـــه چهره شهر مذکور انداخته شود آنهم بـــذات خود تماشایی است زیرا منازل همه بصورت عنعنوی حفظ شده‌که دارای سقف خشت های سنگی وبامهارت خاصی بهم چیده شده اند که ازقرن هاپابرجاست درمیدانها وپارکهـــای این شهر چوکی هاومیز از سنگ های بزرگ ومقبولی ساخته شده ودایما مردم جهت راحت درآنجا ساعتی می نشینند واز بووعطر گلهای رنگین پارکها برخور دار میشوند. یکـــی از عنعنات شهر گبروفو اینست‌که اهالی معمولا واین خوشرنگی رااز بوتلهای میناتوری ملونی درمقابل‌گرامافون قدیمی باریکاردهای موسیقی وآواز باستانی نوشیده وبالای گلیم هـــای رنگارنگ‌واتاقهای قدیمی ومبل های‌که‌نمایندگی ازقرون ٦ میکند نشسته بخو شـــی ومستـــی ساعتها را سپری می کنند .

بلغاریا از رهگذر توریستیکی ده ها سال بمقیاس سایر کشور های اروپایی بی ارزش بوده وتقریبا یك قرن بکلی فراموش شده بود ولی درحال حاضر کشور مذکور یکی ازکشور های توریستیکی عصری ومدرنی در قاره اروپا قدعلم نموده است وسالانه میلیون ها سیاح خارج بسوی این کشور گرم وآفتابی سرازیر میشوند کفایت خواهد کرد تا همینقدر گفت که‌درسال ١٩٦٠ ازبلغاریا۷ر۲۰۰ هزار نفرودر ۱۹۷۱ به ۲٫۷۲۱ ملیون نفرارتقا یافت بدین معنی‌که ۱٫٤۹٤ ملیون نفراز کشور هـــا ی سوسیالیستی و۱٫۲۲۸ ملیون از کشور های کپیتالستی بلغاریا رادیدن کرده اند وبلغاریا ازرهگذر توریزم بلندترین عایدات رادارااست حتی‌گمان‌آن نمی رفت‌که باین سرعت اقتصاد توردراین کشور پیشرفت کند در حا لیکـــه اقتصاد کشور مذکور نیزبه پیمانه کـــافـــی همردیف توریزم ارتقاء یافته است .

بس های مدرن، ترانسپورت منظم وسریع وهوتلهای لوکس وبالاخره سطح زندگی مردم بهتر وحیات شهر نشین خوبتر گـــردید .

چه چیزباعث انکشاف توریزم در ین کشـــور گردید؟ جواب سوال مذکور همانا سواحـــل بحیره سیاه،کوههای سرسبز، تاریخ‌درخشان آنجاست . بلغاریابصورت عموم ۳۷۸ کیلومتر سواحل طلایی ومقبولی داردکه شامل پـــلاژ چشمه های معدنی جنگلهای سر سبز وغلو، مصب دریاها وشهر های نازنین وآراسته بـــا بهترین طرزساختمانی ازقبیل سوز وپـــو ل یانسیس بر، آبهای شفاف دارای درجه حرارت مناسب غسل وآببازی بحری ازاول ماه مـــی تاختم اکتوبر میباشد .

نه تنها سواحل بحیره اسود موضوع بحث توریزم بلغاریا بوده بلکه ۲بر۳ساحه کشور مذکور راکوههای بلند ووادیهای سرسبز در برگرفته است کوه ریسکی بابلندترین نقطه ۲۹۲۵ متر بالقان که بنام موســـلا یـــاد میشود جهـــل هـــای عمیق بعد ازیخچالـــها درکوه پیرنیا وغیره که همه آنها مـــناظـــر خیلی قشنگ سرسبز وپرگل دارند وسیاحین رامانند آهن ربایی ازاطراف ونواحی جهـــان برای‌استراحت واسکی بخود میکشاند.خلاصه این همه کوهها، سخره های عظیم ودره های شاداب آن، پلهای بلند بالای دریاها، وادیها ودره های عمیق باانواع گلهای رنگارنگ و پرندگان خوشخوان ورنگین خود بلغاریا را درجمله بهترین کشور ها ی توریستیکـــی درآورده وبرای مشتاقان طبیعت محلی اســـت حتمی ودیدنی . درحال حاضر برای توریست هادلچسپ تروجالب ترازهمه سواحل زیبـــای بلغاریاست ولی اینرانیز نباید فراموش کرد که باوجود اقلیم گرم این کشو ر اروپـــای جنوبی میتوان تااوایل ماه جوزادرکوهستانات آنجا سکی اجرا خواهد شدکه آنهم به نـــوبه خود مقام عالی رانزدعلاقه مندان سکی دارد.

«لطفا ورق بزنید»

بلغاریا مالك ۵۰۰ چشمه آب معدنی بوده‌که اززمانه های خیلی پیشین معروف اندبسیاری ازامپراتوران روم وبیزانین جهت تداوی‌خویش ازآنها استفاده شایانی کرده اند این چشمه هادارای اهمیت خاص بوده ارزش بلغاریا را ازرهگذر توریزم وطبی بلند برده است ولی تنها چشمه هاکفایت نکرده بلکـــه بنـای سناتوریم های عصری، دکتوران لایق، انواع ماساژ وجمناستیك طبی رادر پهلوی این همه مزایای طبیعی برای مهمانان خارجی تهیه و آماده کرده اند .

قدیمترین کلتور درساحه بلغاریا تقریباً ازصدسال قبل شروع گردیده است‌که آمیخته باکلتور وسیفلیزیشن هلن‌ها، رومی، بیزانین کلتورقدیمی سلاوی وبلغاریایی میباشـــد . همچنین درساحه بلغاریا خط سلاوی انکشاف وبمعراج خود رسیده است ریفورم اروپایـی وبالاخره شروع رنسانس درهمین سرزمیـن صورت گرفته است . فلکلور که اولترازهمه رقص، موسیقی وآواز میباشد نیز دراینجـــا رونما وانکشاف خارق العاده ای نموده است موزیکولوجها تصدیق میکند که موسیقی ملی بلغاریا از رهگذر ارمونیزم ودیرتم یکـی از موسیقی های انکشاف یا فته اروپا محسوب میشود. اگر ازمهندسی بلغاریا بازهم سخـن درمیان آید میتوان گفت‌که ارکتیکت بلغاریـا چندین سال قبل باساس ساختمانی کشورهای غربی شروع گردید ولی مهندسین بلغاریایی درمدت کوتاهی اززیر بار (غربی) خودرارهایی بخشیده جدید ترین میتودها وطرز ساختمانی خودرا بکار برده اند . چنانچه تعمیرات شهر های البانا، شن های طلایی وساحل آفتابـی نمونه ای‌ازبهترین ساختمانی مخصوص‌بلغاریا محسوب میشوند که دراروپای غرب غوغـــای بزرگی رابرپا کرده است واکثردر نندارتو ن های ارکیتکت مقام اول راصاحب شده است وامروز شهرهای مذکورمقام سوپرتوریستیکی رادر اروپا قایم کرده است .

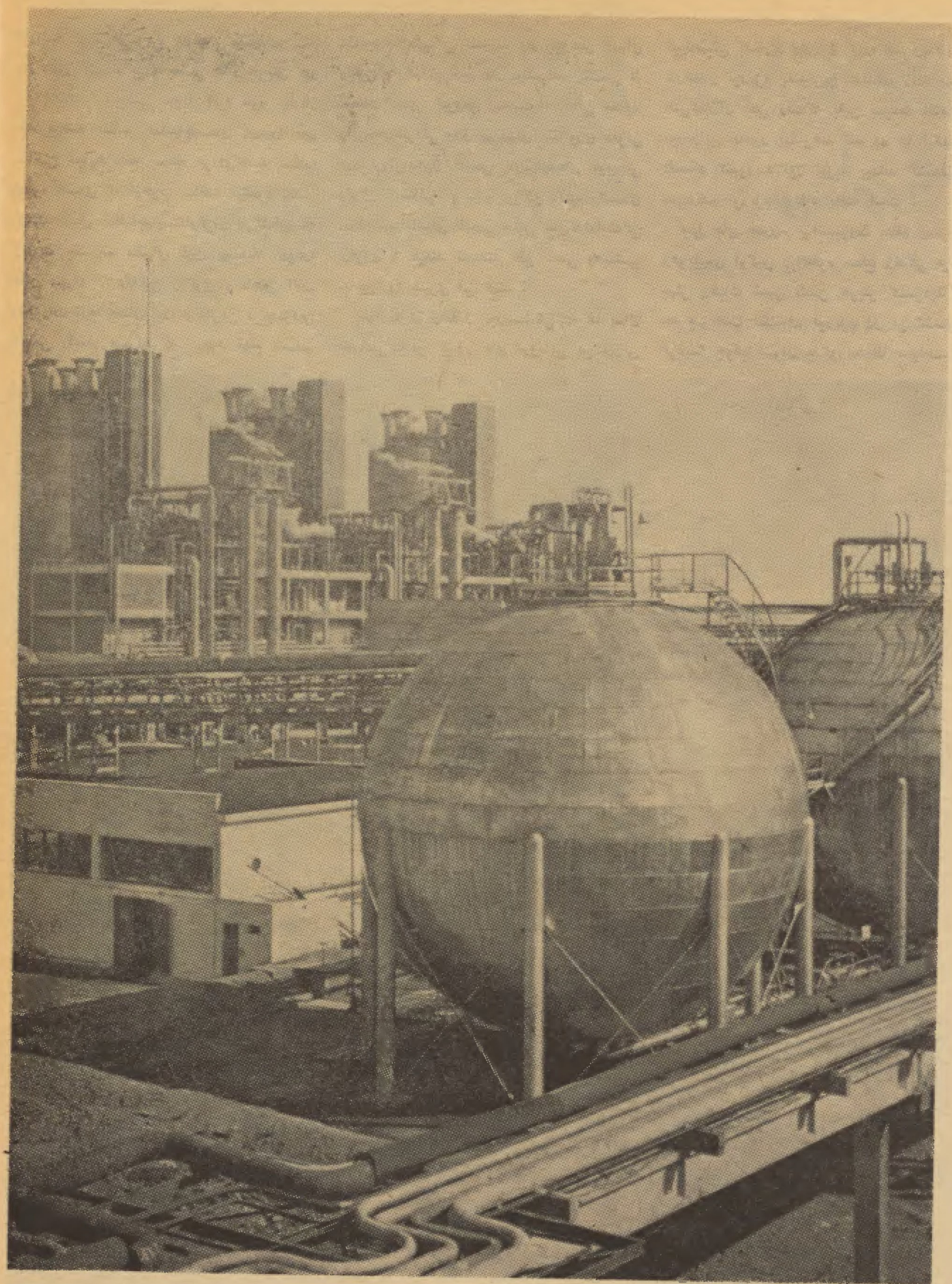
(شن طلایی) دارای ۷۵ هوتل و۱۵ هـزار بستر، درساحل آفتابی ، صاحب ۹۸ هوتـل با۲۲هزار بستر«البانا» (جدیدترین‌وجوانترین محل مخصوصا برای توریست های دالـــری) دارنده ۳۵ هوتل و۵۹۰۰ بستر میباشد که درپهلوی آن هزاران کمپنگ نیز وجود دارد بنابرآن تعداد رستورانت ، کافی ، بار، نایت کلپ ، دکاکین رابافروشگاه های بزرگ آ ن ازروی هوتلهای آن قیاس کرد .

دربعضی ازشهرهای تاریخی بلغاریاازقبیل سوزاپول یانسیبر وضع برخلاف است زیرا بدون ازتوریست هاشهر های مذکور خالـی بوده وبکلی شکل شهر راندارد ازاینرودولت بلغاریا کوشان است تااقتصاد توریزم رادر شهر های مذکور تقویه بخشیده وعایـدات ملی خودرا بلند ببرد. عبور ومرور زیاد و سیل موترهای شخصی از سرزمین بلغاریـا شومه های عصری ومدرنی روز بروز انکشاف یافته ودولت به ساختمان وامتداد جاده هـا وشومه هادراین شومه افزوده میرود در حال حاضر وضع سرکها وشومه هادر بلغاریا به حالت خیلی خوبی قرار دارند . چنانچه در جاده های مذکور ۳۵۰ تانك تیل عصری و مدرنی‌که باهمه وسایل عصری مجهزمیباشند. بایدعلاوه کردکه بلغاریا نسبت بکشور های غربی وشرقی بصورت عموم ارزان وزندگـی بخوبی پیش میرود چه باپول کم می تـوان ازبهترین مزایای طبیعت استفاده کرد ازهمین جاست‌که قسمت اعظم توریست هابااین‌کشور هجوم برده ومدتها راباستراحت وخوشگذرانی می پردازند .

اسم رسمی این کشور نرود ناریپوبلیکـا بوگاریا (جمهوریت مردم بلغاریا) بـــوده ودارای ۱۱۱۹۱۱ کیلومتر مربع مساحه میباشد اگرنگاهی به نفوس بلغاریا انداخت در سال ۱۹۰۰ نفوس بلغاریا به ۳ر۷ ملیـــون و در ۱۹۷۰ یعنی دربین ۷۰سال نفوس این کشور به ۸ر۵ ملیون ارتقا یافته است که سالانـه ۷۰ هزار نفر درجمعیت این کشور افـزایش بعمل آمده است درحالیکه درمدت ۵ ســال اخیر نفوس کشور مذکور به ۸ر۸ میلیـون نفر بالغ میشود که سالانه ۶۰ هزار نفر بـه جمعیت این کشور افزوده است پس بلغاریا یگانه کشوریست که نسبت به سایر کشور های اروپایی تولدات وافزایش نفوس بطـی پیش میرود چنا نچه در۱۹۴۵ تـولـدات ۱ر۹ فی‌هزار ودر ۱۹۷۵به۸ فـی‌هزار نفـر بالغ گردیده است.

«باقیدارد»

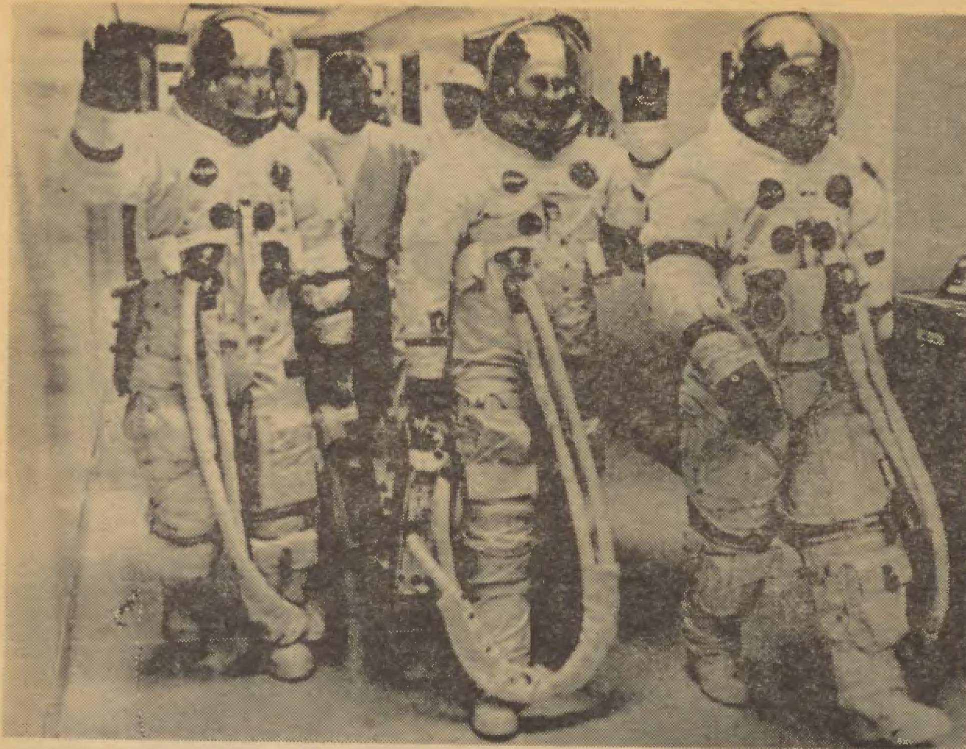
ژوندون



یکی از دستگاه های مجهز تخنیکی‌دربلغاریا

بقیه شمارهٔ گذشته

کیهان نوردان امریکایی در کابل



ویلیم ریدپوگ بادوکیهان نورد دیگرآماده داخل شدن به سفینهٔ سکای لاب

داکتر ملتن رئیس کمیته میگوید: که این گروپ یك توسعهٔ تجارتی نبوده بلکه یـــك پروگرام خالص مردم بمردم میباشد . و ی علاوه نمودکه باوجودیکه این‌کمیته ازپشتیبانی حکومت برخوردار میباشد یك کمیتهٔ حکومتی نیست .

داکتر ملتن میگوید :

کمیتهٔ سپورت مردم بمردم برای توسعـــهٔ دانش ودوستی بین المللی درخدمت صلـح وحسن نیت وبرای اینکه جوانان ما ومـردم کمتر دارای تشویق وتدریس گردند تاسیس گردید .

کیهان نوردان درکنفرانس مطبوعاتی کـــه باخبرنگاران وژورنالیست های افغانی انجـام دادند اظهار عقیده نمودند که آنها به کشور ایالات متحده امریکاتعلق ندارند، بلکه متعلق به همه دنیا وجهانیا میباشند . ازینکه برای کیهان نوردان امریکا درکابل موقع مساعدشد تافیلم های ازسکای لاب چهاروایپولوی چهارده رادر حالیکه خودایشان پیرامون فعالیت های شان معلومات ارائه میکردند بمعرض نمایش قرار دهند ، اظهار امتنان نمودند .

قرار دادن بزر گترین کتله سامان آلات به مدار ماه

ستیورات الن روزا (دگروال قوای هوایی امریکا) کیهان‌نوردادارهٔملی کیهان‌نوردی‌امریکا بتاریخ ١٦-آگست ١٩٣٣دردورنگوکالورادو متولد گردیده است .

مکتب ابتدایی جتس ومکتب ثانوی کلیرمور رادر کلیرمور واقع‌اوکلاهومابه پایان رسانیده بعدا درپوهنتون دولتی اوکلاهوما و پوهنتون اریزونا به تحصیلات عالی پرداخت . وی از پوهنتون کالورادوبه دریافت درجـهٔ علمـــی بچلراف ساینس‌درشق‌ایروناستیکل‌انجنیرنگ توفیق حاصل نمود .

درسال ١٩٧١ ازطرف پوهنتون سن تامس (هیوستن تکساس) دکتورای افتخاری ادبیات بوی داده شد .

وی عضو جامعه تجربوی پیلـــوت هـــای آزمایش میباشد .

الن روزامدال خدمات برجستهٔ ناسا، جایزهٔ کارنامه های عالی جی‌اس‌سی (١٩٧٠) مـدال کماندپالت استرونات ونگزقوای هوایی، مدال خدمات برجسته قوای هوایی ، جایزهٔ جان‌اف کنیدی جامعه جامعهٔ هوایی ارنلد(١٩٧١) مدال طلایی شهر نیویارك (١٩٧١) جایزهٔ موفقیت پرواز جامعه کیهان نوردان امریکا برای سال (١٩٧١) نسان چید (١٩٧٣) نشان جمهوری افریقای مرکزی (١٩٧٣) رادریافت نمـــوده است .

روزابحیث یك دگروال قوای هوایـــی از ١٩٥٣ به اینسو وظایف فعال به عهده داشته است . قبل ازآنکه به ناسا بپیوندد وی در پایگاه هوایی اداروزکالیفورنیا بحیث پیلوت آزمایش ایفای وظیفه مینمود . این وظیفه ای بودکه وی بعداز فراغت ازمکتب تحقیقـــات پیلوتی فضای خارجی از سپتمبر ١٩٦٥-الی می ١٩٦٦ به عهده داشت .

ازجولای ١٩٦٢ -الی آگست ١٩٦٤ روزا وظیفهٔ پیلوت آزمایش رادر پایگاه قـــوای هوایی المستید پنسلوانیا به عهده داشتـــه وبه پرواز طیارات نوع اف ١٠١ مصروف بود. بعداز فراغت ازپوهنتون کالارادووی بـــرای دوسال بحیث آمرسرویس انجنیرنگ درپایگاه هوایی تاچی کاوا تحت پروگرام انستیتو ت تکنولوجی هوایی اجرای وظیفه مینمود .

قبل ازآن بحیث پیلوت جنگنده در پایگاه قوای هوایی لانگ لی استخدام شده بود وبه پرواز طیارات نوع اف ٨٤ واف ١٠٠مصروف بود .

وی مکتب توپچی رادرپایگاه هوایی دل - ریوولیوك به‌پایان رسانیده وهمچنان پروگرام هوانوردی پایگاه هوایی ویلیامزرا دراریزونا تعقیب نموده است .

درهمینجا بودکه روزا پرواز های تمرینی خودرا انجام داد وبه گرفتن وظیفه های فعال درقوای هوایی توفیق حاصل نمود. از سال ١٩٥٣ تاحال وی ٥١٠٠ ساعت پرواز نموده که ازآنجمله ٤٤٠٠ ساعت آن در طیارات جت بوده است .

دگروال روزایکی از ١٩ کیهان نوردی است که‌دراپریل ١٩٦٦ ازطرف ناساتعیین‌گردیدند. اویك عضو عملهٔ تقویتی اوپولوی نهم بود . اواولین پرواز کیهانی خودرا بحیث پیلوت محفظه قومانده اپولوی ١٤ ازتاریخ ٣١جنوری الی ٩ فبروری ١٩٧١ انجام داد .

درین پرواز که سومین پیاده شدن بشررا بالای کرهٔ ماه احتوا مینمو د الـن شپـــرد (قوماندان سفینه واوگرمیچل قوماندان محفظه ماه نورد) اورا همراهی مینمودند .

شپرد ومیچل سفینهٔ ماه نورد خـودرا در منطقه تپه زار مهتاب بنام فرامارو فرود آورده بعدابه یکتعداد تجارب علمی پرداخته آلات و ابزار مربوطه علنی رابالای ماه جابجا کردند وهم درحدود ١٠٠ کیلو گرام نمونه هـــای سنگ مهتاب راجمع نمودند تاباخود بزمیـن آرند. درطول ٣٣ ساعتی‌که این عملیات بالای کرهٔ ماه دربر گرفت روزا در محفظه قومانـده بنام (کتی هاك) درمدار ماه می چرخید وبـه وظایف عکسبرداری ومشاهداتی خود مصروف بود. موفقیت های بی سابقه اپولو ١٤مشتمل اند بر: برای اولین بار استفاده از وسیلـهٔ ترانسپورتی برای حمل ونقل سامان بـــالای کرهٔ ماه قراردادن بزرگترین کتلهٔ سامان‌آلات به مدار ماه ، طی طویلترین فاصله بـالای بزرگترین موادی‌که‌ازمهتاب بزمین آورده شده است، طویل ترین مدتی‌که بشر بالای کـرهٔ ماه قامت کرده است (٣٣ ساعت) ، درازترین مدتی‌که بشر خارج ازسفینهٔ ماهنورد بـالای کره ماه فعالیت‌کرده است (٩ساعت ١٧دقیقه) اولین باراستفاده ازتکنیك اتصال مجـدد در مدار ماه ازکوتاه ترین فاصله - اولین بـار استعمال تلویزیون رنگه‌دارای تیوپ ویدی‌کان جدیدبالای کرهٔ ماه - واولین تحقیقات علمی وسیع حین پرواز تنهایی محفظهٔ قومانده در مدار مهتاب .

درتکمیل اولین پرواز کیهانی خو د روزا ٢١٦ ساعت و٤٢ دقیقه پرواز کرده است .

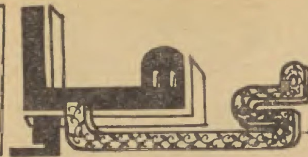
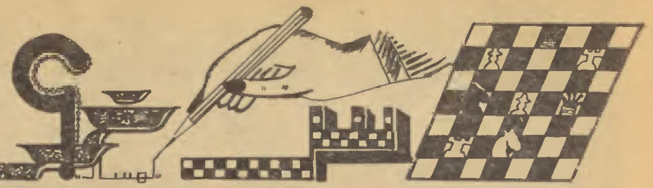
وی بحیث پیلوت احتیاطی محفظهٔ قومانده اپولو ١٦ واپولو ١٧نیزایفای وظیفه نمـوده است .

بیش از ٤٨ روز پرواز درمـدار زمین:

ویلیم ریدپوگ (دگروال قوا ی هوایـــی امریکا) :

بقیه درصفحه ٦٣



جدول ادبی

عمودی

۱ــ اثری بر جسته از انوره دو بالزاك.

۲ــ این هم اثری است از اد گار آلن پو

۳ــکتابی ازدافنه دو مـو ریـه

٤ــ نو شته از ولتر

٥ــ اولین جای ورود خانه

٦ــ این اثر از نویسنده بزر گ جك لندن است

۷ــ از کشور های جهان

۸ــ از مشهور ترین مخترعجهان که‌امروز از اختراعش همه مستفید اند

۹ــتاریخ مسعودی را اونو شته است

افقی:

۱۰ــ اتش عرب

۱۱ــ منظره دور

۱۲ــآثار پای ما وشما

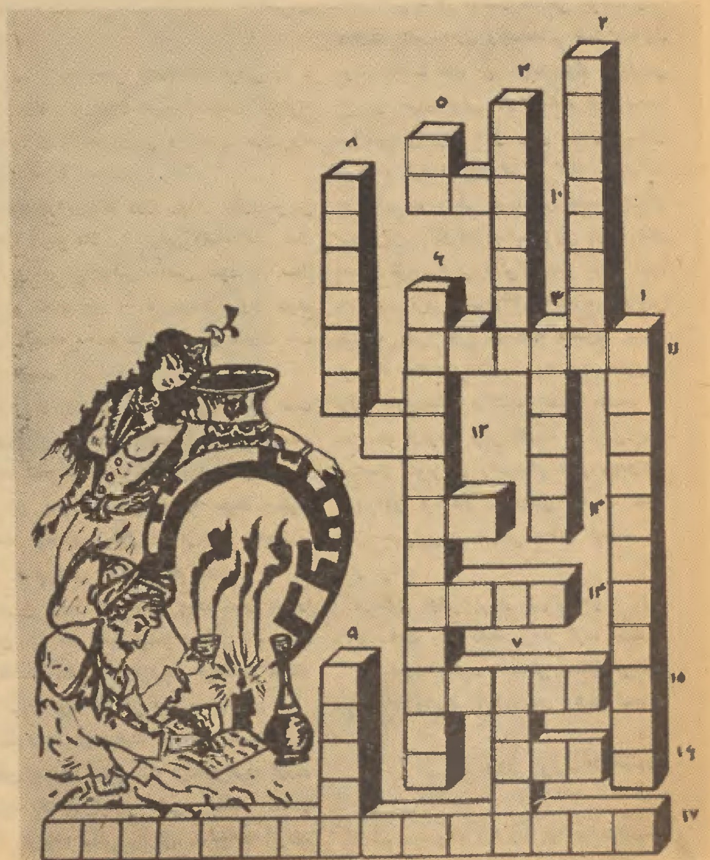
۱۳ــ دو پانزده میشود

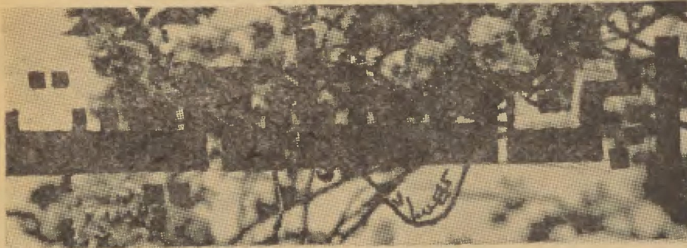
۱٤ــ قوت

۱٥ــ اثری ازماکسیم گورکی

۱٦ــ از مختر عین جهان است

۱۷ــ مجا لس العشاق اثر شس بشمار می رود

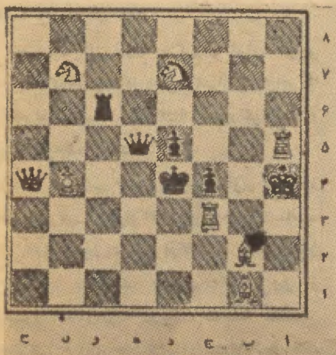






اگر پارچه های جدا از هـم‌راوکنارهم بگذارید تصویر یکـی از ستاره های معروف هندی راکه‌فعلاحیات ندارد بدست می آورید، آن اسمش رابما بنویسید.

مساله شطرنج



درین مساله سفید بازی راشروع کرده دردو حرکت سیاه رامات می کند شما حرکت اول سفید را برای ما بنو یسید.

مرتب صفحه: صالح محمدکهسار

جدول کلمات متقاطع

این جدول به افتخار روز های‌سره میا شت ترتیب گردیده است اما این جدول هیچ نمره ندارد. اما‌تنها ماشرح‌آنرا برای شمامینوسیم

۱ـ اگر اخرش را تکمیل سا زید مؤسسه خیریه می شود .

۷ـ ضد خوبی است

۳ـ نو یسنده مشهور دنیـــای غرب

٤ـ از خوا نند گان راد یـــو افغا نستان

۵ـ اخرش‌راقطع کنید تا مؤسسه ازخیر های جهان گردد

٦ـ از مؤسسه های خیریه های جهان

۷ـ دو پنج است

۸ـ خود ما .

۹ـحرف نهی عربی

۱۰ـ سرو یس خارجی .

۱۱ـ اگر راسته شود جـام آن مشهور می گردد

۱۲ـ حرف اشاره پشتو

۱۳ـ محبت است

۱٤ـنویسنده کتاب‌جمهوریت

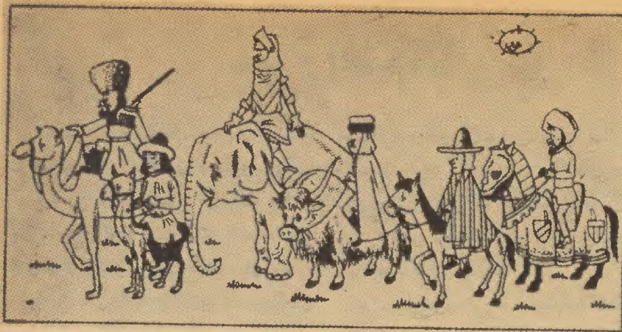
۱۵ـ از خوزدنی ها

۱٦ـ ثمر

۱۷ـ یك جمع یك است

۱۸ـ نوع از فلز ها

۱۹ـ درنده



درین تصویر شش نفررا ملاحظه‌میکنید که سوار اسب والاغ‌واشتر وگاو وغیره هستنداما نکته مهم‌درین‌جاست که این عده بر حیوا نــات عوضی سوار شده اند وشمابااندکی‌دقت بما بنویسید که‌کدایك ما لـك کدام حیوان است

بجایش بگذارید



چراغ انتیك از دست صا حبش‌افتاد وتکه تکه شده ولی او مـی میخواهد که پارچه های آن کـــه‌عبارت از چهارده پارچه است آنها ردو باره پیوند نماید شماهمراهش‌کمك کنید تاآنرا بحالش بگذا رید وبرای ما بنوسید .

چند اختلاف

بین این دو تصویر به ظا هـرشبیه، چندین اختلاف وجود داردآیا میتوانید اختلا فات را پیدا کنید؟





اعداد نامعلوم

بجای علامات درین مسله حسابی اصل اعداد را بگذارید ومساله‌رحل کنید .



خورشید وجلیا باهم خوب‌بازی‌میکردند

میرزاقلم‌ها

ولی تازمان فرسیدن نتیجهٔ نمایشنامه قطعات وسطح های گوناگون دیگری هم در پهلوی موضوع چیده شده‌که ازآنجمله ارتباط ماموران شعبه واتحاد زنان آنها خاصه تـــر کشمکش زنان بمنظور جلب منافع شان ونحوهٔ بهره برداری های آنها از رویداد هاوخلاهای حاصله همه حرکات وتك های گرم وقابـل وصفی است که درکمال پذیرش بوده وکلیت نمایشنامه راتضمین میکند . نقش هاو خاصـه ایفا گران پردهٔ دوم که همانا جماعت منفی نمایشنامه میباشند سطح ونحوه انتقـــادی دارد وهمین بازیگران که عبارت اندازاستـاد بیسد،حبیبه‌عسکر ،مزیده سروروحاجی‌کامران باطرح یك نقشه جدید به قوی ترین کمیدی وطنزدست پیدا میکنند که این موضوع سطح کمیدی را درنمایشنامه بالا می‌برد . بطوریکه باکلام خود، باحرکات خود، باژست ودیدخود هریك بسهم خود حادثهٔ مربوط بموضوع را بوجود می آورند وبداینطریق پرداخت هـــای مزه دار وکشداری در نمایشنامه پدید می‌آید که نگارنده آنرامحصول دائرکشن خوب وبعدا تدوین عاملانه نمایشنامه میخواند .

یکی از شاخص ترین خصوصیت نمایشنامه مرزاقلم هااینست‌که دراین نمایشنامه انبوهی ازاشارات وکلمات انتقادی موجوداست که این امرپاسبان قوی‌وبزرگی‌برای‌موفقیت نمایشنامه شمرده میشود. اگربگوئیم این نقادی تنها در چهارچوبهٔ ادارات خلاصه‌شده افاده‌ما مطلوب نیست زیرا نمایشنامه بدرون زندگی خانواده هایی نفوذکرده وتاحدودی اشارتا در امـــور اجتماعی، اوضاع اقتصادی، نحوهٔ معاشرت ها وصمیمیت های گدایی وعادت های دروغیـن رادر چنین فامیل ها برملامی سازد واتفاقات آنرا گزارش میدهد وخنده هایی برگوشه های لب تماشاچیان مینشاند .

درکمیدی مرزاقلم ها حمیدجلیا مانند یـك تابلوی گویایی درخشش دارد ، کامـران‌و استاد بیسد بهمان پیمانه که نقش های خود رالمس کرده اند بالاتر ازآن با احساســات بینندگان بازی میکنند واستادانه آنرا نوازش میدهند . حبیبه عسکر ومزیده سروردرمقابل هم دونمای قوی دردوتیپ و کـــرکتر خاص مشاهده می شوندکه عاملانه وموفقانه باربـط وارتباط تمام نقش های خودرا ایفا می کنند وکوچکترین خلایی درکار شان بملا حظـــه نمیرسد .

میمونه غزال ازنگاه تمثیل خوب است ولی سن وسالش باتوصیفی که درنمایشنامه نقش است مناسبت بهم نمیرساند .

بصورت عمومی کمیدی مرزا قلم ها یکی ازکمیدی هائیست که مطلوب اکثریت واقـع شده است که درتدوین وترتیب وعرضه آن کار افغان نـــداری در خورستایش است . نگارنده‌درحالیکه‌توجه‌وعلاقه‌افغان‌ننداری‌رادراین زمینه تحسین میکند آرزومند است که افغان ننداری علاوه برداشتن گامهای مترقی در راه عرضه وپیشکش درام های موافق بذوق مردم کار خودرا بطریقی تعقیب ودنبال نماید کـه سقوط ونزولی در شیرازهٔ کارهای هنری اش مشهود ومحسوس نشود.

آیا هالیود

درپهلوی هفت شرکت عظیـم شر کتهـای کوچکی جوانه زده وسر برون کرده است . بسیاری ازین شرکتهای کوچك‌فاقد افزارهای لازم هستند. درواقع این سرکتها دفترهایی اندکه سالانه دویاسه فلم رابا افزار هـــای گرایی واستعداد های آزاد روی پرده می‌آرند. این شرکتها سنگینی مصارف عظیم رااحساس نمیکنند. این شرکتها مانند شرکتهای دیگر فلمبرداری کارشان راانجام میدهند ومیدانند که صنعت سینمابه پدیده یی که پیش بینی آن بسیار دشوار است ، یعنی ذوق مـــردم، ارتباط دارد . سر انجام این نکته درك شده که درصنعت سینما مادهٔ تولید شده ارزشی ندارد. زیرااین ماده نوریست که روی پـرده میافتد. آنچه درین صنعت دارای ارزش است، رخداد هاییست که وقتی روی پرده نقش‌بست مردم برای دیدن آن پول بدهند. بادرك ایـن نکته کمپنی های بزرگ در صدد اند تـــا از مصرفهای بیجا وتجملی جلوگیری کنند ومنابع شان رادر راه های دیگر به‌کار اندازند .

به طورمثال شرکت پارامونت درحال حاضر سی کارمند دارد. واین شرکت باتولیدفلمهای (داستان عاشقانه) و (پدر خوانده) آسوده حال ترین شرکت هالیوود است . شرکتهـــا ی (برادران وارنر) و (کولمبیا) منابع تولیــدی شان را یکجا کرده اند ومشترکا از دستگاه های برادران وارنر استفاده میکنند .

متروگولدن مایر ساحهٔ فعالیتهایش‌راوسعت داده ودر لاس ویگاس هوتلی ساخته کـــه (بزرگترین وبهترین هوتل جهان) نـــامیده میشود . این شرکت ازدرك فروش ریکارد نیز سودهای سرشاری به دست آورده است .

فلمسازان شرکتها خود شان را بـه میان آورده اند، چیزی که چندسال پیش ازنادرات به شمار میرفت . حالاکارگردانانی چـــو ن (مایك نیکولس) ، (آرثورپن) ، (استانلی‌کیو برك)،(لاری پیرس)، (سدنی لیومت)، (کوپولا فریدکن) و(بوگدانو ویچ) خوشبخت اند کـه فلمهای خودشان را میتوانند ســاخـــت . امروز روشن شده که بهتراست این آدمهارا کمك مالی داد وآزاد گذاشت که فلمهایشان‌را بسازند تا اینکه مراقبت کارهایشان‌رابه‌دست گرفت .

(روبرت التمن) کارگردان فلمهای (مش) و (خداحافظی طولانی) ازینها هم جلوتر رفته است . وی ازمنابع انفرادی پول جمع آوری میکنند، فلمش راآنگونه که خودش میخواهد، میسازد. بعد، فلم تکمیل شده رابه استدیوها میفروشد .

همانگونه که شرکتهای بزرگ فلمساز ی منابع شان رادرزمینه های دیگر بـــه کـــار انداخته اند، شرکتهای دیگری چون (ریدرز دایجست)، مجلهٔ (پلی‌بوی)و(جنرال الکتریك) درسینما سرمایه گذاری کرده‌اند . این رقابت به حیث یك‌کل برای سینمای امریکا سودمند است .

آمران استدیو هادر هالیوود (نوین) به‌گونهٔ دیگراند. بسیاری ازین آمران بین سی وچهل سال دارند ومانند گذشته هاازه زیردستان‌شان دورنیستند . برخوردشان توأم باوسعت نظر است . این آمران میدانند که باید با مـــردم درتماس باشند ومانند آنان در سالون سینما بنشینند تاواکنش شان رادربرابر فلم‌دریابند. آنروز هایی‌که آمران استدیوهادر اتاقهـــای شخصی فلم تماشا میکردند، از یاد رفتـــه است .

بسیاری از ین آمران خود در گـــذشته کارمندان بااستعدادی بوده اند . آنان کـــه باچنین گذشته یی پابه میان نهاده انـــد، میدانندکه باید فلمی ساخت‌که نه تنها فروش شود، بلکه باید مورد پسند تماشاگران واقع گردد .

خصومت سینما وتلویزیون در شـرف از میان رفتن است . این عملیه به خصوص از هنگامی سریع شده‌که معلوم گشته موردپسند ترین پروگرامهای تلویزیو نی همان فلمهایی است‌که مخصوص تلویزیون ساخته شده‌است.

ازآنچه دربالا گفته شد، معلوم میگردد که وقتی فلم خوب باشد، مردم آن رامیپسندند وتایید میکنند . وحتی بیشتراز مجلـــه و تلویزیون ازآن خوش شان می آید. بر یـن اساس به نظر میرسدکه هالیوود عمر درازی دارد. بانمودار شدن کیفیتهای تازه یی بروی پرده وظهور استعداد های نوین در زمینهٔ سینما، میتوان گفت‌که هالیوود کاملا زنـــده است .

کلپ آریانا

هاآشنایی نداشت قضاوت خیلی عادلانـــه و دقیقانه مینمود که اصلا یك پائینت حق‌تلفی نمود متاسفانه دونفر ریفری (جدج) هـــای داخلی باآنکه به سیستم جدید نمره دادن وارد نبودند . اناتسر مسابقات خیلی پیش قدمی نمود درحالیکه مجموع نمرات هنوز جمع آوری نشده ونتیجه هنوز بدست نیامده بود کـــه غالب کی ومغلوب کی خواهد بود مسابقه را به نفع عزیزاعلان نمودندکه عملی بود نـــا سنجیده در حالیکه شاغلی شهاب الدین برنده شده بـود.

آمر کلپ آریانا علت بدبینی وعدم توجـه مردم را دراین ورزش چنین توضیح‌نمـوده وگفت :

که درگذشته یك تعداد جوانان ماازسپورت بکس بقسم آله جنگ یعنی ازمشت خودبه‌رخ دیگران استفاده میکردند تاجائیکه دیده شده عدم توجه مردم به این سپورت قبلا همین‌بود اکنون بوکسران ماهمه از طبقه منور وتحصیل یافته وفهمیده میباشند این موضوع دربین‌شان وجود ندارد نظربه گذشته فیصدی طرفـــداران این سپورت خیلی زیاد شده است .

ازشاغلی فخری پرسیدم‌که چه راهی را برای ورزش بوکس بطور خصوصی وهمه ورزش به طور عمومی پیشنهاد میکند :

به جواب گفت: یك بوکسر بائیست پابند به ورزش بوده ازخود استقامت ومتانت نشان دهد وتمرین خوبی بادوام چه بوکسر رابلکه هرسپورتمین رادرهر رشته که باشد میرساند ویك بوکسر بائیست مغـرور و متکبر نبوده خیلی حلیم وبرده بارباشدیعنی اخلاق‌سپورتی داشته باشد. هرگاه یك ورزش کـــار دارای اخلاق حمیده وکرکتر عالی وپابندی واستقامت داشته باشد (البته بادر نظر داشت گرفتـــن انرژی کافی که اکثرجوانان ما فاقد این‌چیز میباشند) هیچ جای شك نیست که به هدف واقعی خود نرسندوتاجائیکه دیده شده هستند عدهٔ جوانانیکه متاسفانه بعداز ورزش بـــه کشیدن سگرت معتاد شده وبجای شیروغذای خوب‌که رول مهمی رابه یك سپورتمین بازی میکند از سگرت استفاده میکنند چیز واضـح است که ایشان سپو رتمین خوب شـــــده نمیتوانند .

پرسیدم که درورزش بو کس که خیلـــی خطرناك است چه چیز رابابد درنظرداشت؟ شاغلی فخری گفت : یك بوکسر واقعـــی هرگاه ازطرز وروش اساس وتخنك بوکسنگ بادرنظر داشت روحیهٔ ورزشی تمام اطراف و اکناف خویش رامتوجه باشد وبافن بـوکس درست بازی کند هیچوقت کدام خطری متوجه اونخواهد بود.

درمورد سامان وسائیلیکه کنون در دسترس کلپ آریانا قرار گرفته آیا تکافوی احتیاجات شانرا میکند یاخیر واگر نمیکند از کـــدام راهی میخواهند آنرا تدارك کنند . آمر کلپ آریانا چنین گفت :

روی یك سلسله مشکلات اقتصادی تاکنون سامان ولوازم عصری به سویهٔ بین المللی که برای یك کلپ بوکس ویکنفر بــوکسر ضرورت است نداریم وروی مجبوریت ازهمین سامان تهیه شده فعلی خیلی ناچیز خـــود استفاده میکنیم . البته این سامان اکثراتوسط آمریت این کلپ تهیه میشود باآنهم قراریکه دربالا تذکر رفت مابا کلپ های کـــه دارای سامان ولوازم کافی که ازطریق کمك هـــای کشور های دوست مثلا اتحاد شوروی و غیره به ایشان صورت گرفته ودرکلپ های کـــه سامان شان به سویه بین المللی می باشد ورزش مینمایند مسابقاتی انجام دادیم وتقریبا نود درصد موفقیت ازآن مابود .

در قسمت تهیهٔ سامان تو جه مقامـــات صلاحیتدار سپورتی رامعطوف میداریم تا بـه تمام سپورتمین ها وخصوصا بوکسران کمك نموده ودرتهیه سامان ولوازم عصری مساعدت نمایند البته ناگفته نباید گذاشت که ریاست المپیك همیشه بااین کلپ مساعدت نمـوده وآن محل برای تمرین بدسترس این کلپ و سایر کلپ هاگذاشته اند .

موصوف افزود :

ریاست المپیك در قسمت دایر نمـو دن مسابقات حتی درموسم زمستان با شرایـــط نامساعد فعالیت نموده وکوشیده اند تاتیم‌های ملی انتخاب شود. گرچه تاکنون تیم ملـــی بوکس انتخاب نشده ماتوجه شانرا در زمینه خواسته وموفقیت بیشتر شان رادر پیشرفت سپورت درکشور ودایر نمودن مسابقات وتیم های ملی باقواعد عمومی کلپ ها آزادخواهانیم وآرزومندیم تاتیم های مختلف ر ا غـــر ض مسابقات ازخارج بکشور دعوت داده وهمچنان تیم های ملی افغانی راغـــرض اشتراك در دیگر کشور ها اعزام دارند .

ازاینکه نظربه گذشته المپیك در طرزوروش سپورت به سویه بین المللـی تغییـــرات و نوآوری هانموده است قابل ستایش میباشد زیرادر گذشته ماتنها یك تیم پهلوانی‌داشتیم وتاجائیکه دراین مدت دوسال دیده شده‌است تیم های مختلف ملی انتخاب واکثـــرا در مسابقات اشتراك نموده اند ماموفقیت بیشتر وتوجه جدی تری ریاست محترم المپیك رادر پیشرفت تمام رشته های سپورتی معطو ف میداریم تاباشد روزی که مانند سایرکشورها ازوطن عزیزمانیز چندین تیم در مسابقـــات جهانی اشتراك نمایند والبته طرز العـــمل و فعالیت فعلی المپیك درخوریاد آوریست. جهان است صورت گیرد .

اولین خانه که

عمارتی ساخته شدکه ساحهٔ آیینهٔ متحرك آن ۱۳۰۰ مترمربع بود واز اشعه منعکسه آفتاب انرژی تولید گردیدکه بکمك انرژی بخار آب یك موتور باقدرت یکصدپبی اس بحرکت آمد. اماچون این طریقه اقتصادی نبود بنابـــران بمرور زمان اهمیت خودراز دست داد .

باپدید آمدن بحران انرژی درسال ۱۹۷۳ نگرانی هایی در جهان روآوردکه غالبا بـــا سراسیمگی همراست . شرکت های بـــرق، صاحبان موتر وانحصارات نفتی ودولت هـــا توصیه می دارند تابنزین را صرفه جویی نمایند. ازهمان سال درجهان صنعتی سعـــی می گردد تااز انرژی آفتاب استفاده درمصرف مطلوب واقتصادی نمایند .

مامورین سکتور انرژی در ایالات متحـــده امریکا درفبروری ۱۹۷۵ دستگاه بزرگ انرژی گذاری نمودند وگفته میشود که این دستگاه تاسال ۱۹۸۵ بپایهٔ اکمال خواهـــد رسید و مصرف هریك کیلووات آن ۵۰۰ دالرسنجش شده است .

آفتاب راباظرفیت ۵۰۰۰۰ کیلو وات تهـد اب درآلمان برای نخستین مرتبه دستگاه انرژی آفتاب در اپریل ۱۹۷۵ اعمار یافت که ازماه می تاسپتامبر در حدود ۶۵۰۰۰ کیلو وات فی ساعت ، انرژی تولید میدارد. در نظر است که درمنطقه سوالمتال ایالت این دستگاهی دیگری انرژی آفتاب اعمار گردد که در فصل زمستان نیز کار کرده بتواند . وزارت‌تحقیقات شان میدهد که فقط شش درصد از برق‌که انرژی آفتاب تاسال ۱۹۸۰ سالانه مبلغ ۲۲ ملیون مارك را تخصیص میدهد . احصائیه علمی وتخنیکی آلمان فدرال جهت استفاده از یك خانواده آلمانی بمصرف میرساند، درراه روشن‌نمودن‌منازل استمال میگرددونودوچهاردر صد ازبرق، درهر خانواده بمصار ف دیگـر میرسد . لذاساختن خانه هایی که با نـورو حرارت آفتاب گرم شود درمصرف برق صرفه جوئی می شود واقتصاد انرژی را تقویـــت می بخشد .

بروز واقعات

جهان نقش ارزنده وفعالی داشته وتعـــداد اینچنین دوایر ومجامع نیکوروز افزون است.

موسسه خیریه سره میاشت در کشورعزیز مایکی ازین مراکز میباشد . سره میاشت در مواقع بحرانی در حدتوان به یاری مستحقان شتافته است . سره میاشت نه تنها درداخل ازمصیبت دیدگان دستگیری مینماید، بلکه در خارج ازکشور نیز هرآنی‌که لازم دیده وبودجه کفاف داده ازکمك دریغ نورزیده است .

انجمن هاومراکز خیریه چشم نیاز همـهٔ مستمندان وبیچارگان است ولی اینها خودهم برای تقویت بیشتر وازدیاد بودجه نیازمنـد کمك مردم میباشند . سره میاشت نیز که‌یکی ازین هااست برای کمك هرچه زیادتر بـــه مصیبت دیدگان، نیازمند همکاری است واین نیازمندی رانباید کوچك شمرد. تقویت سره میاشت در حقیقت دستگیری غیر مستقیـم از مستمندان ومحتاجان است . دستگیری ازطفل یتیمی است‌که پدرومادرش رادر حادثه ای از دست داده ، کمك به آن پیرزنی است‌کـــه خانواده اش در سانحه ای ازبین رفته اند ، معاونت به آن فامیل بافامیل هایی است که دارونداد شانرا سیل برده وبرهنه مانده‌اند...

پس نباید سهم ووظیفهٔ ایمانی ووجدانی خویش رادر برابر این موسسه نیکو و خیر اندیش انجام داده به اندازهٔ توان وقـــدرت مالی خودباآن‌کمکی کنیم ودرتقویت‌بنیه‌مالی‌اش

آتش‌فشان

آتش فشانهای جوان افغانستان تقریبا یك ملیون سال از امروز فعالیت داشتند. بعضی آتش فشانهای این سرزمین تاریخی اشکال مخروطی خودرا نگهداشته اند وتمام آثـــار آتشفشانی ازقبیل جریانات آتشفشانی، انفلاق بمب ها آتشفشانی وبروز جریانات آبهای‌گرم رادرچندین منطقه وطن خودبه وضاحت ملاحظه کرده میتوانیم .

آفت طبیعی‌که تاحال ازآن صحبت کـردیم همچنانکه خسارات عظیم برای بشر بارمی‌آورد خالی از مفـاد نیست زیـرا از محصولات آتشفشانی وانرژی فوق‌العادهٔ که دارامیباشد میتوان استفاده خوبی کرد .

گرچه ازگازاتیکه دروقت عمل آتشفشا ن هاخارج میشود تاهنوز استفاده صورت نگرفته امااز عملیات مابعد آتشفشانی مانند گـازات فومارول ها، بخارات آب‌گرم که درجه‌حرارت آن بین (۷٤) تا (۲٤۰) درجه سانتیگراداست وفشار زیاد از زمین خارج میشود استفـاده بعمل آمده. مثلادرایتالیا درسال ۱۹٥٤تقریبا شش فیصد تمام انرژی برقی بااستفـــاده از انرژی آتش فشانهای ایتالیا تولید گردیده‌بود. ازگازات وبخارت آب محصول آتش فشانهـا درصنعت کیمیا واز خاکستر آتشفشانهـا در زراعت تاکنون استفاده بعمل آمده است .



میز خالی

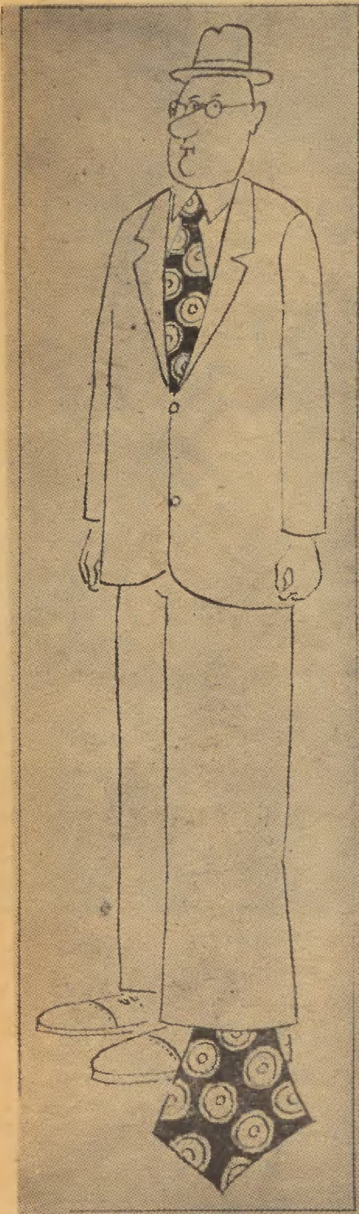
جوان شیك پوشی وارد كا فی شده ،پولی به پیشس خد مت داد. پیش خد مت پرسید!
—می خواهید، برای شما قبلا میز تهیه کنیم؟
جوان شیك پوشی جواب داد:
نخیر، بر عکس ،می خوا هم یك ساعت بعد وقتی با دو خانم اینجا می آییم ،بگو یید میز خالی وجود ندارد .

مرد ساده لوح

یك دهاتی ساده لوح، که نزدیك ثروتمند پش خدمت بود. کار خود زارها کرده، جای دیگری رفت وازثرو تمندی دیگر تقا ضای کار کرد.
ثرو تمند گفت!
—قبلا جایی کار می کردید ؟
—بلی ،نزد یك ثروتمند دیگر درقریهٔ مجاور کار می کردم وچهار ماه آنجا بودم .
—چرا محل خدمت خود را ترك کردید؟
—میدانید، موضوع خوراك موجب‌شد که‌من آنجا را ترك کنم.
—چطور؟ خوراك آنها بد بود
—نخیر ،ماه اول ،که آنجا بودم‌کاو وی مریض شد وآنرا کشتندو آنرا خوردیم، ماه دوم یك گو سفندوی‌مریض شد وآنرا تمام کردیم ماه سوم اتفاقا مرغ آنها را هم خوردیم‌هفته پیشس متاسفانه‌مادر وی‌عمرش رابه شما داد ومن فورا فرار کردم!

قرض گرفتن

آدم بد حسابی ،که هرچه ازمردم قرضی می گرفت‌پس‌نمی داد.روزی به‌یکی از رفیقا نشس گفت:
—خوا هش می کنم، صد افغانی به‌من قرض بده، سر ماه پس می دهم، مطمین باش، این تقا ضا را آدم باشرفی ازتو می کند!
—بسیار خوب ،فردا باآن آدم با شرف بیاتا بدهم!


بدون شرح


بدون شرح

شرینی

مردی روزی بزن خود دستور پختن شیرینی داد زن گفت، آخر تخم مرغ نداریم .
—لازم نیست بدون تخم مرغ درست کنید.
—قند هم نداریم .
—از قند هم صرف نظر کنید.
—شیر از کجا بیاوریم ؟
—عوض شیر آب بریز ؟
—آرد گندم هم دردسترس نیست
—با آرد جو بپز!
زن مطابق دستور شیر ینی را پخت ونزد شوهر نهاد .
مردمی خورد وسر می جنباند که من نمیدانم این ثروت مندان چگونه چیزی بدین بی مزگی را می خورند؟
ژوندون

حسادت

فهمیده برای هردو دقایق تلخی رابار آورده است .

لهذا موضوع راباعلمای روانشناس‌میگویند وعلما مشوره میدهندکه لیندا عقده دارد زیرا تحصیلات خودرا کافی نمیداند . چون شوهر تعلیم یافته ودارای تحصیلات عالی است پس لیندا باید درتکمیل تحصیلات خود بکوشد . لیندادر صدد تکمیل تحصیلات خود شـــده کورسهای زبان، حقوق‌دفترداری راتعقیب نمود ودرمباحثات شوهرش شرکت کرده تاوقتـی‌که اعتماد به نفس پیداکرد . بعداز آن به خوبی میتوانست بالای موضوعات شوهر ش نظـر بدهد. احساس حسادت وی‌ازبین رفته بالاخره بالای حسادت های بیجا وبی مورد خود کـــه تاثیر ناگوار در زندگی زناشویی آنها وارد نموده بود میخندید .

بعضا حسادت بیجا ومنفی میباشد وشکـل جزاء رابخود میگیرد وبارها اتفاق افتاده که باعکس العمل های حسادت حربهٔ برای جلب نظر ویااسترحام اعضای فامیل بوده استودر آنصورت حسادت جنبهٔ منفی داشته وفضا را مسموم نموده فامیل ویامناسبات انسانها را برهم زده وتاثر بار می آورد. چون احساسات رانباید بکلی خوب ویابکلی بدنامید . لهذا باید کوشش شود که در عکس العمل هامبالغه نشود. اندازه معین ادویه جات مخدره که از طرف علمای طب به مریضان تجویز میگردد برای سلامت وجود ضروری پنداشته میشود لهذا حسادت هم به‌اندازه معین آن درمناسبات انسانها رول مثبت داشته به شناسایی پرابلم های روانی کمك میکند .

یکی از علمای روحیات میگوید: که حسادت چرارنج آورد است؟ وموضوع رابدین صورت توضیح میکند که چون احساس حسادت ازعمق روح منشاء میگیرد که بالای آن دماغ تسلط ندارد وتحت کنترول تعقل درآمده نمی تواند لهذا تبارز حسادت رنج تولید می نمایـــد . وقتیکه یك نفر روی احساس حسادت مشتعل شود باید بخود بیندیشد وفکر کند که چرا حسود است ؟ سوالاتی مثل حسودبودن بالای کی ؟ وبالای چی رامورد غور قرار بدهـد ؟ ودرجستجوی سبب ومنشاء حساد ت شـده عقده راازبین ببرد. ودر صورت امکان موضوع به یك روانشاس گفته شود ودر مورد توجه علمای روانی جلب گردد .

یك عالم‌روحیات میگوید:که وقتی‌یك‌مریض بوی مراجعه کرد درخلال صحبت های خـود حسادت خودرا راجع به خانمش ابراز نموده گفت: خانم موصوف دردعوت ها همیشه بـا مردان پرحرفی میکند وگرم میگیرد که ایـن عمل خانمش باعث رنجش خاطر مریض شده وحسادت وعقده تولید نموده است .

بالاخره معلوم شد که شوهرش بعداز ختم کارروزمره خودرا مصروف خواندن اخبارنموده وبدیدن تلویزیون میپردازد . وبه پرابلم های خانوادگی خودتوجه نمی کند و علما مشوره دادندکه کوشش شود تاطرزالعمل شوهر تغیر نموده وتفاهم ایجاد شود و پرابلم هـــای خانوادگی بین زن وشوهر تحت غور قـــرار گیرد. بالاخره کشیدگی ازبین رفت . درین خانواده بروز حسادت ومجادله به آن سودمند ومفید واقع شد وفضای خانواده گوارا تـــر گردید .

دربعضی فامیل ها موجودیت اطفال حسادت تولید میکند کـــه این نـوع حسادت خیلـی دردناك است ، مثلایك مادر اعتراف میکند که وی چند وقت بادخترکش حسادت داشت ودر مقابل دخترك خورد سال خود احساس بدبینی مینمود. موضوع تحت ارزیابی قرار گرفت و معلوم شدکه تمایلات طبیعی شوهرش بدخترك باعث حسادت شده است . چون پدر بدخترك خودعلاقه مند بودو دخترك هم به پدر خـــود صمیمیت داشت باعث شعله ورشدن احساس حسادت درمادر شده وعقده تولیـــد نمود . علاقه مندی دخترك به پدرش طبیعی بـــوده وهم اظهار صمیمیت پدر ازجمله صفات نیك پدری است یك پدر باید به اطفال خودمحبت داشته باشد واطفال هم احساسات دوستـی وتمایل دیگران رامنعکس میسازند پس هردو عمل طبیعی بوده واشتغال احساسات حسادت

درخانم موصوف بیجا وبی مورد بوده وفضای فامیل را غمگین وافسرده ساخته است .

به کمك علمای روحیات این عقده تشخیص وتداوی گردیدکه آن مو ضوع برای بهبودی واستحکام مناسبات فامیل مذکور موثر واقع شد هردوره زندگی قیودات وآزادی هـــا ی باخود می آورد، مثلا بنای یك فامیل آزادی فردی را منحصر میسازد. واحساس حسادت درمقابل آنهایی پیدا شود که هنو ز بنـــای فامیل را نگذاشته اند . درحالیکه بنای یـك فامیل طبیعی وحتمی است .

همه اقسام وانواع حسادت هااز تمایلات ، غرائض واحساسات سرچشمه میگیردکه مبداء اصلی این عکس العمل هادر نارسائی افکـار وتربیه ومیتود های غلط اجتماعی انسانهانهفته است .

پس باید از بـــروز حسادت بی جـــاه وعکس‌العمل های بی موردکه روی سوء تفاهم بوجود بیاید جلوگیری بعمل آورد و منشاء حسادت را جستجو کرده برای آمیزش نیـك جدوجهد نمود. به حسادت نباید چندان توجه کردکه باعث اختلالات روحی، عقده ها، بالا تصمیمی گـــردیده تباهی بار آورد . منشاء ومنبع حسادت باید جستجو شود وازعواقب ناگوار آن جلوگیری بعمل آید ودر مقابـــل ضعف مجادله شود. انسانها باید همیشـــه کوشش کنند که درباره این نوع عقده هاحرف بزنند واز بروزآن خودداری کنند .

حسادت وقتی بی ضرر است که مبداء آن به تعقل مطالعه شود وباعکس العمل هـــای شدید وبی مورد آن مجادله شود وازبین برده شود تافضای یك فامیل را مسموم ننموده در استحکام وتولید صمیمیت موثر واقع شـــود درآنصورت مجادله باحسادت میتواند تعمیری باشد نه تخریبی پس گفته میتوانیم‌که اندازهٔ موزون ومعین واز بین بـــردن این احساس وسیله ایست که معیار عزت نفس رابالابرده وکرکتر راقوام میبخشد .

درزیر آبهای آرام

همچنان در این موقع کشتی یی بابار ۵هزار تن ذغال چوب‌که صدور آن بخاطر جلوگیری ازقطع اشجار جنگلی منع است به صـــورت مخفی از بندرگاه مومبات سنگر گرفت . این محموله ۵ میلیون پوند ارزش دارد .

اکنون معلوم شده‌که ۱۰ فیصد ساحـــه جنگلی درکینیا بکلی ازبین رفته است . برای تولید یك تن زغال باید ده تـــن چـــوب را سوختاند . زغال چوب یکی ازمهمترین مـاده سوخت در شرق میانه بحساب می آید .

درکینیا می توان هزارتن زغال رابه ۳۰هزار پوند خرید وآنرادر شرق میانه به ۹۰۰ هزار پوند فروخت که به‌این ترتیب تجارت زغال سود بزرگی به همراه می آورد .

کمپنی یونایتید افریکن پوریشن به جمع آوری سود عظیم ازراه تجارت عاج در کینیا مشغول است . این کمپنی دراپارتمان بزرگی که مالکیت آنرا آغاخان بدست دارد مشغول است . ٤۹ فیصد سهم این کمپنی رامارگرتا کینیاتا بدست دارد .

این‌کمپنی شبکه وسیعی درهانکانگ، جاپان وبروسل دارد. طی سال ۱۹۷۲ این کمپنـی بیش از ۵۰ تن عاج رابه پیکنگ انتقال داد.

طی سال های ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۳ سطح تورید عاج فیل به هانکانگ ازه فیصد به ٦۸۷ فیصد بالارفت‌که اکثر این عاج هااز کینیا واردشده ونشاندهنده این حقیقت تلخ است‌که زندگی فیل هابخاطر بدست آوردن سود روبه ویرانی است .

(پایان)

صفحه۵۹

شخصیت زن

استد ولبخندمیزند زیرا او دیـگر به هـدف نهایی اش‌رسیده است او دگرپیر وضعیف نیست می بیند زرات وجودش در پیکـــر فرزند برومندش سر شار ازآهنگ زندگی وقاطعیت است بهر زندگی وسرور است و سرشار از اندازه‌ایکه صدای مادر ضعیف‌می گردد بهمان اندازه صدای رساتر فرزند جای آنراپر میسازد زیرا زندگی بذات خودجهد است.

مبارزه است پیکار است. مادر در مبارزه زندگی فرزند برومندش رابه جامعه فرداتقدیم میکند فرزندی که باقاطعیت میتواند انعکاس دهنده آرزوهای مادر باشد فرزندی که میتواند داغ اسارت مادر راتاسرحد نابودی محونماید وبالاخره فرزندی‌که‌حماسه‌ی مادر رادر کار زار حیات هرگز فراموش نخواهد کرد وآنرا بـه گوش فرزندان فردای انسانی زمزمه خواهـد کرد ولی ستاره زندگی مادر روز بروز تاریك وتاریکتر میشود ومادردر مقابل قد خمیده اش که ارمغان یك عمر رنج وشادی اش اسـت سایه رساتری رامی بیند سایه کسی راکـه خود اوست وفرزند اوست اکنون مادر منتظر است تادر آخرین دقایق زندگی اش نیزشاهد پیروزی فرزندش باشد ودر آخرین لحظـات واپسین فرزندش رابسوی آزادی وشکوه‌مندی جامعه دعوت می‌کند اما جامعه باوچه میکند .

اورا بنام مادر یافرشته ای‌که سبب زندگـی وآزادی فرزندش می گردد یاد مینماید وخـدا مادررا آفریده تافرشته روی زمین باشد وهر کجا که پاگذارد تخم شـادی وزندگـــی را برویاند .

ومادر راآفرید تاجامعه ونسل بشر عاطفه راازعواطف اوتکامل بخشد ومادر راآفریـد تانسل بنسل نیرومند وجاودان بماند .

فال حافظ

درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیریدبه‌تصویر بالا توجه نموده یکحرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔبزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حرف اول باشدیادوم باشدیامثلا پنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وآنگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفته مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافظ‌شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌میم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل‌مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !

واکسین

یکنوع باکتری بسیلوس بوده که از تماس نمودن بامواد ملوث با میکروب، ازیك شخص به شخص دیگر انتقال مینماید . منبع مهم مصاب شدن به مرض جمله مواد غذایی از قبیل آب، شیر وغیره میباشد،که با بسیلوس محرقه آلوده شده باشند . چون میکروب معمولا در فضله شخص مریض وجود دارد .

بناء ناقل مهم‌این میکروب مگسهانیزمیباشند. واکسین محرقه دارای بسیلوس مرده محرقه بایك ماده‌ای کیمیاوی بنام فینول میباشد. درهرسی سی و اکسین مذکور در حدود یك هزار وپنجصد ملیون بسیلو س مرده محرقه وجود دارد .

معمولا اطفال کوچك رادرسن شش سالگی واکسین محرقه می نما یند واکسین بوستر آن باید در هر دوالی چهار سال تکرارگردد.

۳- واکسین کولرا

مرضی است‌که عامل آن کولرا وانبریو بو د ه و میکر و ب سیستم جهاز تنفسی رامتاثرمی سازد . علایم آن اسهال شدید وتهوع است که شخص مریض به سرعت مایعات جسمی خودرا از دست میدهد .

این مرض در جوامع نادار وغریب‌که‌مراعات حفظ الصحه رانمی نمایند، دفعتا ظهور نموده وحالت اپیدیمی رابخود اختیار می کند . ودراندك زمانی تعداد کثیر اشخاص را نابود میسازد . چون میکروب درقی واسهال‌مریض بکثرت یافت میشود، بناء ناقل عمدهٔ آن‌مگس ها میباشند که آنرا روی مواد غذایی‌اشخاص سالم انتقال میدهند .

مرض معمولا درایام تابستان بروز می کند بناء درجوامع‌که مدفوعات انسانی بطورصحیح ازبین برده نمیشوند، واکسین نمودن محرقه رانباید درهرسال فراموش نمود .

واکسین محرقه رامعمولا دو مرتبه، طوریکه فاصله بین واکسین اول ودوم در حدود یك هفته باشد، به اشخاص تزریق مینمایند.

٤- واکسین حمای لکه دار

حمای لکه دار مرضی است که ناقل آ ن شبش انسان بوده وعامل آن زنده جان های کوچکی بنام ریکتسیا میباشند .

چون حمای لکه‌دار نیز ازجمله امراضی‌است که درمواقع جنگ ویادر جوامع فقیر اکثرا ظاهر میگردد، بناء واکسین نمودن آن درچنین جاها ضروری میباشد .

٥- طاعون

علایم این مرض تب های شدید، بروز حالات عصبی، عدم فعالیت نورمال قلب و بالاخره ظهور حالت کومادرمریض‌میباشد.

باوجودیکه سه نوع مختلف مرض فوق وجود دارد، باین هم عامل آنهایکنوع باکتری بسیلوس میباشد . ناقل مرض طاعون ، کیك وپشه ها بوده که میکروب را از موشها به انسان ها وبرعکس انتقال میدهند . معافیت راکه از اثر واکسنیشن، واکسین طاعون در انسانها تولید میشود، در حدود شش ماه دوام مینماید. واکسنیشن دردو دوره صورت میگیرد طوریکه فاصله بین واکسین اولی و واکسین دومی‌درحدودهفت الی ده روزمیباشد.

ناگفته نباید گذاشت که یکعده امراض دیگری نیز وجود دارندکه دارای واکسین هابوده ودرمواقع لازمه به اشخاص تزریق میشوند .

جدول ذیل برخی ازواکسین های رانشان میدهد :

نوع‌واکسین	سن اصغری که درآنموقع واکسین تزریق شود
۱- محرقه	٤-الی ٦ سال
۲- کوکرا	٦ ماه
۳- حمای لکه دار	٦ ماه
٤- طاعون	٦ ما

مقدار وتعدادآن	وقفه بین‌هرمرتبه
۵ر۰ سی‌سی دومرتبه‌و۰ر۱سی‌سی	۷-۲۰روز
در۰ سی‌سی دومرتبه‌و۰ر۱سی‌سی	۷-۲۰روز
۵ر۰ سی‌سی دومرتبه‌و۰ر۱سی‌سی	۷-۲۰روز
۵ر۰سی‌سی‌و۰ر۱سی‌سی‌دومرتبه	۷-۱۰روز
۰ر۱ سی‌سی دومرتبه	۷-۲۰ روز
۵ر۰ سی‌سی دو مرتبه	۷-۱۰روز

کسب معافیت در اثنای حمل در زنان :

البته میدانیم که جنین در اثنای نشو و نمای خود در رحم ما در از کلیه امراض محیطی دور بوده وهمچنان دوران خون و ی ارتباط مستقیم به خون مادر دارد. بدین‌لحاظ اگر مادر بقدر کافی درمقابل امراض معافیت داشته باشد ، خون طفل نیز دارای انتی‌بادی های میباشد که ازخون مادراخذ نموده است یعنی بطور ساده درمقابل همان امراضی که مادر معافیت دارد. طفل نیز معافیت میداشته باشد. بناء برمادران است که باید بکوشند تاقبل ازایام بارداری ، دارای معافیت کافی بمقابل امراض مهم باشند. البته طفل حین تولد نیز متکی برهمین انتی بادی های است که ازخون مادر اخذ نموده است . ولی متاسفانه چون مدت دوام انتی بادی هادرطفل پس ازتولد - کم میباشد بناء والدین متوجه باشند که در اوقات معین به اطفال عمل واکسنیشن رافراموش نه نمایند .

مادران باید قبل ازموقع بارداری درمقابل امراض و یروسی مخصوصا چیچك‌و واکسین شده باشند. البته درست نیست که مادری رادرموقع حامله بودن خالکوبی چیچك نمائیم .

واکسین ها ی دیگری که تزریق آنها در دورهٔ بارداری ممنوع قرار داده شده ، عبارت انداز: واکسین محرقه، واکسین‌بی-سی-جی. واکسین سیاه سرفه ووواکسین دیفتری .

ازآنجاکه خانواده های سالم وبانشاط ، یك جامعه مرفه وسالمی رابوجود می آورند . بهمین اساس دولت جمهوری افغانستان کلینیك های متعددی راجهت واکسنیشن مردم کشورما درنواحی مختلف موظف نموده‌است تادراوقات معین مراجعین رامجانا واکسنیشن نمایند. بناء برماست که ازین امر غافل‌نبوده وبکوشیم که اطفال وسایر اعضای فامیل‌خود راازخطرات احتمالی عده از امراض مهم باواکسین نمودن، برهانیم . تابتوانند بدون دغدغه خاطر- آزادانه بکار های امور حیاتی خویش به پردازند .

انیس
ژوندون

اطلاعات و کلتور

رئیس تحریر : محمد ابراهیم‌عباسی
مدیر مسؤل نجیب رحیق
معاون : پیغله راحله راسخ
مهتمم: علی محمد عثمان زاده .
تیلفون دفتر رئیس تحریر ۲٦۹٤۵
تیلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹
تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲٦۸٤۹
تیلفون ارتباطی معاون ۱۰
تیلفون منزل معاو ن٤۰۷٦۰
مدیریت توزیع ۲۳۸۳٤
سوچبورد ۲٦۸۵۱
آدرس : انصاری واټ
وجه اشتراك :
درداخل کشور ۵۰۰ افغا نی

فال حافظ

شنبه

۱ـ سرفرازم‌کن شبی ازوصل‌خودای نازنین
تا منور گردد از دیدارت ایوانم چوشمع
۲ـ هزار دشمنم گرمی‌کند قصد هلاك
گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باك
۳ـ تویی که خوبتری ز آفتاب وشکر خدا

که نیستم زتو در روی آفتاب خجل
٤ـ ازثبات خودم‌این نکته‌خوش‌آمدکه‌بجور
در سر کوی تو ازپای طلب ننشستم
٥ـ چو شاهدان چمن زیردست حسن تواند

کرشمه بر سمن و جلوه بر صنوبر کن
٦ـ عمر بگذشت به بیحاصلی و بلهوسی
ای پسر جام میم ده که به پیری برسی
۷ـ یارب این آینهٔ حسن چه جوهر دارد
که در او آه مرا قوت تاثیر نبود

یکشنبه

۱ـ هرآنکس‌راکه‌درخاطرزعشق دلبرباریست
سپندی‌گودرآتش نه‌که داردکاروباری خوش
۲ـ می دوساله و محبوب چارده ساله
همین بس است مرا صحبت صغیر وکبیر
۳ـ مست بگذشتی واز خلوتیان ملکوت

به تماشای توآشوب قیامت بر خاست
٤ـ زعشق ناتمام ماجمال یار مستغنی‌است
به‌آب ورنگ وخال وخط چه‌حاجت‌روی‌زیبارا
٥ـ درویش نمی پرستی وترسم که نباشد

اندیشه آمرزش و پروای ثو ابت
٦ـ بلای‌گردان جان‌وتن‌دعای مستمندان‌است
که بیندخیرازآن خرمن‌که‌ننگ‌ازخوشه‌چین‌دارد
۷ـ باغبان‌گرپنج روزی صحبت‌گل بایدش
برجفای خار هجر ان صبربلبل بایدش

دوشنبه

۱ـ دل کز طواف کعبه‌کویت وقوف یافت
از شوق آن حریم ندارد سر حجاز
۲ـ بوی بهبود ز اوضاع جهان می شنوم
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد
۳ـ بعداز ینم چه غم از تیر کج اندازحسود

چون به‌محبوب کمان ابروی خود پیوستم
٤ـ از چشم زخم خویش مبادت‌گزند زاینکه
دردلبری به غایت خوبی رسیده ای
٥ـچوگل‌گرخورده‌ای داری‌خدارا‌صرف‌عشرت‌کن

که قارون راغلطها داد سودای زر اندازی
٦ـ خوش‌هوایی‌است فرح‌بخش‌خدایابفرست
نازنینی‌که به رویش می گلگون نوشم
۷ـ گوشوار زاو لعل ارچه‌گران دارد گوش
دور خوبی گذران است نصیحت بشنو

سه‌شنبه

۱ـ کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم
۲ـ وفا کنیم و ملامت کشیم وخوش باشیم
که در طر یقت ما کافریست رنجیدن
۳ـ گرچه میگفت که زارت بکشم می دیدم

که نهانش نظری بامن دلسوخته بود
٤ـ تا چند همچو شمع زبان آوری کنی
پروانه مراد رسید ای محتسب خمو ش
٥ـ دیدهٔ بد بین بپوشان ای‌کریم‌عیب پوش

زین دلبریها که من درکنج زندان می‌کنم
٦ـ تشنهٔ بادیه را هم به زلالی دریاب
به امید یکه درین ره به خدا میداری
۷ـ تخم وفا و مهر درین کهنه کشتزار
آنکه عیان شود که بود موسم درو

چهارشنبه

۱ـ فتوی پیر مغان دارم وقولی‌است قدیم
که حرام است می آنجا که نه‌یاراست ندیم
۲ـ زلف دلدار چو زنار همی فرماید
بروای شیخ که‌شد برتن ماخرقهٔ حرام
۳ـ نصیحت‌گوش‌کن جاناکه‌ازجان‌دوستتردارد

جوانان سعاد تمند پند پیر دانا را
٤ـ دلت به‌وصل‌گل ای بلبل سحرخوش‌باد
که در چمن همه گلبانگ عاشقانه تست
٥ـ طبیت عشق مسیحادم است‌ومشفق‌لیك

چو درد در تو نبیند کرا دوا بکند ؟
٦ـ زاهد ازمابه سلامت بگذرکاین‌می‌لعل
دل ودین می برد ازدست بدان‌سان‌که‌مپرس
۷ـ دل حافظ که‌بدیدارتوخوگرشده بود
ناز پرورد وصال ا ست مجو آزارش

پنجشنبه

۱ـ چرخ برهم زنم ارغیر مرادم گردد
من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلك
۲ـ هر چند غرق بحر گناهم زصد جهت
تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمتم
۳ـ خواهم‌شدن به‌بستان چون‌غنچه‌بادل‌تنگ

وآنجا به نیکنا می پیراهن دریدن
٤ـ ساعتی ناز مفرما و بگردان عادت
چون به پرسیدن ارباب نیاز آمده ای
٥ـ پاك وصافی شوواز چاه طبیعت بدر آی

که صفایی ند هد آب شراب آلوده
٦ـ در آن شمایل مطبوع هیچ نتوان گفت
جز این قدر که رقیبان تند خو داری
۷ـ حافظ هرآنکه‌عشق نورزیدووصل‌خواست
احرام طوف کعبهٔ دل بی وضو ببست

جمعه

۱ـ زخوف هجرم‌ایمن کن اگرامیدآن‌داری
که از چشم بداندیشان خدایت درامان دارد
۲ـ صوفی‌که بی توتوبه زمی‌کرد، بوددوش
بشکست عهد چون در میخانه دید باز
۳ـ چشمم برای ساقی وگوشم به‌قول چنگ

فالی به چشم وگوش درین باب می زدم
٤ـ اگر چه مرغ زیرك بودحافظ در هواداری
به تیر غمزه صیدش‌کرد چشم آن‌کمان ابرو
٥ـ شده خراب وبدنام وهنوز امیدوارم

که به همت عزیزان برسم به نیکنامی
٦ـ راز درون پرده زرندان مست پرس
کاین حال نیست زاهد عالی مقام را
۷ـ ساقی بیا که هاتف غیبم به‌مژده‌گفت
با درد صبر کن که دوا می فرستمت

زندگانی مغاره نشینان درارتفاعات

در مراتب اولیه زندگانی بشر دوره‌های قدیم حجر مرحله ایست‌که آنرا دانشمندان‌ومؤرخان (دوره زندگانی بشر در مغاره های مرتفع) تعبیر کرده اند و قراریکه وضع اقلیمی و جغرافیایی کشور ما نشان میدهد. انسانها درین دوره‌پناه گاههای خوبی‌دردامنه‌ها وکمر های کوهها داشته ومخصوصا دامنه های جبال‌هندوکش که دارای‌جلگه های وسیع بیشتر بود برای این نوع زندگی مساعدتر بود.

مغاره نشینی‌تقریبا ازپنجصدهزار سال قبل باینطرف در صحنه آسیا معمول بوده وبعد ازچهارصدو پنجاه هزار سال ، در پنجاه هزار سال اخیر باشکاریان مغاره نشین‌در بسیاری از نقاط آسیااز جمله‌درچین، افغانستان و ایران مواجه می‌شویم.

در افغانستان مخصوصا نام (قره کمر) با مراتب زندگانی مغاره نشینی در ارتفاعات سابقه بس تاریخی دارد .

غار قره‌کمردر هشت میلی شمال ایبك (سمنگان) بین پلخمری و تاشقرغان در مجاورت قریه ای واقع شده به نام (سر کار) ودردامنه های‌جنوب شرقی کوهی‌قراردارد‌که بردهکده مذکور حاکم است .

ارتفاع این‌مغاره از سطح دریا دوهزاروسه صد فت و بلندی آن از روی جلگه چهارصدو پنجاه فت می باشد وعلت‌موجودیت این پناه‌گا های کوهی درارتفاعات یکی‌ترس انسان‌ازغافل‌گیرشدن ازشرحیوانات درنده بود و دیگری داشتن چشم انداز وسیع روی جلگه به قصد پیداکردن وتعقیب کردن شکار .

این باشگاهی باستانی انسانی‌رو به جانب جنوب بوده وتقریبا از آفتاب و روشنی کافی بر خوردار‌بود وهمچنان در اثر داشتن آفتاب،گرمی وحرارت همیشگی داشت .

هکذا نسبت بودن آب‌درنزدیکی این مغاره حیوانات به کثرت‌درگرد ونواح آن تردد داشتند .

علاوه بر این مزیتها که‌تذ داده شد در روز گاران قدیم که مغاره، مسکون بود مواد سوخت در ماحول آن‌بوفرت پیدا میشد ونیاز باشند گان مغاره را مرفوع میساخت از روی تحقیقات دانشمندامریکایی «داکتر کارلتن کون» چنین معلوم می شود که غار قره کمر شکل (نیم دایره) راداشته زمین آن‌ازقشر متنوع پوشیده شده بود که‌عمیق ترین آن رنگ نصواری داشت.

همچنان غار قره کمر دردوره های فلز نیز مسکون بوده‌وباشند گان آن‌درین دوره ها به رمه‌داری و گله بانی ونگهداری رمه های بز بیشتر مشغول بوده اند وآثار استخوان حیوانات و افزار سنگی، چقماقی وغیره هویدا میسازد که غار مذکور درتمام طول دوره قدیم حجر مسکون بوده ولی از زندگانی دوره جدید حجر در آن اثری‌نیست.

همچنان طبق‌تحقیقات (دانشمندان،و مؤرخان) از روی آثار مکشوفه که عبارت از افزار سنگی، چقماقی استخوان حیوانات ، خاکستر و ذغال می باشد ، چار دوره‌زندگانی را در غار مذکور میتوان تعیین کرد. ومعلوم است که‌پناه گذینان و غارنشینان هر چار دوره شکاری بوده اند و افزار سنگی بسیار ابتدائی داشتند که شکل طبیعی آن دست نخورده بوده و نظایر آنرا در اروپا، امریکاو آسیا معمولا به اصطلاح علمی افزار دوره«موسترین» می خوانند .

نظیر این افزار درمجاورت قره کمر در دامنه های کوه هم‌دیده شده است .

باشند گان غار قره کمردرمراحل بعدی زندگی به شکار حیوانات ماهر تر شدند وروشن کردن آتش را باسنگ چقماق فرا گر فتند‌و آنگاه توانستند لانه وکاشانهٔ خود را بادردادن آتش‌گرم‌نمایند . افزار آنها هنوز شکل طبیعی‌وابتدائی داشت و ازپارچه‌های‌گران‌وزن وتیز چقماق استفاده مینمودند .

با وجودیکه‌درین مغاره پارچه‌های تیکر ظروف سفالی نیز به‌مشاهده رسیده‌ولی‌بااینهم‌میتوان حدس‌زدکه زندگانی در غار قره کمر روی، حساب مراتب‌ابتدائی‌بمراحل اولی عصر قدیم‌سر می خورد .

وتحقیقات باستان شناسان نشان میدهد که دوره های قدیم ومتوسط وجدید در افغانستان تقریبا در حوالی ده‌هزار سال قبل در اکثر‌نقاط آسیای غربی حیات دوره مغاره نشینی تمام شده ودوره جدید حجر آغاز گردیده‌واین نتیجه بدست می آید که بالا خره‌درحوالی ده‌هزارسال قبل‌شکاریان‌هندوکش بطرف جگه هاووادی های رود خانه های‌بزرگ به حرکت افتادند و در آنجا هابرای خود جای بودو باش تهیه نمودند.وزندگی مغاره‌ای راترك نمودند .



مهوش خوانندهٔ خوش آواز کشورباهمکاری استاد هاشم بر محبوبیت خود افزوده‌است

کیهان نوردان

کیهان نورد ناسا :

بتاریخ ۲۳ جنوری ۱۹۳۰ در اومیکا - واقع اروکلاهوما متولد گردیده .

تعلیمات ابتدایی وثانوی خودرا در مکاتب اوکلاهوما بپایان رسانیده بعدا درسال ۱۹۵۱ ازپوهنتون بیت تست اوکلاهوما بدریافت درجهٔ علمی بچلراف ساینس در رشته تعلیم وتربیه موفق گردید . درسال ۱۹۶۰ درجهٔ ماستری خودرا در شق ریاضیات از پوهنتون دولتی اوکلاهوما دریافت نمود .

عضو ایرفورس اسوسیشن- جامعهٔ تحقیقات امریکا- جامعهٔ پیلوتهای آزمایشی وسگما ایکش میباشد .

وی مدال خدمات برجستهٔ ناسا ۱۹۷٤ و جایزهٔ کارنامه های برجسته جی اس سی (۱۹۷۰)- برندهٔ مدال هوایی - مدال تحسین قوای هوایی - مدال قوماندانی پیلوت‌کیهانی مدال خدمت دفاع ملی ومدال طلایی شهر شیکاگو (۱۹۷٤) .

قبل ازآنکه پوگ یك دگروال قوای هوایی بمرکز لندن جانسن بیاید وی درپایگاه هوایی ادواردز واقع کالیفورنیا ایفای وظیفه مینمود. پوگ ازآغازاکتوبر ۱۹۶۵ تاآنوقت بحیث‌معلم درمکتب ایروسپیس ریسرچ پایلت سکول‌کار میکرد .

درسال ۱۹۵۱ وی شامل قوای هوایی شده بود ویکسال بعدآن به گرفتن کمیشن یعنی وظیفهٔ فعال موفق گردید .

پوگ بامتجاوزازپنجاه نوع طیارهٔ امریکایی وانگلیسی بسویهٔ تخصص آشنایی حاصل‌نمود ویك معلم باصلاحیت در پرواز ملکی میباشد. پوگ دراکادمی قوای هوایی امریکا واقع در کالرادوسپرنگزبین سالهای ۱۹۶۰ و۱۹۶۳ به حیث معلم ریاضیات ایفای وظیفه کرده است. در سپتمبر ۱۹۶۵ وی دوسال را بحیث پیلوت آزمایشی دروزارت هوانوردی برتانیه تحت پروگرام تبادله بین قوای هوایی امریکا و برتانیه تکمیل نمود. وی قبلا از مکتب پیلوت های آزمایشی درفارن برا- انگلستان نیز فراغت حاصل کرده بود .

پوگ درحدود ٤۸۰۰ ساعت پرواز کرده است‌که ۳۸۰۰ آن درطیارات جب بوده است.

دگروال پوگ یکی از ۱۹ نفرکیهان نوردی است که درسال ۱۹۶۶ ازطرف (ناسا) (اداره ملی کیهان نوردی امریکا) انتخاب گردیدند. وی بحیث عضو عملهٔ تقویتی‌کیهان نوردان اپولو ۷-۱۱-و ۱٤ اجرای وظیفه‌کرده است .

پوگ پیلوت سکای لاب چهار بود (سومین وآخرین دیدار ازورکشاپ مداری سکای لاب) که بتاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۳ پرتاب گردید وماموریت آن بتاریخ ۸ فبروری ۱۹۷٤ پایان یافت .

این طویل ترین پروازی بود (۸٤روز یك ساعت وپانزده دقیقه) که درتاریخ پرواز های کیهانی حامل بشر تاکنون انجام یافته است. درین پرواز ۳٤۹۵ میلی‌که ریکارد قایم نمود جرالد کار قوماندان ودکتور ادوارد گبسن (پیلوت علمی) باپوگ همراهی نمودند .

درطول ۱۲۱٤ مرتبه چرخش خودبه دورزمین ایشان ۵۶ تجربه - ۲۶ دیما نتریشن علمی ۱۵ آزمایش ترتیبات داخل سفینه و۱۳تحقیق دانشجویی راانجام دادند . درطول همین مدت ایشان معلومات وسیعی راجع به ذخایرزمین توسط کوره ها ووسایط خاصی‌که به این منظور درسفینه تعبیه شده بود بدست آوردند وهمچنان برای مدت ۳۳۸ ساعت توسط تلسکوپ مخصوص اپولو (عملیات داخل کرهٔ آفتاب رامورد مطالعه قرار دادند .)

دگروال پوگ وهمراهان سکای لاب چهار ریکارد جهانی زیست رادر کیهان که عبارت است از ۲۰۱۷ ساعت پانزده دقیقه و۳۲ثانیه مشترکاقایم نمودند که از آنجمله پوگ ۱۳ ساعت و۳۱ دقیقه آنرادر خارج ورکشاپ‌مداری سپری کرده است .

دولتی مطبعه

